



ماهنامه مسجد / ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۸۲ / اسفندماه ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: سعید کر می • سردبیر: حسن علی آبادی
 دبیران تحریریه: • منبر: یاسر شریعتی • رواق: سیدعلی آقائی • محراب: علی بانسی • شبستان: مهدی اخلاقی •
 کارشناسان تحریریه: حجت الاسلام حسین باقری، محسن گلپایگانی، دانیال نعیمی، حجت الاسلام مصطفی
 کاویانی، مهدی رزاقی طالقانی • گزارشگران: علی اصغر غلامی، سعید فیاضی • طراحی و گرافیک: مصطفی
 سلیمانی / سیدمهدی حسینی • عکاس: امیر حسامی نژاد، مصطفی معراجی، داوود وجدی، عبدالحسین بدرلو
 • ویراستار: جعفر مروجی • شمارگان: ۳۰۰۰



در میان دغدغه‌ها

- حضور بانوان مبلغه در مسجد چالشها و فرصت‌ها / ۴ ■ مهارت تشکیل جلسات بانوان در مسجد / ۶ ■ نمونه فیش / ۸ ■ ریحانه خانه / ۱۳ ■ مسجد زن / ۱۴ ■ رستاخیز یک زینب / ۱۶ ■ حجت حوزه / ۱۸ ■ یادگار آفتاب / ۲۰ ■ نقش روحانیت در دفاع مقدس / ۲۱

سرمقاله

منبر



رواق



محراب



شبستان



- تحمل فشار و تحقیر زیر سایه تمدن / ۲۴ ■ زن در قفس آیینی سخت / ۲۵ ■ حضيض ذلت برای یک مخلوق / ۲۷ ■ روایت مردانه یهود از زن / ۳۰ ■ زن در مقامی فرودست / ۳۱ ■ برابری به هر قیمت / ۳۴ ■ کتابخانه مسجد / ۳۶

- همیشه در مسجد هستیم / ۳۸ ■ یک دعوت اصولی / ۴۲ ■ دردهای ما و نوش داروی نماز / ۴۴ ■ دختران امروز مادران فردا / ۴۶ ■ زندگی خانوادگی فردی / ۴۸ ■ نماز مادرانه / ۵۰ ■ کتابخانه مسجد / ۵۱

- نیمه شب، اشک، عزاء... / ۵۴ ■ سخن من با شما درباره اسلام است / ۵۶ ■ مردی برای عبور از بحران اندیشه / ۵۸ ■ جریان شناسی / ۶۰ ■ اولین دیپلمات اسلام / ۶۰ ■ وراثت و نبوت / ۶۲ ■ اخلاق پرستاری / ۶۳ ■ بلانگشتی و من نگینم / ۶۴ ■ پ مثل پدر / ۶۵ ■ حق با مشتریست / ۶۶ ■ پرواز یا پرتاب / ۶۷ ■ من از سلاله درختانم / ۶۷ ■ حکمت منظوم / ۶۸ ■ نقد و بررسی شیار ۱۴۳ / ۷۰ ■ کتابخانه مسجد / ۷۲

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر منبع مجاز است.

♦ مطالب خود را ترجیحا تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.

♦ مطالب ارسال شده به تحریریه، بازگردانده نمی شود.

♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه یاری رساندند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (علیه السلام) پلاک ۱۰۳

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

• تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶ • نامبر: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۷ • سامانه پیام کوتاه: ۰۱۵۱۵۴۲۳۰۰۰

• نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir

لطفاً برای بهره
 مندی هر چه بیشتر از
 نظرات ارزشمندتان
 فرم نظر سنجی
 آخر نشریه را پس
 از تکمیل ارسال
 نمایید.

«یا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»، خطابي است به مریم مقدس که گوشه‌اش دامن بانوان باایمان را هم می‌گیرد. این سخن که مسجد زن، خانه‌اش است در جایی درست است که بیرون آمدن زن از خانه مفسده‌ای داشته باشد؛ ولی در شرایط عادی حضور زنان در مسجد مورد تأیید پیامبر نیز بوده است. مثلاً طبق روایتی ایشان نماز صبح را زودتر می‌خواندند تا زنان هنگام تاریکی هوا به خانه‌های خود برسند. امروزه حضور زنان نماز گزار در مسجد اگر از مردان بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ با وجود این توجه به آنان کمتر است و معمولاً سهمشان جای تنگ و تاریک و پایین مسجد است. اگر از دامن زن، مرد به معراج می‌رود و نقش او در تربیت مذهبی خانواده بی‌بدیل است، توجهی مضاعف می‌طلبد که او نیز در شرایطی یکسان همراه مردان قنوت کند و سجود و رکوع به جای آورد. در این شماره به یاری خداوند در این زمینه بیشتر سخن می‌گوییم.

پی‌نوشت
۱. آل‌عمران: ۴۳.



- ۴ 
- ۶ 
- ۸ 
- ۱۰ 
- ۱۲ **فیش‌روضة
هتک‌حرمت
خانه‌وحی**
- ۱۳ 
- ۱۴ 
- ۱۶ 
- ۱۸ 
- ۲۰ 
- ۲۱ 

درمیان دغدغه‌ها

دو ماه جمادی الاولی و جمادی الآخر را می‌توان ماه «مخدرات آل‌الله» دانست؛ چون با میلاد عقیده‌العرب حضرت زینب کبری (ع) آغاز و با شهادت ام‌الکئمه حضرت فاطمه زهرا (ع) و وفات ام‌البینین ادامه می‌یابد. حسن ختام این دو ماه نیز میلاد صدیقه طاهره (ع) است. شاید در وهله اول آنچه از این زمان بندی به ذهن متبادر شود، تعظیم شعائر الهی باشد؛ اما حقیقتی فراتر از این مسئله را می‌توان در اینجا دریافت و آن اینکه:

اهمیت جایگاه جنسی که نقش تربیتی آن در زندگی بشر به مراتب از جنس مردانه پراهمیت‌تر است، چرا و چگونه این چنین در این دوره دچار اضمحلال گردیده است که پست‌ترین رفتار هابه عنوان ارزشمندترین عملکرد دها ترویج می‌گردد؟ راهکار بازگشت به فضائل انسانی و اخلاقی چیست؟ آیا ایجاد فضایی است که موضوع جنسیت سرمایه‌ی گرانقدری برای زندگی مادی و معنوی است نه کالای هوی و هوس؟

همگان بارها و بارها این مقایسه را از رسانه‌ها و نشریات مختلف درباره افزایش طلاق یا سوء استفاده‌های نامشروع از زنان تحت عنوان حقوق بشر شنیده‌اند که تکرار دوباره آن در این مجال کوتاه، ملال‌آور خواهد بود. اما حقیقت آن است که این آمارها همان عفونت‌های فرهنگ لجام‌گسیخته غربی است که فضای روحی و فکری جوامع را آلوده کرده است و نیز زمینه مرگ زندگی خانوادگی و مراودات خوبشوندی را فراهم آورده است.

الگوی غربی مدعی است که پیشرفت انسان در بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی نسبت به همسر، فرزند و اطرافیان است و حال آنکه این مطلب، فقط یک ادعای بدون وجه و دلیل است؛ چرا که اغلب انسان‌های موفق، در بستر خانواده و روابط انسانی سالم توانسته‌اند به موفقیت دست یابند.

شور بختانه باید گفت که این فرهنگ منحط برآمده از انحرافات و افراط و تفریط ادبیاتی است که در طول تاریخ دچار تحریف شده‌اند اما در این میان، در دناک‌ترین مسئله این است که معلوم نیست چرا جامعه اسلامی باید تاوان ظلم‌های بیشمار ادیان منحرفی همچون مسیحیت و بهودیت درباره جنسیت را پس دهد؟ حال آنکه بدون هیچ اغراقی - جایگاه و امتیازاتی که قرآن و روایات اهل بیت (ع) برای زن قائل هستند، در میان سایر ادیان، بی‌همتا است.

انفعال این چنینی شاید به آن جهت است که در نحوه فضا سازی برای جامعه دینی، درست برنامه‌ریزی و عمل نکرده‌ایم یا آنکه جامعه دینی، گاه برای زنان وضعیتی بسیار ضیق و آزاردهنده به وجود آورده است. راه چاره چیست؟

بهترین راهکار، مدد خواستن از مسجد است؛ چرا که به تعبیر امام جلیله «مسجد سنگر است». فضای مشارکت زنان در فعالیت‌های دینی - آن هم در سنگر اصلی ترویج دین - باعث بازگشت فرهنگی است که جایگاه زن و خانواده را جایگاهی عالی و ممتاز می‌داند. البته این، به معنای حضور غیر ضروری و بی‌جای بانوان در جامعه نیست؛ بلکه منظور تقویت جایگاهی است که جنسیت را سرمایه بندی می‌داند، نه سوداگر زدالت و پستی.





حضور بانوان مبلغه در مسجد چالش‌ها و فرصت‌ها

در مصاحبه با مدیر تبلیغ حوزه‌های علمیه خواران

به کوشش مرتضی ناصحی

تبلیغ همان رساندن است؛ رساندن پیام‌های الهی به مردم. مسجد نیز خانه خداست و بهترین بستر برای تحویل رسالاتی است که برای بشر فرستاده. به فرموده قرآن بهترین گوینده، کسی است که دیگران را به سوی خدا دعوت می‌کند و مصداق بارز ایشان مبلغانند. همگونی مبلغ با مخاطبان از ضروریات تبلیغ است؛ از این رو در عرصه تبلیغ زنان، بانوان مبلغ توفیقات بیشتری را کسب می‌کنند. ضرورت حضور بانوان مبلغه در عرصه تبلیغ مسجدی، فراگیری آموزش‌های لازم و نقش آنان در این زمینه، سؤالاتی را از حجت الاسلام سید محمود صانعی پرسیدیم. ایشان هم اکنون مدیریت تبلیغ حوزه‌های علمیه خواران را بر عهده دارد.



۱. حضور بانوان مبلغ در مسجد چه نقشی در پیشبرد اهداف تبلیغی دارد؟

در خصوص نقش و جایگاه مسجد و حضور بانوان و خواهران طلبه و مبلغ در این عرصه و فضای تبلیغی، با توجه به کارکردهای ارزشمندی که مساجد در طول تاریخ در ترویج و نهادینه کردن معارف دین داشته است، باید تأکید کرد که مسجد یکی از بهترین ظرفیت‌های تبلیغی، چه برای برادران و چه برای خواهران در طول تاریخ اسلام بوده است.

با توجه به نیازمندی‌های مختلف در عرصه مباحث فرهنگی و دینی خواهران در سطح جامعه، یکی از بهترین روش‌ها و راه‌ها برای پاسخ‌گویی به این نیاز، آشناسازی جامعه بانوان با حوزه‌های علمیه خواران است که در این

اهتمام حوزه‌های علمیه خواران بوده، مبحث «آموزش و یادگیری احکام خواران» بوده است. با عنایت به حساسیت موضوع و مسائل مربوط به خواهران و فروعات بسیار زیاد آن، جهت یادگیری و آموزش احکام به صورت تخصصی، دوره‌هایی از طرف مدیریت استان‌ها و واحدهای آموزشی تربیتی در طول سال تحصیلی برگزار می‌شود.

برگزاری سالانه دوره «روش بیان تفسیر و مباحث قرآنی» از دیگر دوره‌هایی است که مدیریت حوزه‌های علمیه خواران به برگزاری آن اهتمام ویژه می‌ورزد. با عنایت به اینکه مساجد یکی از پایگاه‌های ویژه ترویج مباحث قرآنی است، مبلغان در این زمینه با آشنایی و شناختی که از مباحث قرآنی پیدامی‌کنند، در فرصت‌های مناسب تبلیغی در مساجد و پایگاه‌های تبلیغی اقدام به ترویج معارف اسلامی و قرآنی می‌کنند. آشنایی با شیوه‌های جذاب‌سازی مفاهیم دینی، شیوه‌های ارتباط با مخاطب، به ویژه نسل جوان، از جمله دوره‌هایی است که به منظور کارآمدسازی تبلیغ خواران برای مبلغان خواهر برگزار شده است.

در عرصه مساجد باید زمینه و بسترسازی جهت حضور فعال مبلغان خواهر در این مکان مقدس و این ساحت تبلیغی صورت گیرد؛ چرا که مساجد یکی از موفق‌ترین کانون‌های تبلیغی هستند و اگر این فرصت و ظرفیت را با هماهنگی و همکاری ائمه محترم جماعات و هیئت‌امانی مساجد در اختیار مبلغان خواهر قرار دهند، شاهد فرهنگ‌سازی تبلیغی و تحول فرهنگی در این عرصه خواهیم بود.

یکی دیگر از مسائلی که در عرصه تبلیغ خواهران به نظر می‌رسد که باید از طرف ائمه محترم جماعات و هیئت‌امنا صورت بگیرد، آشناسازی مردم و آگاهی بخشی آنان نسبت به وجود خواهران فاضل‌حزوی و تحصیل کرده‌ای است که معارف و آموزه‌های دین را بر اساس تعالیم و حیانی مطرح می‌کنند و مجالس و سخنان آنها برگرفته از آموزه‌های ناب دینی است؛ لذا به منظور پرهیز از آسیب‌هایی که در جلسات خواهران وجود دارد، یکی از ظرفیت‌های ارزشمند و قابل اعتمادی که باید نسبت به تبلیغ و ترویج آن اهتمام ورزید، وجود خواهران مبلغ عالم است.

۲. خواران در مساجد حضور بسیار پررنگی دارند؛ اما در امور اجرایی مساجد چه در بخش هیئت‌امنا و چه در برگزاری مجالس و

سخنرانی و دیگر برنامه‌های تربیتی فرهنگی نقش بسیار کم‌رنگی دارند. به نظر شما برای رفع چنین کمبودی با توجه به حساسیت مسائل مربوط به خواهران، باید چه تدابیری اندیشید؟

نقشی که زنان در عرصه تربیت و فرهنگ‌سازی جامعه دارند، بسیار قابل ملاحظه و توجه است. به منظور تربیت این قشر و با هدف ارتقای سطح دینی که همواره مورد توجه اسلام بوده است، باید در حد توان فرصت‌های تبلیغی را از طریق حوزه علمیه خواران و با حضور مبلغان خواهر تقویت کرد تا از این طریق بنیه اعتقادی و دینی خواهران تقویت شود.

در سطح کلان با توجه به تعداد زیاد حوزه‌های علمیه خواران در سراسر کشور، اگر تعامل و تفاهمی با امور مساجد برای حضور خواهران مبلغ در مساجد و بهره‌برداری از این ظرفیت ارزشمند تبلیغی، صورت گیرد، بیشتر آسیب‌های موجود در عرصه فعالیت خواهران رفع و برطرف خواهد شد.

قطعاً این کار به تعامل و تفاهم مسئولان نهادهای مربوط نیاز دارد. از طرف حوزه‌های علمیه، زیرساخت‌ها برای تبلیغ و فعالیت کارآمد خواهران در جامعه، فراهم و آماده است و فقط باید زمینه ورود خواهران مبلغ به جامعه فراهم شود.

۳. ویژگی‌های یک بانوی مبلغ موفق و کارآمد در مساجد چیست؟

با توجه به تخصصی بودن امور و مسائل مربوط به خواهران، در عرصه فرهنگ‌سازی دینی و اعتقادی، علاوه فرا گرفتن امور تخصصی، از مهم‌ترین ویژگی‌های یک مبلغ از دیدگاه قرآن، داشتن اخلاص است: «الذین یبلغون رسالت الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله» به طور مشخص داشتن اخلاص از مهم‌ترین معیارهای موفقیت محسوب می‌شود. دومین مشخصه «دین‌شناسی» است؛ چرا که اگر یک مبلغ، معارف دین را به طور دقیق و کامل نشناسد، در انتقال آن به جامعه مخاطب دچار اشتباه و آسیب می‌شود.

سومین ویژگی یک مبلغ خوب «آشنایی با ابزارها و فناوری روز دنیا» است؛ زیرا امروزه با توجه به پیشرفت روزافزون تکنولوژی، مبلغان باید شیوه‌های جدید تبلیغی را نیز فراگیرند و با ابزارهای روز آشنا شوند. در عین حال نباید از تبلیغ چهره‌به‌چهره و سخنرانی که از مهم‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های تبلیغی است، غافل

شوند. البته یک مبلغ باید فروتنی، ادب، خیرخواهی، سعه‌صدر، مهربانی و دلسوزی و همه ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی را که برای یک انسان متخلق شمرده می‌شود نیز فرا گرفته باشد؛ چرا که آنها به عنوان الگو در جامعه حضور دارند و هر حرفی که می‌زنند، باید در ابتدا خود به آن عمل کرده باشند.

۴. علاوه بر برگزاری دوره‌های مخصوص برای تربیت و پرورش مبلغان، دستاوردهای مبلغان بانو چه بوده است؟

زمانی که حوزه‌های علمیه خواران اقدام به برگزاری دوره‌های متنوع برای خواهران طلبه و مبلغ می‌کرد، مهم‌ترین هدف و چشم‌انداز آنها، تربیت و پرورش مربی در سطح مدارس و واحد آموزشی تربیتی کشور بود تا نیاز مدارس کشور در عرصه مربیان کارآمد را تأمین کند. امروزه بیش از ششصد مربی، دوره‌های تخصصی تبلیغی را گذرانده و در حوزه‌های علمیه مشغول تدریس دوره‌های تخصصی مبلغان خواهر هستند.

تا امروز بیش هفتصد هزار فرصت تبلیغی در پنج سال گذشته توسط مبلغان خواهر در سراسر کشور ایجاد شده است. برای مثال در دانشگاه‌ها جهت تبلیغ دانشجویی اقامه نماز، در وبگاه پرسش و پاسخ و با همین رویکرد در مدارس آموزش و پرورش و همچنین در سطح جامعه، حضور داشته‌اند.

ما مبلغان را به سه سطح متفاوت، یعنی «عمومی»، «تخصصی» و «دانش‌آموزی و دانشجویی» تقسیم کرده‌ایم. مبلغان ما در مساجد تحت عنوان مبلغان عمومی فعالیت دارند.

یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ مبلغان خواهر که تحت مجموعه حوزه‌های علمیه خواران فعالیت می‌کنند، فعالیت در عرصه مجازی به طور مستمر است. این فعالیت تاکنون به تأسیس بیش از چهار هزار وبلاگ تخصصی منجر شده که آمار بازدید از این وبلاگ‌ها بسیار چشم‌گیر است.

در آخر باید تأکید کرد که اگر در قالب یک تفاهم‌نامه، یک سند همکاری بین حوزه‌های علمیه خواران و مرکز رسیدگی به امور مساجد، منعقد شود، شیوه‌های اجرایی و موانع را به طور کامل می‌توان شناسایی کرد و برای حل و فصل آنها و البته کاربردی شدن حضور مبلغان در مساجد و مراکز عمومی، راهکارهای مناسبی ارائه داد.



اگر در قالب یک تفاهم‌نامه، یک سند همکاری بین حوزه‌های علمیه خواران و مرکز رسیدگی به امور مساجد، منعقد شود، شیوه‌های اجرایی و موانع را به طور کامل می‌توان شناسایی کرد و برای حل و فصل آنها و البته کاربردی شدن حضور مبلغان در مساجد و مراکز عمومی، راهکارهای مناسبی ارائه داد.

تا امروز بیش از هفتصد هزار فرصت تبلیغی در پنج سال گذشته توسط مبلغان خواهر در سراسر کشور ایجاد شده است. برای مثال در دانشگاه‌ها جهت تبلیغ دانشجویی اقامه نماز، در وبگاه پرسش و پاسخ و با همین رویکرد در مدارس آموزش و پرورش و همچنین در سطح جامعه، حضور داشته‌اند.



مهارت تشکیل جلسات بانوان در مسجد

صمد نظری

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقشار جامعه، زنان و بانوان هستند؛ با این حال معمولاً در مساجد به آنها کم‌توجهی می‌شود. مثلاً در اغلب اوقات در مساجد مکان نامناسبی به خانم‌ها تعلق می‌گیرد و به همین دلیل، مسئولان و متولیان امر مسجد به آنان توجه کافی را مبذول نمی‌دارند. یا گاهی خانم‌ها در برنامه‌ها و مراسم مهم مسجد، نقشی نداشته و در حاشیه قرار دارند. لذا امام جماعت اضافه بر برنامه‌های عمومی مسجد، لازم است یک سری برنامه‌های اختصاصی نیز برای بانوان در نظر بگیرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. تشکیل جلسه ویژه خانم‌ها

گاهی به مناسبتی، برخی برنامه‌ها، اعم از سخنرانی، جشن و عزاداری، به صورت اختصاصی برای بانوان برگزار شود. برای مثال نماز جماعت فقط برای خانم‌ها اقامه شود و هیچ مردی در مسجد حضور نداشته باشد. ضمناً تمام برنامه‌ها، اعم از مدیریت جلسه، صوت و... را خانم‌ها اجرا و مدیریت کنند.

۲. راه‌اندازی کلاس پرسش و پاسخ

برای راه‌اندازی چنین کلاسی، موارد زیر را باید در نظر گرفت: الف) جلسه پرسش و پاسخ فقط مخصوص خانم‌ها باشد. ب) برای این منظور باید زمان خاصی مشخص اعلام شود تا خانم‌ها در مسجد حضور یابند. ج) قبل از پرسش و پاسخ، امام جماعت چند دقیقه‌ای درباره موضوع خاصی بحث کند. د) بعضی سؤالات به برخی خانم‌ها رجوع داده شود تا جواب را پیدا کنند و در جلسه بعد توضیح دهند.

ه) بعضی پرسش‌ها را در همان جلسه خود بانوان پاسخ دهند و روحانی فقط جمع‌بندی یا نظر نهایی ارائه کند. و) از قبل، موضوع جلسه بعد مشخص شود. ز) در انتخاب موضوع، خود زنان نقش داشته باشند. ح) اگر امام جماعت خیلی جوان بود یا توانایی برگزاری چنین برنامه‌ای را نداشت، اصلاً برای چنین کاری اقدام ننماید. ط) گاهی می‌توان به جای امام جماعت، از بانوانی که توانمندی لازم برای اجرای چنین برنامه‌ای را دارند و قبلاً در این زمینه کار کرده‌اند، مثلاً مربی تربیت آموزش و پرورش، استفاده کرد.

۳. راه‌اندازی هیئت و جلسه قرآن

به منظور تشکیل هیئت و جلسه قرآن مخصوص بانوان،

ضروری است که موارد ذیل مدنظر قرار گیرد: الف) برنامه هیئت باید چندمنظوره باشد؛ یعنی شامل تلاوت و آموزش قرآن، آموزش احکام، سخنرانی و عزاداری شود. ب) برنامه هیئت بهتر است به صورت چرخشی و در منازل برگزار شود.

ج) باید امام جماعت یک رابط قوی و تأثیرگذار در میان خانم‌ها داشته باشد تا جلوی خرافات و انحرافات گرفته شود. د) چنانچه امکان دارد، مسئولیت هیئت خانم‌ها به عهده همسر امام جماعت گذاشته شود.

ه) بیشتر سخنرانی‌های هیئت را امام جماعت بر عهده بگیرد. و) مدیریت برنامه‌ها با خود خواهران باشد.

۴. تشکیل گروه سرود و تواشیح

الف) مسجد برای برنامه‌های اختصاصی خواهران، همیشه یک سرود آماده برای اجرا داشته باشد.

ب) می‌توان برای رشد اطلاعات، معرفت‌افزایی و تربیت دینی اعضای گروه سرود، برنامه‌ریزی کرد.

۵. تشکیل گروه نمایش و تعزیه

در این مورد نیز رعایت موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

الف) مسجد برای برنامه‌های اختصاصی بانوان (خصوصاً مراسم جشن اهل بیت (علیهم‌السلام)) همیشه یک نمایش متناسب آماده برای اجرا داشته باشد.

ب) جهت رشد اطلاعات، معرفت‌افزایی و تربیت دینی اعضای گروه نمایش، برنامه‌ریزی صورت گیرد.

۶. فعال نمودن تابلو اعلانات مسجد (قسمت خواهران)

تابلو اعلانات مسجد می‌تواند بسیار تأثیرگذار و معرفت‌افزا باشد. همچنین برای اطلاع‌رسانی برنامه‌ها بهترین وسیله است. لذا وجود آن در قسمت خواهران اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. بدین منظور باید به نکات ذیل توجه داشت:

الف) یک تابلو اعلانات ویژه مانند نمونه در قسمت خانم‌ها آماده و نصب شود.

ب) برای هر هفته یک موضوع تعیین شود.

ج) بر اساس عناوین روی تابلو اعلانات، هر کس مسئولیت تهیه مطالب یکی از عناوین را به عهده بگیرد.

د) قبل از نصب بر روی تابلو، مسئول تابلو مطالب را به تأیید امام جماعت یا نماینده او برساند.

ه) گاهی می‌توان از مطالب تابلو، مسابقه برگزار نمود.

۷. نشست صمیمی بانوان مسجدی با مسئولان محلی و شهری و استانی

برای نیل به این هدف، باید:

الف) ابتدا یک مسئول دعوت شود. اولویت با مسئولانی است که می‌توانند مستقیم نیاز یا مشکلی از بانوان مسجد را برطرف نمایند.

ب) مسئولان موفق و دوست‌داشتنی از دو حیث مورد توجه هستند: یکی به جهت عوامل موفقیتشان و دیگری به جهت مسئولیتشان.

ج) مسئولان غیر موفق فقط به جهت رساندن انتقادات به گوش آنها مورد توجه هستند.

د) گاهی به جای مسئول می‌توان از چهره‌های موفق علمی، هنری، ورزشی و... محل، شهر یا استان دعوت نمود.

ه) حتماً از مجری توانمند و توجیه‌بسه کار و اهداف برنامه استفاده شود.

و) به تعداد افراد بر که ۶ نفر تهیه شود.

ز) ابتدا تلاوت قرآن صورت گیرد.

ح) مجری پس از خوشامدگویی به مسئول محترم و بانوان حاضر در مسجد، به توضیح و تبیین برنامه برای مسئول و حاضران بپردازد. پس از اتمام سخنرانی مسئول، بانوان سؤالات خود را در برگه‌ای بنویسند و تحویل دهند و از سؤال شفاهی خودداری کنند.

ط) سخنرانی مسئول، بیش از پانزده دقیقه به درازا نکشد.

ی) پس از جمع‌آوری سؤالات و تحویل به مجری، وی با لحاظ اولویت‌بندی و حذف سؤالات تکراری، آنها را بازگو کند.

ک) پاسخگویی مسئول به سؤالات به طور مختصر و مفید باشد.

ل) در پایان از مسئول تقاضا شود خاطرات جالب و تأثیرگذار خود را بیان کند.

۸. دیدار با خانواده شهدا

با تعیین روز و ساعتی مشخص، خواهران در مسجد حاضر شوند و به صورت دسته‌جمعی به خانه شهیدی از شهدای محل بروند. در اجرای این برنامه باید موارد زیر رعایت شود: الف) از قبل با خانواده شهید هماهنگ شود. (حتماً قید شود اگر شهید وصیت‌نامه دارد، آماده نمایند تا در جلسه قرائت شود).

ب) در صورت امکان، از سوی پایگاه بسیج هدیه‌ای برای

خانواده شهید تهیه شود.

ج) هنگام حضور در خانه شهید، ابتداء روحانی مسجد، علت آمدن و هدف برنامه را تبیین کند. برای این منظور می‌تواند سخن خود را این گونه آغاز کند:

امام فرمود خانواده شهید چشم و چراغ این ملت هستند. لذا ما وظیفه خود می‌دانیم که به شما خانواده معظم شهید احترام بگذاریم و با حضور در منزل شما، ادای ادب و احترام کنیم. ما آمده‌ایم بگوئیم و عهد ببندیم که هیچ وقت یاد شهید شما را فراموش نمی‌کنیم و راهش را ادامه می‌دهیم. شما توانسته‌اید کسی را تربیت نمایید که به مقام والای شهادت برسد؛ لذا ما هم آمده‌ایم تا از محضر شما درس گرفته، شاید ما نیز به مقاماتی دست پیدا کنیم. ما به اینجا آمده‌ایم چون اعتقاد داریم شهید شما زنده است و اینجا حضور دارد تا ما نیز از معنویت او مستفیض شویم. ما آمده‌ایم؛ چون می‌دانیم شهید شما از اینکه ما به شما احترام گذاشته‌ایم، خوشحال می‌شود.

د) از پدر یا مادر یا برادر شهید تقاضا شود که در مورد سیره اخلاقی شهیدشان صحبت کند.

ه) بعضی از خانواده‌های شهدا نمی‌دانند چه بگویند؛ در این صورت باید سؤالات خاصی از آنها پرسیده شود.

و) سپس وصیت‌نامه شهید خوانده شود. در صورتی که وصیت‌نامه نداشت، وصیت‌نامه‌هایی که بنیاد شهید به صورت عمومی برای شهدا آماده کرده است، خوانده شود.

ز) در صورت امکان عهدنامه‌ای با شهید که از قبل آماده شده، خوانده شود.

ک) روحانی مسجد به مدت پنج الی هفت دقیقه روایت‌گری کند.

ل) از خانواده اذن گرفته شود تا به یاد شهید، ذکر روضه و مصیبت اهل بیت (علیهم‌السلام) خوانده شود. این کار تأثیرات مثبت فراوانی بر روی اعضای خانواده شهید خواهد گذاشت.

م) قبل از رفتن به منزل شهید، به خانواده شهید اطلاع داده شود که برای پذیرایی، فقط با چای و کیک یزدی باشد تا خانواده‌ها به زحمت نیفتند.

۹. شنیدن مشکلات، نظرها، پیشنهادها و انتقادات آنان

نکته پایانی آنکه هیئت امنای مسجد دیدگاه‌ها، نظرها و انتقادات بانوان را بشنوند و به آنها ترتیب اثر داده شود.



زنان و بانوان
یکی از مهم‌ترین و
تأثیرگذارترین اقشار
جامعه هستند. با این
حال گاهی در مساجد
به خانم‌ها کم‌توجهی
می‌شود. مثلاً معمولاً
به قسمت خانم‌ها
در مسجد رسیدگی
نمی‌شود؛ به دلیل
اینکه خیلی جلوی
چشم مسئولان و
متولیان امر نیست.





فیش منبر زنان نمونه در قرآن

حسن هرمز

ایجاد انگیزه ایهامی و سؤال

برخی در خوبی‌ها و زیبایی‌ها و عده‌ای در بدی‌ها و زشتی‌ها الگو می‌شوند. خداوند در سوره تحریم دو زن را معرفی می‌کند که شاخص زنان بد هستند و دوزن را معرفی می‌کند که سرمشق نیکویی برای مردم نیکو کار هستند.

اما این زنان چه صفات و خصلت‌هایی داشتند که نمونه خوبی و بدی شدند؟ به عبارت دیگر چه فضیلت یا چه رذیله‌ای داشتند؟ به دست آوردن این ملاک‌ها بسیار مهم است؛ زیرا چنانچه فرد و جامعه به سمت ملاک رذیله برود، به سمت انحطاط و شقاوت رفته است و اگر به سمت ملاک فضایل قرآنی برود، کمال و سعادت را برای خود به ارمغان خواهد آورد. اما زنان نمونه و خصلت‌های آنان:

۲. نمونه خوبی‌ها

قرآن کریم دو نمونه خوب از زنان را نیز به عنوان الگو ذکر می‌کند؛ زنان پافضیلتی که نمونه مردم مؤمن می‌شمارد و درباره آنها چنین می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجْنِي مِنْ فُرْعُونَ وَعَمَلِيهِ وَتَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۱ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

اقناع اندیشه به روش تنظیم و دسته بندی و توضیح و تبیین

۱. نمونه بدی‌ها

قرآن کریم نمونه مردم بد را با نقل داستان دوزن بد، تبیین کرده و می‌فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَاتٍ نُوحٍ وَاَمْرَأَاتٍ لُوطٍ كَانَتَا تَخْتَعِبْنَ مِمَّنْ يُبَدِّلَانَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ؛ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، همسر نوح و همسر لوط را مثل زده است. آن دو تحت [سرپرستی] دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند.» در بعضی از کلمات مفسران آمده که اسم همسر حضرت نوح «والهة» و اسم همسر حضرت لوط «والعة» بوده است و بعضی عکس این را نوشته‌اند؛ یعنی نام همسر نوح را «والعه» و همسر لوط را «والهه» یا «واهله» گفته‌اند.

به هر حال این دوزن به این دو پیامبر بزرگ خیانت کردند. البته خیانت آنها هرگز انحراف از جاده عفت نبود؛ زیرا هرگز همسر هیچ پیامبری آلوده به بی‌عفتی نشده؛ چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ صریحاً آمده است: «مَا بَغَتْ امْرَأَةٌ نَبِيًّا قَطًّا وَ اِنَّمَا كَانَتْ خِيَانَتُهُمَا فِي الدِّينِ؛ همسر هیچ پیامبری هرگز آلوده عمل منافی عفت نشد و خیانت آن دو فقط در دین بود.»

خیانت همسر لوط این بود که با دشمنان آن پیامبر ﷺ همکاری می‌کرد و اسرار خانه او را به دشمن می‌سپرد و همسر نوح نیز چنین بود. تناسب این داستان با داستان افشای اسرار خانه پیامبر ﷺ نیز ایجاب می‌کند که منظور از خیانت، همین باشد.

به هر حال آیه فوق امیدهای کاذب افرادی را که گمان می‌کنند ارتباط با شخص بزرگی همچون پیامبر ﷺ می‌تواند مایه نجات آنها گردد هر چند در عمل آلوده باشند قطع می‌کند تا هیچ کس از این نظر برای خود مصونیتی قائل نشود. لذا در پایان آیه می‌گوید: «به آنها گفته می‌شود با سایر دوزخیان وارد جهنم شوید»؛ یعنی میان شما و دیگران از این نظر هیچ تفاوتی نیست.^۴

تحریک احساس به روش تعظیمی

برخی از افراد هر گاه وارد محیط جدیدی (مثل دانشگاه) می‌شوند، جو حاکم بر آن محیط، روی آنان تأثیر می‌گذارد و به قول امروزی‌ها جوگیر یا جو زده می‌شوند؛ اما برخی دیگر وقتی وارد یک محیط جدید می‌شوند، بر آن حاکم شده و تأثیری بر آنها و افراد حاضر در آن مکان می‌گذارند. چنین افرادی دارای اراده‌های قوی و هدف‌های بلند هستند و شرایط بد محیط، آنان را از پای در نمی‌آورد. اما افراد سست عنصر که جزء حزب باد به حساب می‌آیند، به هر سمتی که باد بوزد، به آن طرف میل پیدا می‌کنند؛ زیرا آنان از خود اراده‌ای ندارند و همواره غلام گوش به زنگ دیگران هستند. حضرت آسیه نه تنها در کاخ‌های سر به فلک کشیده فرعون و امکانات رفاهی عالی، جوگیر نشده، بلکه دیگران را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. ارزش این بانو به این است که طلاها و ناز و کرشمه‌های شاهانه فرعون او را مجذوب خویش نساخت. تهدیدهای شدید فرعون نیز نتوانست آسیه را از ایمان راسخش باز دارد. سر سفره رنگین فرعون نشست، اما نمک گیر نشد؛ از این رو قرآن او را «مثل» یعنی نمونه می‌داند. البته این زن برای مردان نیز الگویی پسندیده معرفی شده است.

رسول خدا فرمودند: «آسیه حتی به اندازه یک چشم به هم زدن به وحی الهی کافر نشد.»^۶ او با اینکه در دربار فرعون بود فرعونی که خود را خدای نامید هرگز به خدای جهانیان کافر نشد و دست از اعتقادات حقیقی خویش نکشید؛ آن هم در زمانی که مردها از ترس مال و جانشان، خدایی فرعون را پذیرفته و به او ایمان آورده بودند.

مقام ویژه مریم

نمونه چهارمی را که قرآن بیان می‌کند، حضرت مریم است. خداوند پس از معرفی همسر فرعون به عنوان الگوی انسان‌های مؤمن، در آیه بعد برای گرامی‌داشت مقام خاص مریم می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ مِنَ الذِّكْرِ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛^۷ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.»

چون مقام مریم، بالاتر از مقام زن فرعون بود، خداوند آنها را در دو آیه جدا ذکر فرمود؛ بر خلاف آن دوزن کافر که در یک آیه ذکر شدند. حضرت مریم بر اثر پاکدامنی، صیانت، عفت و دریافت آن روح غیبی، به مقام صدق رسید. فرشتگان با مریم سخن می‌گفتند و سخنان ایشان را هم می‌شنیدند؛ هم مریم آنها را می‌دید و هم آنها در مرآی مریم قرار می‌گرفتند و او را از مقام اصطفا پیش باخبر می‌کردند. اینها تعبیرات بلندی است که قرآن درباره مریم دارد.^۸ خداوند در تبیین مقام والای مریم می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛^۹ و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.»

شهید مطهری درباره عفاف حضرت مریم می‌نویسد:

حضرت مریم مزایای ارزشی فراوانی داشتند که یکی از آن ارزش‌ها، وجود ملکه عفاف است. حضرت مریم از لحاظ زهد و تقوا و عفت‌ورزی به جایی رسیده بود که وقتی فرشته وحی به صورت انسان بسیار زیبا و دلربایی بر آن حضرت ظاهر گشت تا به او بشارت باردار بودن حضرت عیسی را بدهد، حضرت مریم که از فرشته بودن او بی‌خبر بود، خیال کرد که آن شخص قصد سوء نسبت به او دارد. بلافاصله و بی‌هیچ درنگی گفت: اگر پرهیز کاری، از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. حضرت مریم نه تنها خودش میل به گناه و آلودگی دامان ندارد، بلکه آن فرشته را هم که به صورت بشر ممتثل شده بود، نهی از منکر می‌کند و می‌گوید که اگر تو باتقوا هستی، دست به گناه زن و از گناه بپرهیز.»^{۱۰}

پی‌نوشت

۱. تحریم: ۱۰.
۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۴۷.
۳. «لاتخونوا الله والرسول وتخونوا اماناتکم»: انفال: ۲۷.
۴. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۱.
۵. تحریم: ۱۱.
۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «ثَلَاثَةٌ لِمَنْ يَكْفُرُوا بِالوَحْيِ طَرْفَةَ عَيْنٍ مَوْمِنٍ آلِيسَ وَعَلَى بِنِ ابْنِ طَالِبٍ وَأَسِيَةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ». شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۷۴.
۷. تحریم: ۱۲.
۸. برگرفته از: آیت‌الله جوادی آملی، زن در آینه جمال و کمال.
۹. آل عمران: ۴۲.
۱۰. برگرفته از: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷۴.



فیش منبر بهترین و بدترین زنان

حسن هرمز

ایجاد انگیزه به روش ابهامی

یکی از مسائل مهم و اساسی در علم اخلاق، چگونگی تمیز رذائل اخلاقی از فضائل، و به تعبیر دیگر ملاک و معیار باز شناسی فعل اخلاقی است. پاسخ‌های گوناگون و گاه متضادی به این پرسش داده شده که ناهمگونی در برخی پاسخ‌ها، به اختلاف در مبانی معرفت‌شناسی و جهان‌بینی باز می‌گردد. مکاتب مختلف به فراخور مبانی فکری خویش هر یک معیار خاصی را در این زمینه ارائه داده و جدول مشخصی را برای ردایل اخلاقی ترسیم کرده‌اند. یکی از راه‌های شناخت این فضائل و رذائل، مراجعه به روایاتی است که در صدد بیان ملاک‌های بهترین و بدترین افراد هستند. در ادامه ملاک‌های بهترین و بدترین زنان بررسی می‌شود که می‌توان با مقایسه این صفات، معیاری برای سنجش بهترین و بدترین زنان به دست آورد.

بهروش مقایسه‌ای و توضیح و تبیین

۱. ویژگی‌های بهترین زنان

جابر یکی از یاران نامدار رسول خدا ﷺ می‌گوید: در مجلس پیامبر درباره فضیلت و برتری زنان صحبت می‌کردیم. حضرت فرمودند: «لَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ؛ آیا می‌خواهید از بهترین زنان به شما خبر دهم؟». همه گفتند: «بله یا رسول الله!». حضرت فرمودند:

الف) زایا و مهربان

«إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوَلُودَ الْوَدُودَ؛ به راستی از بهترین زنان شما، زن زایا و مهربان است». مرد در عرصه اجتماع با افراد گوناگون و سلاطین متفاوت مواجه می‌شود و بسا در مواجهه با افراد مختلف، با اموری روبه‌رو شود که موجب ناراحتی او گردد. زن می‌تواند با خوش‌رویی و اظهار محبت به شوهر، از غم و اندوهش بکاهد و با چهره‌ای دل‌انگیز او را مسرور کند.

امام رضا ﷺ می‌فرماید: «اعْلَمِ أَنَّ النِّسَاءَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيْمَةُ وَالْعَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَخَيَّبَةُ لِزَوْجِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ؛ بدان که زنان گوناگون‌اند. بعضی زن‌ها دستاوردی گران‌بها و تاوان رنج‌های آدمی هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می‌کند و عاشق او است».

امام علی ﷺ درباره رفتار حضرت زهرا ﷺ چنین می‌گوید: «هرگاه به رخسارش نظاره می‌کردم،

تمام غصه‌هایم بر طرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کردم».^۱

ب) عقیفه

«السَّيِّرَةُ الْعَفِيفَةُ؛ باحجاب عقیفه است». امام علی ﷺ می‌فرماید: «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ صیانت زن او را شاداب‌تر و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌کند».

ج) جایگاه مناسب

«العَزِيْزَةُ فِيْ أَهْلِهَا الدَّلِيْلَةُ مَعَ بَعْلِهَا؛ در میان خانواده خود نفوذناپذیر، اما در برابر شوهرش خاضع و متواضع است».

د) آرایش و زینت

«الْمُتَّبِرِجَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ مَعَ غَيْرِهِ؛ در برابر همسرش با آرایش و زینت ظاهر شود و زینتش را از غیر می‌پوشاند».

آرایش و آماده کردن خود برای شوهر، یکی از مسئولیت‌های اخلاقی زن در قبال او است. رعایت این امر باعث ایجاد روابط عاشقانه و صمیمانه و جلب خاطر و رضایت شوهر می‌گردد. زن با این کار نقش مهمی در حفظ عفت شوهر خود و سلامت جامعه ایفا می‌کند. از طرفی با آماده کردن خود برای همسر، با پوشیدن لباس‌های مناسب و نظافت و آرایش اندام، توجه او را جلب نموده و خواسته‌های او را از طریق مشروع تأمین می‌کند و باعث محبت و علاقه بیشتر شوهر شده و موجب می‌شود که شوهرش از نامحرمان و بیگانگان چشم‌پوشد و فقط به او عشق بورزد. لذا رعایت این اصل به عنوان یک مسئولیت، تأکید شده است. نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَعَلَيْهَا أَنْ



رسول خدا ﷺ در جمع اصحابشان چنین فرمودند: «لَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ؟».^۲

الف) نداشتن جایگاه

«الدَّلِيْلَةُ فِيْ أَهْلِهَا، الْعَزِيْزَةُ مَعَ بَعْلِهَا؛ بدترین زنان شما، نزد خانواده‌اش ذلیل و نزد شوهرش نافرمان و گردن‌فراز است».

ب) نازا و کینه توز

«الْعَقِيْمُ الْحَقُوْدُ؛ نازا و کینه‌توز است». خانمی که با دلیل ناموجه از فرزندآوری اجتناب کند، ریشه مهر خانواده‌اش را می‌خشکاند و نسبت به خود و همسرش نامهربانی می‌کند.

ج) جلوه‌گری حرام

«الَّتِي لَا تَتَوَرَّعُ عَنْ قَبِيْحٍ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا، الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ، لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ، وَإِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَعَتْ مِنْهُ كَمَا تَمَنَعُ الصَّغْبَةَ عِنْدَ رُكُوبِهَا؛ زنی که در غیاب شوهرش از هیچ‌گونه رفتار زشتی که باعث جلوه‌گری شود پروایی ندارد؛ ولی در برابر شوهر، خود را ننگه می‌دارد، حرف شوهر را نشنود و امر او را اطاعت نکند و هرگاه با شوهرش خلوت کند، همانند مر کب سرکشی است که حاضر به هیچ‌گونه بهره‌دهی نیست».

زن نباید با آشکار کردن زینت‌ها و آرایش برای غیر شوهر، خویش را در معرض تماشای دیگران قرار دهد و با پوشیدن لباس‌های نامناسب و محرک که موجب جلب توجه دیگران است، از منزل خارج شود. این‌گونه حرکات موجب بی‌مهری شوهر و رواج فساد در جامعه می‌گردد.

۲. ویژگی‌های بدترین زنان

تحریک احساس به روش توصیفی و ترسیمی

شکی نیست که اطاعت زن از شوهر، فقط در دو مورد واجب است: یک: خروج از منزل. دو: آمادگی جنسی. ولی از نگاه اخلاقی و تربیتی، کسب رضایت شوهر در سایر امور؛ به شرط آنکه مخالف منطق عقل و موازین اسلامی نباشد. زن برای به دست آوردن رضایت و خشنودی خدا، لازم نیست نمازهای بسیار یا طولانی بخواند یا روزه‌های مستحبی بگیرد؛ بلکه پاداش‌های فراوان را می‌تواند با فراهم‌سازی رضایت شوهر به دست آورد. از این رو در اسلام از اینکه زنی نمازش را طولانی کند و بدون اجازه شوهرش روزه‌های مستحبی بگیرد، نهی شده است. چنانچه بین زن و مرد اختلاف سلیقه پیش آمد، گذشت زن و جلب نظر شوهر، رابطه عاطفی و صمیمانه‌تر را می‌گرداند و در ادامه، مرد جبران خواهد کرد.

پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.
۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳.
۴. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۵.
۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۱۱.
۶. همو، هدیة الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۷، ص ۱۰۵.
۷. نور: ۱۳.
۸. احزاب: ۳۴.
۹. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱۱.
۱۰. کلینی، کافی، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

رفتار سازی

خداوند می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ زنان زینت‌های خود را جز آن مقدار که آشکار است (قرص صورت و دست‌ها تا مچ) برای دیگران آشکار نکنند». خطاب به زنان پیامبر نیز - که البته شامل همگان می‌شود - می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید». در حدیثی آمده است: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَّيَّبَ لِعَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَلَاةً حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طِبِيبِهَا؛ زنی که برای غیر همسرش آرایش کند، عبادت و نماز او مورد قبول و پذیرش خدای سبحان نیست تا اینکه خود را از آن الودگی شستشو دهد». نیز از نبی اکرم ﷺ نقل شده که فرمود: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَّيَّبَتْ، ثُمَّ حَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا، فَهِيَ تَلْعُنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هر زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خارج شود تا زمانی که به خانه برگردد، مشمول لعن و نفرین خواهد بود».

د) نپذیرفتن عذر

«وَلَا تَقْبَلِ لَهُ عُدْرًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُ ذَنْبًا؛ و هیچ‌گونه عذری را از همسرش نمی‌پذیرد و از هیچ لغزش او نمی‌گذرد». مرد ممکن است در رفتار، روش، مدیریت منزل و قضاوت در حق زن، دچار اشتباه شود. بر زن لازم اخلاقی و شرعی است که شوهر خود را عفو کند. سخت‌گیری و خودپسندی و بی‌توجهی به شخصیت طرف و روی گردانی از دستورهای حق و انبیا و ائمه، امری ناپسند است که مانع عفو می‌شود.



فیش روضه هتک حرمت خانه وحی

هادی الیاسی

حلقه وصل

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ؛ أَي كسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌های پیامبر ﷺ وارد نشوید، مگر پس از آنکه اذن گرفتید».

از امام کاظم (ع) از پدرش حضرت صادق (ع) در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ به هنگام رحلت از دنیا فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ بَاتِيهَا بَابِي وَبَيْتِيهَا بَيْتِي فَمَنْ هَتَكَ هَتَكَ حِجَابِ اللَّهِ قَالَ عَيْسَى فَبَكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَوِيلًا وَقَطَعَ بَقِيَّةَ كَلَامِهِ وَقَالَ هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَ اللَّهِ، هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَ اللَّهِ، هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَ اللَّهِ، يَا أُمَّه؛ آگاه باشید که در خانه فاطمه (ع) در خانه من و خانه‌اش خانه من است. هر کس هتک حرمت او را کند، حجاب خداوند را دریده و هتک حرمت خدا را کرده است».

عیسی که راوی این حدیث است گوید: حضرت موسی بن جعفر (ع) مدتی طولانی گریست و بقیه سخن حضرت رسول را قطع کرد و فرمود: به خدا سوگند که حجاب خداوند هتک شد، به خدا سوگند حجاب خداوند هتک شد، به خدا سوگند حجاب خداوند هتک شد. ای مادر! درود خداوند بر او باد.

شعر مرثیه

گفت: در می‌زند مهمان است
گفت: آیا صدای سلمان است؟
این صدا، نه صدای طوفان است
مزن این خانه مسلمان است
مادرم رفت پشت در، اما
گفت: آرام ما خدا داریم
ما کجا کار با شما داریم
و اگر روضه‌ای به پا داریم
پدرم رفته ما عزاداریم
پشت در سوخت بال و پر، اما...

پی‌نوشت

۱. احزاب: آیه ۵۳.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۷.
۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۶۲.
۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۲۷.
۵. سید حمیدرضا برقی.



ریحانه خانه

عواطف زن از دیدگاه اسلام و غرب

نفسیه پورامینی

زن پایگاه وجود و پیدایش انسان است و رشد بشر در دامن او انجام می‌پذیرد؛ از این رو همان طور که به لحاظ جسم متناسب با حمل، پرورش و تربیت نسل‌های بعد آفریده شده، از نظر روحی هم سهم بیشتری از عواطف و احساسات دارد. این نگاه، پایه مبانی فکری اسلام درباره زن است؛ لذا اسلام در قوانین خود اجازه نمی‌دهد زوجین کوچک‌ترین توهین و اهانتی به یکدیگر داشته باشند؛ چه رسد به هتاک یا برخورد فیزیکی.

نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده زن در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه، به عنوان مادر یا همسر و همراه و شریک شیرینی‌ها و تلخی‌های زندگی، از مسائل انکارناپذیر است. رسول خدا ﷺ به حضرت خدیجه و حضرت فاطمه (ع) احترام بسیار می‌نهادند. تاریخ اسلام گواه این مطلب است تا نشان دهد که زن، جایگاه ویژه و مؤثری در خانواده دارد.

علاقه زن به خانواده و توجه ناآگاهانه او به کانون خانوادگی، بیش از مردان است. زن از مرد مهربان‌تر و نرم‌دل‌تر است؛ لذا مقام مادری و تربیت فرزند و تقسیم مهر و محبت بین افراد خانواده، به زن واگذار شده است.^۱ اسلام با نگاه عاطفی به شخصیت زن، جامعه را مسخر عواطف او کرده و در پرتو این عواطف، جامعه‌ای عاطفی بنا می‌کند؛ تا جایی که ایثار و فداکاری از ویژگی‌های بارز چنین جامعه‌ای شمرده می‌شود.

فروپاشی خانواده، پیامد نگاه غریزی غرب به زن

نگاه غرب به زن، در نقطه مقابل نگاه اسلام به زن است. غرب با نگاه غریزی به شخصیت زن، جامعه را مسخر غریز او می‌کند. جامعه غریزی، جامعه‌ای است منهای عاطفه و صمیمیت. انسان هرچه از عقل دورتر شده و به غریزه نزدیک‌تر شود، به همان اندازه از انسانیت فاصله می‌گیرد و قدم در دره‌های هولناک حیوانیت می‌گذارد. در این هنگام

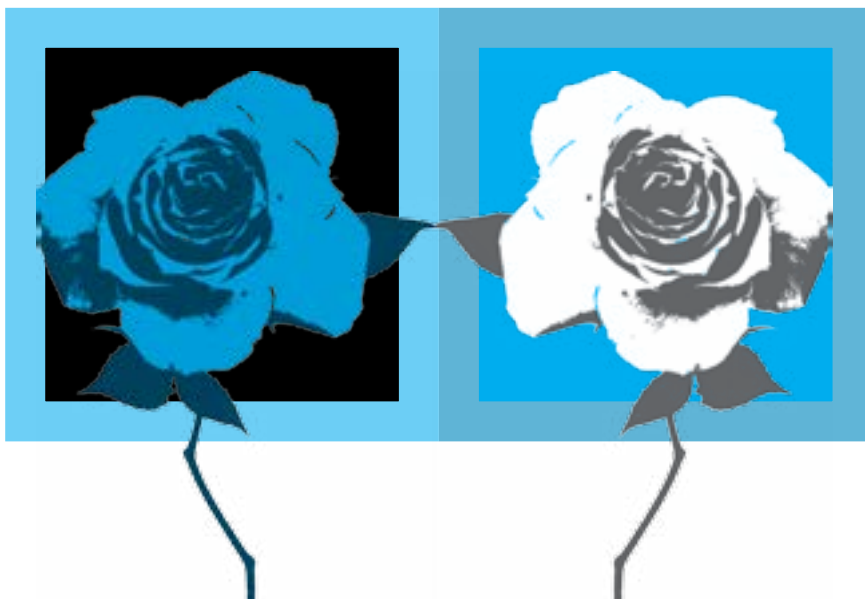
است که ایثار، به «حمایت» و فداکاری به «سفاقت» تفسیر می‌شود. هیچ جای تعجب نیست که در این جامعه، در سینه جانیان آدم‌کش مدال افتخار و صلح ببینیم و تهمت جرم و جنایت را متوجه مدافعان حریم انسانیت.

در جوامع غربی، خانواده، نخستین مکانی است که آسیب می‌بیند. حال آنکه خانواده، محلی است جهت پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و روانی انسان. در کانون خانواده بسیاری از فشارهای روانی از دوش انسان برداشته می‌شود و انسان به آرامش می‌رسد. ارتباط گرم خانوادگی، انسان را از تن دادن به بسیاری از پستی‌ها و کارهایی که خلاف شأن خانواده است، باز می‌دارد.

خانواده در غرب در حال فروپاشی و اضمحلال است و چیزی جز فساد اخلاقی، تنهایی، مشکلات عصبی و کمبودهای عاطفی، برای آنها به ارمغان نیاورده است. در تحقیقات مرکز آمار سوئد که در نشریه VB شماره ۴ سال ۱۹۸۷ این سازمان منتشر شد، آمده است: بیش از ۲۰٪ مردم این کشور بین



در جوامع غربی، خانواده، نخستین مکانی است که آسیب می‌بیند. حال آنکه خانواده، محلی است جهت پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و روانی انسان. در کانون خانواده بسیاری از فشارهای روانی از دوش انسان برداشته می‌شود و انسان به آرامش می‌رسد.





سنین ۱۶-۷۴ تنها زندگی می کنند که ۳۶٪ از خانه‌ها و آپارتمان‌ها را اشغال کرده‌اند. قسمت اعظم آنها به اجبار منزوی گردیده‌اند که بر تعداد آنها پیوسته افزوده می‌شود. انزوا در خانواده‌ها، بر اثر پیشرفت‌های تکنولوژی، رو به افزایش است. افزایش شدید طلاق و جدایی که در آن حدود ۸۵٪ از زنان عهده‌دار نگهداری فرزند یا فرزندان می‌شوند (گاه از دو یا سه مرد، فرزند دارند) و بعدها نیز پیدا کردن مرد دیگری برای زندگی که طول مدت آن نیز نامعلوم است، با رقابت‌های شدیدی که بین زنان در جذب مردان وجود دارد، بسیار مشکل خواهد بود و ناراحتی‌ها و بیماری‌های روحی و عصبی به همراه می‌آورد. نتیجه چنین امری، افزایش روزافزون اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی و داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور در زنان سوئد و کشورهای غربی است. در این نوع زندگی، بیشتر زنان زودتر از سنین واقعی خود، شکسته و فرتوت می‌شوند؛ به خصوص با بالا رفتن سن در جوی که آزادی‌های بدون مرز جنسی، زنان را سهل الوصول تر و به صورت کالای یک‌بارمصرف در دسترس مردان قرار می‌دهد.

در مقابل، نگاه اسلام به شخصیت زن ثمره‌های کاملاً عکس دارد. با گذری کوتاه به روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که نوع نگرش اسلام به شخصیت زن، نگرشی عاطفی و تکریمی است که با شخصیت و ویژگی‌های روحی زن تطابق دارد.

برای نمونه، چند روایت در این زمینه ذکر می‌کنیم. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤَنِسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ»^۱ بهترین فرزندان دختران هستند که خوش‌بمن، مونس و همدم و باعث لطافت زندگی هستند.

یا در روایت دیگر آمده است اگر چیزی از بیرون خریداری کردید و به خانه آوردید، اول، هدیه دختران را بدهید و بعد از آن، به پسران خود هدیه دهید؛ چراکه خشونود کردن دختران و دلجویی از آنها ثواب بیشتری دارد.^۲

نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به امام مجتبی (علیه‌السلام) به شیوایی نگاه اسلام به چگونگی برخورد با زنان را بیان می‌دارد: «وَ اكْفُفْ عَنْهُمْ مِنْ اَبْصَارِهِمْ بِحِجَابِكَ اَيَاهُمْ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِمْ... وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَرْحَى

لِبَالِهَا وَأَذْوَمَ لِحِمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ زِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۳ با پوششی که بر آنان قرار دارد؛ زیرا سختی حجاب آنان را پاک‌تر نگاه می‌دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را بر آنان درآوردی، و اگر بتوانی چنان کن که غیر تورانشناسند. اموری که در خور توان زنان نیست به دستشان مسپار؛ زیرا زن گلی است ظریف، نه خادم و کارپرداز. احترامش را در حد خودش مراعات کن، و او را به طمع میانجی‌گری در حق غیر مینداز. آنجا که جای غیرت نیست از غیرت بپرهیز؛ زیرا این روش، سالم را به بیماری، و پاکدامن را به الودگی دچار می‌کند.^۴

در این عبارات، مطالب عمیق فکری درباره جایگاه زن و شیوه تعامل با او بیان شده که توضیح آن از مجال این نوشتار فراتر است. اما نگاه عاطفی اسلام در بیان حضرت - خصوصاً درباره حجاب زن - قابل توجه و بررسی است؛ چراکه حجاب از ابعاد گوناگون دارای اثر است، اما به بیان عاطفی آن کمتر توجه شده است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با تأکید بر حجاب به این نکته دقیق اشاره می‌فرمایند که نبود حجاب مصونیت زن را در برخورد با افراد غیر مطمئن از بین می‌برد و همین، منشأ بسیاری از مشکلات روحی و عاطفی در زندگی خواهد بود.

زن در نگاه اسلامی، گل ظریف است؛ اما امروزه با نام تساوی حقوق زن و مرد، این گل ظریف در تمامی امور ورود داشته است که صدمه آن ابتدا دامان خود زن و سپس جامعه را فرامی‌گیرد.

با اندک تأملی در ماهیت فکری اندیشه اسلامی و مقایسه آن با مدل غربی، به خوبی درمی‌یابیم که خاستگاه عاطفه در غرب، در غرایز جنسی است و در مقابل، اسلام، مهم‌ترین عرصه عاطفه زن را نهاد خانواده می‌داند تا جامعه با محوریت عواطف زن، به آرامش حقیقی دست پیدا کند.

پی‌نوشت

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۴.
۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۲.
۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۷.
۴. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۰؛ نهج البلاغه (صحیحی صالح)، ص ۴۰۵.
۵. نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، ص ۶۴۴.

منبر | معارف



مسجد زن

مهدی اکبری

با نگاه به مجموعه تعالیم حیات‌بخش شریعت اسلام، درمی‌یابیم که زن از سرشتی انسانی، همچون مرد آفریده شده و همان‌گونه که در آفرینش با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قله‌های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش‌های والای الهی و انسانی نیز دارای استعداد‌های سرشاری می‌باشد که حق تعالی در او به ودیعت نهاده است. بانوان که نیمی از پیکر جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، همانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه در خور توجهی دارند و نمی‌توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید.

جمله یا حدیث «مسجد المرأة بیتها»، موضوعی است که در باب قاعده حضور زنان در مسجد بیان و گاهی ملاک میزان حضور زن در اجتماع تلقی می‌شود. آیا اساساً ضرورت دارد زن مسلمان برای انجام اعمال عبادی خود، از منزل خارج شود و در مسجد حضور پیدا کند؟ در بین مسجد و منزل، کدام یک برای عبادت زن ترجیح داشته و دلیل این رجحان چیست؟ اجمالاً جمله معروف «مسجد المرأة بیتها» به لحاظ سندی به چه کیفیت بوده و چگونه مورد تأیید و قابل تبیین خواهد بود؟ در مقاله حاضر، به پاسخ این سؤالات می‌پردازیم.

ابتدازاویه نگاه و رفتار معصومین (علیهم‌السلام) رادر این زمینه بررسی می‌کنیم. در زمان حضرت رسول به مواردی برمی‌خوریم که نه تنها نشان‌دهنده جواز حضور زنان در مسجد است، بلکه بیان‌گر اهمیت حضور آنان و اهتمام و رغبت حضرت به این امر است. برخی از این موارد به شرح ذیل است:

■ برپایی اولین نماز جماعت در مسجدالحرام با حضور حضرت خدیجه (علیها‌السلام) که به پیامبر اقتدا می‌کردند.

■ بیعت زنان با پیامبر در مسجد.

■ حضرت نماز صبح را زودتر می‌خواندند تا زنان هنگام تاریکی هوا به خانه‌های خود برسند.

■ حضور زنان در مسجد ذوقبالتین، خصوصاً در حادثه تغییر قیله.

■ وجود باب النساء در مسجد پیامبر که نشان‌دهنده کثرت حضور زنان در مسجدالنبی

است؛ به طوری که باب مخصوص داشتند. در زمان ائمه معصوم (علیهم‌السلام) نیز میزان حضور زنان در مساجد، به همین شکل بوده که مصادیق زیر حاکی از این امر است:

■ حضور حضرت زهرا (علیها‌السلام) در مسجد برای احقاق حق.

■ بعد از رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ناامنی مدینه، حضرت زهرا (علیها‌السلام) با فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) به مسجد می‌رفت.

■ سخنرانی حضرت زهرا و زینب کبری (علیهم‌السلام) در مسجد از مسلمات تاریخ است.

■ عمر هنگام ازدواج با زنان خود شرط می‌کرد که مسجد نروند.

اهمیت حضور زنان در مسجد

حضور زنان در مسجد دارای اهمیت است؛ به طوری که سفارش‌هایی در این مورد رسیده است:

■ پیامبر مردان را از منع کردن زنان برای رفتن به مسجد نهی می‌فرمود. این حرکت حضرت می‌رساند که منع حظ و بهره زنان از مسجد دلیل محکم می‌خواهد.

■ به مردان دستور می‌دهد که اگر حضور زنان در مسجد در روز مشکل است، شب اجازه دهید و گاهی به اجازه دادن امر می‌فرمود.

■ به زنان امر نشده که برای مسجد رفتن اجازه بگیرند؛ ولی به مردان دستور داده شده است که آنان را منع نکنند.

■ حرمت حضور زنان در وقت عادت، دلیل بر لزوم (حداقل جواز) حضور در هنگام پاکی است؛ والا زن اگر نباید در مسجد حضور پیدا کند، ایام عادت خصوصیتی ندارد.

■ برای اثبات کراهت حضور زنان در مسجد، به فصل مفصلی در ابواب روایات و مستندات شرعی نیاز است؛ نه با یک یا چند روایت. خروج زن «برای مسجد» بدون اذن شوهر باعث نشوز بودن او نمی‌شود؛ در صورتی که خروج زن از خانه با منع شوهر باعث نشوز است.

جمع بین احادیث منع و سایر احادیث

اولاً با وجود روایات و آیات زیادی که در مورد اهمیت، تاریخچه و آداب و شرایط حضور وجود دارد، جواز حضور زنان در مسجد ثابت می‌شود؛ چراکه تک‌تک این آیات و روایات چنانچه بر وجوب یا استحباب حضور آنان دلالت نداشته باشند، حداقل بر جواز حضور دلالت دارد و نمی‌توان با چند روایت که همه یک مضمون دارند، این همه آیه و روایت را



رد کرد.

ثانیاً بعضی از فقهای معاصر می‌فرمایند: برای زنان در صورتی که به خوبی خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.^۱

فتاوی فقها

امام خمینی فرموده است: اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.^۲

آیت‌الله مکارم: برای زن‌ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند؛ ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند.^۳

نظر سایر مراجع: برای زن نماز خواندن در خانه، بلکه در اتاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کند بهتر است در مسجد نماز بخواند.^۴

■ اذن شوهر برای رفتن به مسجد شرط نیست.

■ اگر چه نماز زن در خانه مستحب است، لکن اولی حضور در مسجد است.

■ حضور زن در مسجد کراهت ندارد؛ بلکه در بعض موارد مطلوب است.

■ س: رفتن دختران به مسجد حدی دارد یا خیر؟

ج: حدی ندارد؛ به رضایت ولی خود عمل کنند.



جمله یا حدیث «مسجد المرأه بیتها»، موضوعی است که در باب قاعده حضور زنان در مسجد بیان و گاهی ملاک میزان حضور زن در اجتماع تلقی می‌شود. آیا اساساً ضرورت دارد زن مسلمان برای انجام اعمال عبادی خود، از منزل خارج شود و در مسجد حضور پیدا کند؟



نتیجه

اسلام با حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی هیچ‌گونه مخالفتی نداشته و آنها را منعی نکرده است؛ ولی وظیفه اصلی زن را مادری و در کنار آن تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ و وارسته می‌داند. البته ناگفته نماند که به آنان اجازه حضور در اجتماع را به شرط حفظ عفت و پاکدامنی و داشتن پوششی محفوظ از تیر زهرآگین نگاه‌های آلوده، صادر کرده و رشد و ترقی زن مسلمان را خواستار است.

پی‌نوشت

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.
۲. امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.
۳. آیت‌الله مکارم شیرازی (دام‌الظله)، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.
۴. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۸۹۴.



«مسئولیت شرعی و وظیفه دینی من حکم می کند که چنین موضعی را در پیش بگیرم. باید کاری بکنم. آیا ما آفریده شده ایم که فقط بخوریم و بیاشامیم؟ اکنون زمان سکوت سپری شده و باید مرحله جدیدی از جهاد را شروع کنیم. رژیم با سکوت سرنگون نمی شود. ما زیاد سکوت کرده ایم و هر چه بیشتر سکوت کنیم، محنت و رنج ما بیشتر خواهد شد. چرا من سکوت کنم در حالی که می بینم مرجع مظلومی در چنگ این جنایت کاران گرفتار شده است؟ مگر آنها را ندیدی که چون درندگان وحشی بر سرش ریخته بودند؟ چرا صبر کنم؟ امروز روز جهاد و از خود گذشتگی ما است.»

شیخ محمدرضا النعمانی از همراهان شهید محمدباقر صدر و نویسنده کتاب سال های رنج در خاطرات خود از بی باکی آمنة سخن می گوید.

آمنة صدر، خواهری که تصمیم گرفت پس از دستگیری ناجوانمرदानه برادرش توسط رژیم بعث به حرم حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) برود و فریاد تظلم خواهی خود را به گوش مسلمانان برساند. شجاع زنی که خدا را گواه می گرفت که آرزوی جز شهادت در راه او نداشته است. او از همان روزهای اول که گروه های مختلف به دیدن برادرش، محمدباقر صدر می آمدند، تصمیم به شهادت گرفته بود و باور داشت تا زمانی که موضع و اقدامش برای کسب رضای خدا و به خاطر او است، دیگر فرقی نمی کند که زنده باشد یا کشته شود. سیده آمنة... یگانه دختر سید حیدر صدر، دختری عارف، عبادتگر و تلاشگری خستگی ناپذیر در میدان علم و جهاد بود که در طول سال های عمر خویش صدها دختر مسلمان را تربیت نمود و ده ها جلد کتاب ارزشمند از خود به یادگار گذاشت.

در سال ۱۳۵۶ هجری قمری در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. در بستر علم و فقاہت رشد کرد و تربیت شد. مقدمات اجتهاد، فقه و اصول را نزد برادرش سید محمدباقر صدر آموخت و با تلاش و کوشش فراوان، در جایگاه یکی از مفاخر زن مسلمان و نویسندگان عصر حاضر قرار گرفت.

او پس از خاتمه تحصیلات، با راهنمایی برادرانش به فعالیت های سیاسی و اجتماعی پرداخت و برای هدایت زنان عراق، تلاش های جدیدی را آغاز کرد. وی نخستین پرچمدار حرکت اسلامی بانوان در عراق شد و اولین مقاله هایش را در مجله «الاضواء» منتشر کرد که جمعی از علمای نجف اشرف آن را اداره می کردند.

بانو صدر پس از آشنایی با مبانی دینی و نگرش های صحیح مذهبی، وارد مرحله دیگری از آموزش گردید و به آموختن جامعه شناسی و بررسی بیماری های اخلاقی - اجتماعی، به ویژه مسائل مربوط به زنان جامعه مسلمان عراق پرداخت. همچنین کتب و مقالات ارزشمندی چون الفراغ (نزاع و مناظره)، مذکرات الحج (خاطرات حج)، الفضیله تنتصر (فضیلت پیروز است)، الخاله الضائعه (خاله گم شده)، الباحثه عن الحقیقه (کسی که در پی حقیقت است)، لقاء فی المستشفى (دیدار در بیمارستان)، امرءتان و رجل (دو زن و یک مرد)، لیتنی کنت اعلم (کاش می دانستم)، بطوله المرءة المسلمه (شخصیت زن مسلمان)، زن در حضور پیامبر، نساء العقیده، کلمه، دعوه و النکران الجمیل را نوشت و آنها را با نام «بنت الهدی صدر» منتشر کرد.

بنت الهدی مبلغی متدین، ره یافته، متعهد و دین باور بود. زنی دلیر بود که در جامعه به امر دین پروری پرداخت و در مسائل سیاسی زمان خویش، نقش بزرگی ایفا کرد. او با بنانهادن مدارس دخترانه «الزهراء» در بغداد و کاظمین و تأسیس چهار مدرسه دینی دخترانه برای فراگرفتن معارف اهل بیت (علیهم السلام) در «نجف»، «کاظمین» و «کوت»، به ارتقا آگاهی زنان عراقی کمک شایانی کرد. حجاب را رواج داد و باعث شد دید جامعه به زنان و به ویژه نگاه اسلام به زن، تغییر کند.

از دیگر فعالیت های سازنده سیده صدر، ایجاد محافل فرهنگی اسلامی برای زنان دانشگاهی بود. وی در فرصت های گوناگون، با بانوان متدینی که از راه های دور و نزدیک به دیدارش می شتافتند تا پاسخ پرسش های دینی و سیاسی خود را بیابند، صمیمانه دیدار می کرد و درس ها و سرودهایی برای دوشیزگان و زنان مسلمان در مراحل مختلف فرهنگی و عقیدتی تهیه می کرد. وی هر سال در موسم حج یک کاروان حدود دویست نفره از بانوان و دوشیزگان را به مکه و مدینه می برد و با راهنمایی های همه جانبه خود، اعمال و فلسفه و اسرار حج را به آنان می آموخت.

زندگی حماسه ساز و موج آفرین بنت الهدی برای رژیم بعث مشکل ایجاد می کرد و باعث شد رژیم به بهانه های گوناگون، در مقابل فعالیت های این بانوی پیکار و جهاد، کارشکنی کرده و او را خانه نشین سازد؛ تا آنجا که به بهانه ملی کردن مدارس، سعی کردند در آرمان های او خلل ایجاد کنند.

سخنرانی های تاریخی سیده بنت الهدی صدر پس از دستگیری برادرش در سال ۱۳۹۹ هجری قمری

موجب بیداری و اعتراض مردم عراق گردید. وی در مسیر حرکت به سوی حرم امیر مؤمنان (علیه السلام) فریاد می زد: مردم نجف کجا هستید؟ بیدار شوید و قیام کنید! ای باران علی بپاخیزید... ای فرزندان علی... ای فرزندان اسلام... مرجع شما را بردند... «صدر» را بردند!

سخنرانی های بیدار کننده و فعالیت های سیاسی این بانو سبب شد مأموران سفاک حکومت بعثی سید محمدباقر را آزاد کنند.

پس از بازگشت برادر، آزار و اذیت رژیم بیشتر شد. حصر خانگی، کنترل رفت و آمدها و قرار دادن آنها در مضیقه، کوچک ترین مصائبی بود که بعثی ها بر خانواده صدر وارد کردند. حدود یک سال بعد در ۱۴۰۰ هجری قمری، پس از دستگیری مجدد آیت الله صدر، سر بازان رژیم بعث به خانه بنت الهدی یورش بردند و او را از نجف به بغداد منتقل کرده و زیر شکنجه های طاقت فرسا قرار دادند.

شامگاه روز چهارشنبه، سوم جمادی الاول ۱۴۰۰ هجری قمری، حدود ساعت نه یا ده شب، رژیم بعث، برق شهر نجف را به طور کامل قطع کرد. یک ساعت پس از نیمه شب، مأموران امنیتی از دیوار منزل حجت الاسلام سید محمدصادق صدر - پسر عموی بنت الهدی و محمدباقر صدر - بالا رفتند و وارد خانه وی شدند. او را به ساختمان استانداری نجف برده و جنازه سید صدر و خواهر علوی اش، بنت الهدی را به وی تحویل و هشدار دادند که نباید خبر شهادت بنت الهدی را نقل کند.

به گفته سید محمدصادق صدر، آثار شکنجه بسیار در اجساد آن دو دیده می شد. لکه های سیاه و متورم فراوان روی بدن شهید بنت الهدی وجود داشت. میج دست و پاهای هر دو خون آلود بود و موهای سر بنت الهدی نیز سوخته می نمود. پیکر مطهر آن دو در قبرستان وادی السلام نجف اشرف دفن گردید.

پس از به شهادت رساندن بنت الهدی، صدام در دفاع از عمل و حشبانه خود گفت: «من قضیه حسین را تکرار نمی کنم. زینب بعد از برادرش، زنده ماند و یزید و آل امیه را رسوا کرد». هنوز هم کوچه های نجف طنین صدای بنت الهدی صدر را می شنوند و حرم مطهر امیر المؤمنین (علیه السلام) خاطره خطبه های زینب وار سیده صدر را که آتش خشم مردم نجف را شعله ور ساخت، در خود به یادگار حفظ کرده است: «ای جد من، ای ابوالحسن، شکایت خود را از مصیبت های این کفار نزد تو آورده ام. از آنها بی که به حرمت ما تعرض کرده و به امام امت تعدی کرده اند، به تو شکایت می کنم...».



سخنرانی های تاریخی سیده بنت الهدی صدر پس از دستگیری برادرش در سال ۱۳۹۹ هجری قمری، موجب بیداری و اعتراض مردم عراق گردید. وی در مسیر حرکت به سوی حرم امیر مؤمنان (علیه السلام) فریاد می زد: مردم نجف کجا هستید؟ بیدار شوید و قیام کنید!





حجرت حوزه

سید محسن باقی زاده

آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای (۱۳۱۰-۱۳۷۲ ق) از سادات اصیل کوه کمره (شمال آذربایجان شرقی) و از شاگردان آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه، سید ابوتراب خوانساری و سید شریعت اصفهانی بود که در نجف، مجلس درس باشکوهی داشت. ایشان بعدها به دلیل کسالت به ایران مراجعت کرد و آیت‌الله حائری یزدی از وی تجلیل کردند.

او فقیهی باتقوا و مجتهدی عامل بود که بسیاری از بزرگان حوزه، به سجایای اخلاقی اش اذعان و اعتراف داشته‌اند. از خدمات ارزنده ایشان می‌توان به احیای تفسیر بزرگ التبیان شیخ طوسی و همچنین بنای مدرسه حجتیه در قم اشاره کرد. در این مقاله کوتاه به برخی از سجایای اخلاقی آن مرد بزرگ اشاره می‌کنیم.

اعتماد مؤسس

آیت‌الله حجت بسیار مورد اعتماد آیت‌الله حائری یزدی بود؛ به گونه‌ای که ایشان را به عنوان وصی و مسئول رسیدگی به کارهای طلاب برگزید. به اذعان بسیاری از بزرگان، پس از وفات آیت‌الله مؤسس، موقعیت عالی و والای آیت‌الله حجت، مسلم و مورد اتفاق فضلالی حوزه بود و همه می‌دانستند که آیت‌الله حائری چه اعتمادی به آیت‌الله حجت داشته است و این، از قرائتی چون واگذاری مجلس درس و تخصیص محل نماز خود به ایشان و همچنین تسلیم دفتر شهریه طلاب به وی کاملاً روشن بود؛ اما با تمام این تفاسیر، آیت‌الله حجت هیچ‌گاه تلاش نکرد از این موقعیت برای خود بهره ببرد. در مورد اعتماد آیت‌الله مؤسس به آیت‌الله حجت، گفته شده که ایشان در زمان حیاتش، احتیاطات خود را به آیت‌الله حجت ارجاع می‌فرمودند.^۱

پاسداری از حوزه نوپا

با وفات مؤسس حوزه علمیه قم و ایجاد فضای رعب و وحشت رضاخانی در کشور، فعالیت‌های حوزه نیز به تدریج به سردی گراییده بود و این بیم وجود داشت که با فشار حکومت و تبعید حوزویان، اساس این حوزه نوپا از میان برود؛ اما شجاعت آیت‌الله حجت و صدر، موجب پاسداری از این کودک شد. نقل شده که آیت‌الله حجت فرموده بود که فرض می‌کنیم مرحوم حاج شیخ کسالت دارند و به مادستور داده‌اند که درس‌ها را شروع کنیم؛ لذا ما درس را شروع می‌کنیم. آیت‌الله حجت در آن زمان، متکفل نان طلاب شده و همچون حاج شیخ عبدالکریم، طلاب مجرد و معیل را مورد لطف خود قرار می‌داد.^۲

فراز ریزی است

با انتشار ضایعه در گذشت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، طلاب و فضلالی حوزه هم دست‌دسته به منزل بزرگان می‌رفتند تا با عرض تسلیت، سر سلامتی هم بدهند. با آنکه مرسوم بود طلاب به همراه بزرگ حوزه حرکت می‌کردند تا به مجلس ترحیم بروند، آیت‌الله حجت به تنهایی و در نهایت سادگی، در حالی که فقط خدمتکارش همراهش بود، در مجلس فاتحه حاضر و باعث تعجب بسیاری از ناظرین شده بود. نقل شده که تعداد کثیری از طلاب و موجهین حوزه در منزل ایشان جمع شده بودند تا ایشان را به مجلس فاتحه همراهی کنند؛ اما آیت‌الله حجت فرموده بود: شما بروید، من خودم می‌آیم. اگر نروید به خدا قسم نخواهم آمد.^۳

دقت در سهم امام

پرهیز از شهرت طلبی و ریاست را باید در دقت آیت‌الله حجت در مصرف مال امام زمان علیه السلام جستجو کرد. در سال ۱۳۲۵ ش که ایشان برای زیارت امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شده بود، بسیاری از علمای مشهد، طبق رسوم حوزوی به دیدار ایشان آمدند؛ از جمله آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی، آیت‌الله میرزا احمد کفایی و آیت‌الله میرزا علی اکبر نوقانی.

آیت‌الله ملکوتی در این باره نقل کرده که زمانی که طبق رسم حوزه، آیت‌الله حجت در صدد بازدید این بزرگواران برآمد، بسیاری از فضلالی برای همراهی با ایشان در منزل میزبان آیت‌الله حجت جمع شدند؛ اما آیت‌الله حجت فرموده بود: بنده فقط با آقا رضا (خدمت کار) به بازدید علما می‌روم. این جمله برای طلاب مشهد بسیار تعجب برانگیز بود.

بعدها آیت‌الله شیخ اسحاق آستارایی در اعتراض به این حرکت ایشان، گفته بود که چون در مشهد فرقه‌های مختلف سنی، وهابی، بهائی، کمونیست و ... هستند، همراهی با شما باعث آبروی شیعه می‌شد و این در نجف مرسوم است و نوعی تجلیل از اسلام و تشیع است.

ایشان در جواب فرمود: آقا شیخ اسحاق! حرف‌های شما صحیح

است؛ ولی هیچ کدام در مورد من صدق نمی‌کند. من همه اینها را می‌دانم. سالیان متمادی در نجف بوده‌ام و از اوضاع آنجا هم اطلاع دارم؛ اما بنده نمی‌توانم با پول امام زمان و بیت‌المال برای خود وجهه و موقعیت کسب کنم. فردا مراد را در میان یک وجب زمین خواهند گذاشت. اگر من وجوه شرعیه را در این موارد صرف کنم، در قبر و قیامت چگونه می‌توانم جوابگو باشم؟^۴

سخت‌گیری

احتیاط و سخت‌گیری ایشان در مصرف سهم امام بسیار معروف بوده است؛ به گونه‌ای که فرزندان ایشان نیز در این زمینه دچار سختی می‌شدند. یکی از بزرگان نقل کرده که زمانی یکی از هم‌شهری‌هایم مقداری پول بابت وجوهات برایم آورد و بعدها خدمت آیت‌الله حجت رسیده و گفته بود که فلان مقدار پول بدین جهت خدمت فلانی دادم. آقا در جواب فرموده بود: برای من قبول نیست.

وقتی من این موضوع را فهمیدم، بسیار ناراحت شدم. مدتی گذشت تا اینکه به منزل ایشان رفتم. در آنجا شنیدم که شخصی به آقا می‌گفت: زمانی که به عتبات مشرف شدم، وجوه شرعیه خودم را به آقا زده شدم، آقا محسن دادم. با کمال تعجب دیدم که آیت‌الله حجت بدون هیچ اغمازی فرمود: «برای من قبول نیست!».

این قضیه مرا متأثر کرد و فهمیدم که ایشان در مورد فرزند خویش هم همانند من رفتار می‌کنند و برای او فرقی میان فرزندش و دیگران نیست؛ بنابراین خدمت ایشان به ندامت حلالیت طلبیدم.^۵

لحظات آخر

آیت‌الله حجت تا آخرین لحظات عمرش به نکات ریز دینی و شرعی توجه خاصی داشت. نقل شده که در کسالت آخر که به رحلت ایشان منجر شد، همه اعضای خانواده و وکیل خود را احضار فرمود و دستور داد تا مهرشان شکسته شود. هر چه اطرافیان اظهار امیدواری کردند که عمر ایشان به دنیا باشد، ایشان از این مسئله کوتاه نیامد و فرمود: من از این کسالت خوب نخواهم شد و نمی‌خواهم پس از من از این مهر سوءاستفاده شود. زمانی که برای تفال، قرآنی را هم طلب کردند این آیه آمد: «لله دعوة الحق»^۶ و پیوسته این آیه را با وجد تکرار می‌کرد.^۷

پی‌نوشت

۱. محمد رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۸۹؛ محمد علی مدرس، ریحانه الادب، ج ۲، ص ۲۴.
۲. محمد رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۸۹.
۳. همان، ص ۹۰؛ «مصاحبه با آیت‌الله مشکوه»، مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸.
۴. محمد رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۱۳۳ و ۱۳۵.
۵. خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی، اعتماد ملی، دی ۱۳۸۵، ص ۹۷۹۶؛ محمد الوان‌ساز خوبی، «آیت‌الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ای (رحمه الله) فقیه مخلص»، میلغان، ش ۱۴۳، مرداد شهریور ۱۳۹۰، ص ۳۰۸-۳۱۰.
۶. فرازهایی از زندگانی حضرت آیت‌الله حاج سید ابوالحسن مولانا، ص ۳۵-۳۶.
۷. رعد، ۱۴.
۸. محمد رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۱۲۴.

♦
او فقیهی باتقوا و مجتهدی عامل بود که بسیاری از بزرگان حوزه، به سجایای اخلاقی اش اذعان و اعتراف داشته‌اند. از خدمات ارزنده ایشان می‌توان به احیای تفسیر بزرگ التبیان شیخ طوسی و همچنین بنای مدرسه حجتیه در قم اشاره کرد.

♦





یادگار آفتاب

مختصری از زندگینامه حاج احمد خمینی (ره)

سید محمد مهدی هاشمی



به اقرار همه، اگر حاج احمد آقا نبودند، امام در هشتاد سالگی و با وجود بیماری قلبی امکان نداشت بتواند مسائل مملکتی را اداره کنند. همچنین علاوه بر حضور در عرصه‌های مهم و سرنوشت ساز انقلاب و کمک به پیشرفت انقلاب در دوران حوادث، بیت امام را نیز اداره می‌کرد

♦ تولد و دوران کودکی و نوجوانی

حاج احمد آقا در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۲۴ در دامان بانویی متقی، حاجیه خانم ثقفی به دنیا آمد. همسر حضرت امام از کودکی ایشان چنین یاد می‌کند: او پسر خیلی آرام و حرف گوش کنی بود. حاج احمد آقا دوران دبستان و دبیرستان را در قم سپری کرد. در خلال تحصیل به ورزش - به ویژه فوتبال - علاقه مند شد و همزمان با تحصیل، عضو تیم فوتبال قم شد و مدتی نیز کاپیتان این تیم بود.

♦ تحصیلات حوزوی

پس از اخذ دیپلم از دبیرستان حکیم نظامی قم، با اشاره و توصیه پدر، تحصیلات حوزوی را شروع کرد. ایشان از همان آغاز تحصیل در حوزه علمیه همانند یک طلبه عادی، با سادگی و بی‌اعتنا به شأن آقا زادگی مشغول فراگیری دروس حوزوی شد. آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی از این دوره چنین نقل می‌کند: بعد از تبعید امام به نجف، آقای حاج سید احمد آقا، درس می‌خواند؛ یعنی واقعا یک طلبه در سخوان بود و حتی مکرر می‌دیدم ایشان مثل یک طلبه عادی در مدرسه فیضیه روی زمین نشسته است و با هم‌بحثش مباحثه می‌کند. این برای ما از یک طرف شگفت‌انگیز بود و از طرفی چون فرزند امام بود، می‌دانستیم توقع از او همین است و این جور نبود که با دیگران تفاوت داشته باشد. همانند یک طلبه محصل جدی درس می‌خواند با اینکه دور از پدرش بود.

سطح را نزد آقایان ابطحی، صادقی، فاضل لنکرانی و آقای سلطانی استفاده کرد. درس خارج را خدمت امام خمینی و شهید مصطفی خمینی و آقای زنجانی استفاده کردند؛ علاوه بر آن در مباحث فلسفی و عرفانی تسلط فراوانی داشتند.

در مقام علمی ایشان همین بس که مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در این باره گفتند:

در مسائل علمی ایشان عالی بودند؛ مخصوصاً با آن استعداد قوی که در او وجود داشت. ضمن آنکه آن مرحوم دروس سطح عالی و کفایه را هم در نجف و هم در تهران تدریس می‌کردند.

♦ دوران قبل از انقلاب و مبارزات

ایشان علاوه بر اینکه مشغول تحصیل حوزوی بودند، علیه نظام شاهنشاهی فعالیت‌هایی داشتند. پس از تبعید پدر به ترکیه و بعد نجف، بدون گذرنامه به دیدار پدر شتافت. ساواک از سفر احتمالی او خبردار شده بود. اما با وجود این، با شجاعت از راه غیر قانونی از طریق آبادان به نجف رفت.

حاج احمد آقا پس از بازگشت از عراق به تحصیل علوم دینی و دیدار از خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان و انتقال پیام و سفارش‌های امام به مبارزان و نمایندگان شرعی امام در ایران و تنظیم امور بیت امام در قم می‌پردازد. او باعث شد بیت امام با نبود ایشان، از رونق نیفتد و نظام فاسد شاهی به خواست خود نرسد.

در سال ۱۳۴۵ این بار هم مخفیانه از طریق خرمشهر خود را به نجف رساند و به دست حضرت امام ملبس به لباس روحانیت شد. ایشان در بازگشت از این سفر، در قصر شیرین دستگیر و به زندان قزل قلعه تهران منتقل شد. برای او حکم بازداشت به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی صادر گردید که با تأکید و توصیه آیت‌الله العظمی حکیم، ایشان را بعد از چند ماه آزاد کردند.

در سال ۱۳۴۸ با دختر آیت‌الله سلطانی طباطبایی (رحمه‌الله) که استاد بسیاری از مراجع فعلی بودند، ازدواج می‌کنند. خانم طباطبایی همسر مرحوم احمد آقا می‌گوید: نخستین روزی که احمد به خواستگاری من آمد، پدرم درباره شخصیت او به من گفتند: تو قرار است با آدمی ازدواج کنی که ممکن است زندگی آرامی نداشته باشد. او فرزند امام است که طبیعتاً به پیروی از پدر گرمی‌شان مبارزه خواهد کرد.

بعد از شهادت سید مصطفی در سال ۱۳۵۶، ایشان مسئولیت بیت و دفتر امام را در نجف اشرف عهده‌دار شدند.

در پی اخراج امام از عراق و رفتن ایشان به پاریس، حاج احمد آقا همراه امام بود و در وصیت‌نامه امام تصریح کردند که مشاور آن سفر، احمد بوده است. حاج احمد آقا به همراه امام در مهرماه سال ۵۷ بغداد را به قصد پاریس ترک کرد. ایشان در خاطرات خود می‌گویند: بعد



از اینکه دولت کویت امام را راه ندادند، در حالی که امام بسیار خسته بودند و من برای ایشان شدیداً متأثر بودم. در حالی که توی اتاق کثیفی در مرز کویت و عراق گرد امام که دراز کشیده بودند، جمع شده بودیم، تقالی به قرآن زد: «اذهیب الی فرعون انه طغی...» بعد عازم بصره شدیم. در آنجا شب را به صبح رساندیم. نماز صبح را با امام خواندیم. از تصمیماتشان جویا شدم، گفتند: سوریه، گفتیم: اگر راه ندادند... یک یک کشورها را بررسی کردیم. به امام پیشنهاد فرانسه را دادیم؛ زیرا توقف کوتاه‌مدت در فرانسه می‌توانست مثمراً باشد و امام می‌توانست مطالبشان را به دنیا برسانند. امام پذیرفتند.

سید احمد در نوفل لوشاتو با برگزاری به موقع مصاحبه‌های مطبوعاتی و دقت و وسواس فراوان در ترجمه، مصاحبه‌ها و پیام‌ها و جلوگیری از تحریف آنها، عهده‌دار برقراری ارتباط گسترده و لازم بین امام و گروه‌های مختلف شد.

♦ پس از انقلاب و همراه با امام

حاج احمد آقا همان‌طور که قبل از انقلاب خود را وقف مبارزات کرده بود. بعد از انقلاب نیز در همه صحنه‌ها در کنار امام حضور داشت؛ چه هنگام ورود امام به ایران و نگرانی و اضطراب در فرودگاه، برای حفظ جان امام و چه در دوران بیماری و عارضه قلبی امام که همانند یک پرستار، شبانه‌روز برای سلامتی و بهبود حضرت امام تلاش می‌کرد. به اقرار همه، اگر حاج احمد آقا نبودند، امام در هشتاد سالگی و با وجود بیماری قلبی امکان نداشت بتواند مسائل مملکتی را اداره کنند. همچنین علاوه بر حضور در عرصه‌های مهم و سرنوشت ساز انقلاب و کمک به پیشرفت انقلاب در دوران حوادث، بیت امام را نیز اداره می‌کرد و ارتباط‌های گسترده مردم و مسئولان با امام را فراهم می‌نمود و فرمان‌های امام به مراکز ذی‌ربط را انتقال می‌داد. در این کار چنان دلسوز بود که حضرت امام در مورد ایشان فرمود: من خدای قاهر منتقم را شاهد می‌گیرم که احمد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرونی مشغول بوده، قدمی یا قلمی بر خلاف گفتار و نوشته من بر نداشته و بدون اذن من، حتی در یک کلمه تصرف نکرده است.

اخبار جنگ از طریق حاج احمد آقا به امام می‌رسید و علاوه بر آن، پیام‌های سری و علنی درباره امور نظامی و ارتباط با شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی، از مسئولیت‌های او بود و به اعتراف دوست و دشمن، یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان سیاسی جمهوری اسلامی و بلکه جهان اسلام بود؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری در مورد ایشان که در جلسات سران قوه شرکت می‌کرد، فرمودند: ما از نظرات راهگشای حاج احمد آقا در پیش‌بینی مسائل منطقه‌ای و جهانی استفاده می‌کردیم.

در جای دیگر رهبری فرزانة انقلاب می‌فرماید: امام راحل جناب عالی را با اعتماد کم‌نظیر از همگان ممتاز ساخته بود و در یک کلمه، خود را وقف ایران و اسلام کرده بود.

♦ دوران پس از رحلت امام

حاج احمد آقا پس از رحلت حضرت امام، با رأی و نظر خویش، راهگشای انتخاب رهبر انقلاب شدند. ایشان در بخشی از اظهار نظر‌ها می‌گویند: ما امروز موظف هستیم پشت سر مقام رهبری حرکت کنیم. هر چه ایشان گفت، گوش کنیم.

رهبر انقلاب درباره این برهه زندگی ایشان می‌فرماید: ایشان از رهبری خیلی دفاع می‌کردند و دفاع جانانه ایشان از اصل و اساس رهبری و هم از شخص حقیر تأثیر زیادی داشت.

او با تلاش شبانه‌روزی خود در جمع‌آوری سخنان و نامه‌ها و آثار امام و دقت بالا در این کار، مجموعه ارزشمند صحیفه امام را جمع‌آوری کردند. ایشان در مجمع تشخیص مصلحت و نماینده رهبری در شورای امنیت ملی بودند.

در صبحگاه روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ خبر بستری شدن او منتشر شد. عارضه قلبی و تنفسی سبب ایست قلبی و تنفس برای لحظاتی گردید و موجب سکته مغزی شد. با وجود پنج روز تلاش تیم پزشکی، در ۲۵ اسفندماه در گذشت و با خبر فوت او در بین مردم غوغایی پیا شد که بعد از رحلت امام دیده نشده بود و جمعیت کثیر عاشقان یادگار امام، در بهت و ناباوری در مراسم تشییع آن عزیز سفر کرده شرکت کردند.



نقش روحانیت در دفاع مقدس

هادی الیاسی

روحانیون در طول سال‌های حیات خود، همواره شریک دردها و غصه‌های مردم بوده و شانه‌به‌شانه اقشار و توده‌های مختلف جامعه در هجوم سختی‌ها ایستاده است. کارنامه درخشان روحانیون در سال‌های دور و نزدیک، به دوری حوزه‌های علمیه و روحانیون از عاقبت‌طلبی هنگام هجوم امواج مشکلات، به ویژه در تاریخ معاصر، شهادت می‌دهد.

تاریخ ایران سرشار از صفحاتی است که حماسه و حضور روحانیون به عنوان پرچمدار مبارزه با انواع تهاجمات و سختی‌ها، آن را رقم زده است. دوران هشت سال دفاع مقدس و مقاومت بی‌نظیر مردم ایران، برگی از این حماسه‌هاست که شاهد حضور همه‌جانبه روحانیون، از مراجع تقلید تا طلاب در همه عرصه‌های جهاد بود.

جهاد در کارزار هجوم دشمنان دین از ارزش‌های اولیه اسلام است؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شمارا بر گزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.»

در قرآن مجید راجع به اهمیت جهاد در راه دین اسلام، آیات متعددی وجود دارد که بر اهمیت جهاد و دفاع از حدود دین و مرزهای حکومت اسلامی تأکید می‌کند. از آنجا که جهاد در راه خدا چنین اهمیتی پیدامی‌کند، جهادگر نیز در منظر الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «حما خدا جان و اموال مؤمنین را می‌خرد که بهشت مال آنان باشد. مؤمنین در راه خدا کارزار می‌کنند و (دشمن را) می‌کشند و خودشان هم کشته می‌شوند. (وعده بهشت) و عده حقی است بر خدا که در تورات و انجیل و قرآن داده است. چه کسی بهتر از خدا به وعده خود وفا می‌کند؟ پس به وسیله این سودایی که کرده‌اید شاد باشید

رواق

مسجد / شماره ۱۸۲ / اسفندماه ۱۳۹۳

عصر کنونی را می توان دوره هجمه سنگین به جایگاه زنان در ادیان مختلف نامید؛ هجمه ای که تحت عناوین فریبنده ای چون بالا بردن منزلت زن یا ایجاد آزادی برای زنان شکل گرفته، اما در حقیقت چیزی جز استفاده ابزاری از زن تحت این ادعاها نیست.

آنچه در این میان فراموش شده، شناخت جایگاه و منزلت واقعی زنان در ادیان مختلف است که باید در موقعیت زمانی و مکانی و همچنین تمدن عصر خویش سنجیده شود. بررسی موقعیت های زنان در ادیان مختلف و نیز شناخت محرومیت های آنان با توجه به عصر زندگی و ظهور دین مورد نظر، می تواند به شناخت واقعی شأن زن در ادیان مختلف کمک کند تا از این طریق در مقابل بهره کشی فرهنگی امروز ایستاد. زنان قبل از اسلام در مظلومیت و محرومیت بودند؛ اما جایگاه فعلی آنان در تمدن امروزی و عصر تکنولوژی، به این مظلومیت دامن زده است.

بحث درباره زن، می تواند از دو جهت بررسی شود. نخست جایگاه و منزلت زن در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... و دیگر، حقوق و تکالیف شرعی که زیر شاخه های مختلفی از جمله احکام، حجاب و محرومیت ها را شامل می شود. در این شماره بر آن شدیم با بررسی جایگاه زن در ادیان مختلف و ترسیم رویکرد آنها به زن، اولانگاه متعالی اسلام به زن را تبیین کنیم؛ ثانیاً نشان دهیم که جنبش ها و اعتراضات کنونی به ادیان، از چه رویکردی نشئت گرفته است.



این بچه ها را می بینید که وقتی می روند و می آیند، چقدر منور می شوند. این با حضور شما تأمین خواهد شد»^۷.

بر این اساس، روحانیون در جبهه های نظامی و فرهنگی، نه تنها دوشادوش رزمندگان اسلام صبر و پایداری و استقامت را به تجسم در آورند، بلکه در افزایش ایمان و معرفت افزایی اعتقادی و معنوی رزمندگان اسلام نقش عمده ای را ایفا کردند. آگاهی بخشی نسبت به اهداف انقلاب و حفظ آرمان های امام راحل (ره) و انقلاب، به بصیرت افزایی نیاز داشته و دارد که بخش عمده ای از این مهم، بر عهده روحانیون بوده است.

بی تردید انقلاب اسلامی از ابتدای برافروخته شدن جرقه های قیام تا به ثمر نشستن آن و حفظ و پایداری، مرهون فداکاری های اقشار مختلف مردم مؤمن و انقلابی، به ویژه عالمان و روحانیون متعهدی بوده است که در مقام ولیاس های مختلف، چه روحانیت، چه فرمانده و سرباز، خدمت مخلصانه و برخاسته از اعتقاد و ایمانی راسخ را انجام دادند. عده ای در این خدمت مقدس و مخلصانه به فیض عظیم شهادت نائل آمدند، عده ای جانباز شدند و عده ای عمر شریف خویش را به پای انقلاب صرف نمودند و عده ای چشم انتظار شهادتند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قُضِيَ دَفَاعٍ مَقْدَسٌ ۵۰ نفر و خواهران طلبه ۱۵ نفر»^۶.

در جبهه های نظامی و دفاع فیزیکی، علاوه بر حضور فرماندهان نظامی، نیاز ویژه ای به فرماندهان معنوی برای مستحکم نگه داشتن خطوط اعتقادی و افزایش روحیه نظامی و حفظ انگیزه های ایمانی بود. از مهم ترین عوامل حفظ روحیه والای رزمندگان اسلام در جبهه ها، حضور روحانیون و سخنان ایشان بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

«بسا باشد که مردی آسمانی

به جانی سرفراز دلشکری را

یکی از شماها روحانیون، گاهی یک لشکر

را به جهاد و سلاح معنوی مجهز می کند...

جبهه های ما امتیازش بر همه جبهه های

عالم این است که محراب عبادت است و در

آن معنویت وجود دارد...»

رسیده اند؛ حال آنکه طبق آمار، در بقیه اقشار از هر هزار نفر، چهار نفر شهید شده است»^۵.

شهادت روحانی به تفکیک مسئولیت و تخصص تا پایان اسفند ۸۹، خود گویای این حضور همه جانبه در هشت سال جنگ تحمیلی است که عبارتند از: نماینده مجلس شورای اسلامی ۲۶ نفر، مسئولیت در قوه قضاییه ۲۰ نفر، ائمه جماعت ۲۲ نفر، ائمه جمعه ۴۳ نفر، شهدای روحانی سوانح هوایی ۲۳ نفر، شهدای روحانی غواص ۷۲ نفر، تبلیغی خاص ۱۰۴۷ نفر، آرپی جی زن، تک تیرانداز، عملیات ها و لشکرها ۲۳۰۹ نفر، مخابرات و بی سیم چی ۸۸ نفر، امدادگر ۵۳ نفر، فرماندهان و مسئولان دفاع مقدس ۵۰ نفر و خواهران طلبه ۱۵ نفر»^۶.

در جبهه های نظامی و دفاع فیزیکی، علاوه بر حضور فرماندهان نظامی، نیاز ویژه ای به فرماندهان معنوی برای مستحکم نگه داشتن خطوط اعتقادی و افزایش روحیه نظامی و حفظ انگیزه های ایمانی بود. از مهم ترین عوامل حفظ روحیه والای رزمندگان اسلام در جبهه ها، حضور روحانیون و سخنان ایشان بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

«بسا باشد که مردی آسمانی

به جانی سرفراز دلشکری را

یکی از شماها روحانیون، گاهی یک لشکر

را به جهاد و سلاح معنوی مجهز می کند...

جبهه های ما امتیازش بر همه جبهه های

عالم این است که محراب عبادت است و در

آن معنویت وجود دارد...»

و این نوع کارزار و معامله یک رستگاری بزرگی است»^۲.

جهاد در راه خدا همواره در دو جبهه نظامی و فرهنگی وجود داشته است. جبهه نظامی شامل دفاع از دین و ملت مسلمان در مقابل متجاوزان و سلطه گران است. جنگ هایی که از صدر اسلام تا امروز، دشمنان اسلام با هدف نابودی و ریشه کن کردن اسلام و پرچم توحید بر مسلمانان تحمیل کردند، در این دسته جای می گیرد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، دنیای استعمار به رهبری آمریکای جنایتکار، رژیم منحوس بعث را با یچه افکار شیطانی خود قرار داد و با تشویق و حمایت های خود، جنگ هشت ساله را بر مردم مسلمان ایران تحمیل کرد. از همان لحظات آغازین جنگ، روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) و دیگر مراجع و عالمان وقت، پرچم جهاد را برافراشته و مردم را به دفاع از اسلام و مسلمانان فرا خواندند. نقشی که روحانیت به فرمان امام راحل (ره) آن را عهده دار بود: «روحانیون در شهرها، باید روح شهامت، شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده است»^۳.

حوزه های علمیه و روحانیون در این جهاد، همانند سلف صالح خود که در تمام عرصه های جهاد در راه خدا، میدان دار بودند، پای به میدان شهادت نهادند. آمار شهادت روحانی در جبهه های حق علیه باطل گواه این سخن است.

تعداد شهدای روحانی، بالغ بر ۳۴۱۷ نفر بوده است که ۵/۱۵ درصد کل روحانیان کشور در همان زمان است.^۴ طبق این آمار از هر هزار نفر طلبه، چهل نفر به شهادت



تعداد شهدای روحانی، بالغ بر ۳۴۱۷ نفر بوده است که ۵/۱۵ درصد کل روحانیان کشور در همان زمان است. طبق این آمار از هر هزار نفر طلبه، چهل نفر به شهادت

رسیده اند؛ حال آنکه طبق آمار، در بقیه اقشار از هر هزار نفر، چهار نفر شهید شده است.



۱. حج: ۷۸.

۲. توبه: ۱۱۰.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۹۸.

۴. برگرفته از: <http://www.andisheom.com>

۵. مجله پگاه، ویژه حوزه، ش ۱۲، ص ۱۴.

۶. نقش روحانیون در دفاع مقدس: از تبلیغ دین در جبهه تا خلبانی بالگرد، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۶/۲۰.

۷. محمد منصورنژاد و علی شیخیان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (وحدت مردمی و حضور روحانیت)، ج ۵، ص ۲۷۹.

۸. احزاب: ۲۳.



تحمل فشار و تحقیر زیر سایه تمدن‌ها

علیرضا میر جلیلی

زنان در دوران پیشاتاریخی و در تمدن‌های بزرگ، غالباً تحت فشار بسیار بوده‌اند و به دلیل نگاه کالایی و جنسیتی که به آنها می‌شده، محرومیت‌های فراوانی بر آنان تحمیل می‌گشته است. در این مقاله به برخی از تمدن‌های گذشته و رویکرد آنان به منزلت زنان خواهیم پرداخت.

سومری‌ها

نخستین تمدن در بین‌النهرین، تمدن سومری (از ۲۵۰۰ تا ۱۷۵۰ ق.م) بود. در این عصر، منزلت زنان با معبد سنجیده می‌شد و غالب زنان جوان و دختران، خدمتکاران معبد یا بردگان جنسی نمایندگان خدایان در زمین بودند. در این دوره شاهد هستیم که خانواده‌ها از این فعالیت‌های دختران و زنانشان برای معبد، حتی احساس غرور و افتخار هم می‌کردند.^۱

این نوع رویکرد بر مبنای ازدواج مقدس «ینانا» با یکی از روحانیون یا پادشاهان به عنوان نماینده خدایان به نام «دمزی» بود. سران معابد با استفاده از این داستان، و انجام مراسم باروری در معابد به صورت سالیان دراز، زنان و دختران را ترغیب می‌کردند که خود را با افتخار به خدایان و در واقع به ارباب معبد پیشکش کنند.^۲

در خارج از محیط معبد نیز ارزش زن به واسطه زاییدن فرزند و تعداد آنها بر آورده می‌شد. بنابراین اگر زنی نازا بود یا عمداً بچه‌دار نمی‌شد، مجازات‌ها و طردهایی از سوی جامعه برایش در نظر گرفته می‌شد. به‌طور کلی جایگاه زنان رابطه‌ای معکوس با قدرت و ثروت زنان داشت و افزایش این موارد در مرد، باعث کاهش منزلت زنان می‌شد.

تمدن بابل

با غلبه سامیان بابل بر سومریان در حدود سال ۱۷۵۰ ق.م، تاریخ جدیدی برای زنان در بین‌النهرین رقم خورد. مهم‌ترین قانون آن دوره، قانون «حمورابی» بود که بیشترین توجه را به زنان داشت و روابط زن و مرد را در آن دوره منعکس می‌کرد. طبق این قانون زن جزء اموال به حساب می‌آمد و پدر می‌توانست دختر خود را به دیگران بفروشد. با اندک بهانه و توجیهی زنان را اطلاق داده یا حتی سلب حیات می‌کردند؛ مثلاً اگر زنی کدبانوی خوبی نبود، شوهر می‌توانست او را در آب بیندازد و بکشد.^۳

امازنده‌ترین و مشتمن‌کننده‌ترین رسم و عادت بابلیان، این بود که همه زنان حداقل یک بار در زندگی خویش باید به

معبد «آفرودیت» رفته و خود را به یکی از مردان بیگانه که برای زیارت به معبد آمده، پیشکش کند.^۴ این رسم در باور بابلیان به عنوان یک وظیفه دینی تلقی می‌شد و دختران جوان پیش از ازدواج حتماً باید این عمل را انجام می‌دادند. در این رسم، دختران هنگام ورود به آفرودیت، هفت زبور گران‌بها را در مقابل درهای هفت‌گانه پیشکش کرده و در انتها عریان شده و زینت‌های خدایی و وجودی خود را پیشکش می‌کردند.^۵ در اینجا هم باز ردپای معبد و ارباب معبد در سوم این چینی دیده می‌شود. برای توجیه چنین عملی گفته شده که شاید این رسوم از آنجا نشئت گرفته که می‌خواستند باروری زنان را بدین طریق از خدایان طلب کنند.^۶

تسوریان

ظهور آشوریان در بین‌النهرین در سال‌های ۹۰۰ تا ۶۰۰ ق.م، منزلت و جایگاه زنان را به شدت کاهش داد و قوانینی سخت‌تر از بابلیان برای زنان وضع شد. در این تمدن، زن فقط نقش مولد را داشت و به سبب نیاز به سر باز و جنگجو، زانی که پسر به دنیا می‌آوردند، پاداش می‌گرفتند و در مقابل با زاییدن دختر یا فرزند مرده، مجازات می‌شدند.^۷ مهم‌ترین قانون آن دوره، قانون آشور میانه است که به نوعی اصلاح قانون حمورابی به شمار می‌رفت و در آن تلاش بسیاری شده که زن را محدود کند. اجبار زدن روئند بر چهره بر زنان برای محترم‌بین و ممنوعیت آن برای فواحش و کنیزان و زنان غیر محترم دیگر از جمله این قوانین بود.^۸ روئند یکی از سخت‌ترین قوانین آشوریان بود که داشتن آن محدودیت‌های زیادی به همراه داشت. از سوی دیگر نداشتن روئند نیز محرومیت‌های زیادی در پی داشت.

شرق دور

تاریخ چینیان تا ۱۵۰۰ سال ق.م، نشان می‌دهد که شرق دور نیز به زن نگاه منفی داشته است. در نگاه ایشان مرد آفریده خدا و زن محل شیاطین و دیوان بود. فرزند ذکور نزد ایشان گرمی و دختران را برای خدایان قربانی می‌کردند. در نظ ایشان محبت و مهربانی به زنان غیر عادی بود.^۹

روم و یونان

در روم نیز زنان منزلتی آن چنانی نداشتند. آزادی و اراده‌ای برای زنان در نظر گرفته نمی‌شد و در تمام مراحل زندگی، زنان تابع مردان بود. حضور زنان حتی در محاکم به عنوان

شاهد هم پذیرفته نمی‌شد.^{۱۰} در یونان، خصوصاً آتن، زنان حق هیچ مالکیتی نداشتند؛ بنابراین ارثی برایشان در نظر گرفته نمی‌شد و افرادی که فرزند پسر نداشتند، تلاش می‌کردند برای نگهداری ثروت خود، کسی را به دامادی برگزینند که اموالشان از خاندان خویش خارج نشود.^{۱۱}

در شهر آتن که بر اساس دموکراسی اداره می‌شد، زنان حقوق اجتماعی اندکی داشتند: حق رأی نداشتند، سهمی در اداره جامعه نداشتند، حق تماشای بازی (المپیک) را نداشتند. فقط می‌توانستند در مراسم سوگواری شرکت کنند که آن هم بعدها به سبب تظاهر بیش از اندازه ثروتمندان، با ایجاد قوانینی سخت، محدود شد.^{۱۲}

البته برخی از نوشته‌های آن دوره، نگاهی ارجمندانه به زن به عنوان مادر شهروندان داشته است؛ با وجود این، باز هم نگاه‌های جنسیتی و مردانه بر زندگی زنان سنگینی می‌کرده است. مثلاً زنان حتی در خانه هم به شدت از نگاه حریص مردان حفاظت می‌شدند و نجابت زن را در خانه‌نشینی می‌دانستند.^{۱۳}

پی‌نوشت

۱. Stephenson, June, ۱۹۸۸, womens Roots, caliomia: smith publishing co. p. ۵۶.

۲. Ibid, p. ۲۴۰.

۳. walsh, Elizabeth Miller, ۱۹۸۱, women in western civilization, cambridge MA: schendman publishing co. p. ۲۴.

۴. هرودت، تاریخ هرودت، ترجمه هادی هدایتی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۵. محمد ابراهیم باستانی پاریزی، خاتون هفت قلعه، ص ۲۸۳.

۶. برتراند راسل، زناشویی و اخلاق، ابراهیم یوسفی، ص ۳۷.

۷. جوان موسی، تاریخ اجتماعی ایران باستان، ص ۸۸؛ نک: Stephenson, p. ۶۶.

۸. A. passman, christina, M. ۱۹۹۱, womens studies encyclopedia, New York: Greenwood press. p. ۴۵۷.

۹. علی اکبر علوی، زن در آینه تاریخ، ص ۳۱.

۱۰. فوستل دوکلانژ، تمدن قدیم، ترجمه نصرالله فلسفی، ص ۸۵.

۱۱. ویلیام دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۳، ص ۱۸۶.

۱۲. همان، ترجمه فتح‌الله مجتبابی، ج ۲، ص ۹۰.

۱۳. آلبراله و ایژاک ژوال، تاریخ ملل مشرق، ترجمه ابوالحسن هژبر، ج ۲، ص ۲۵۷.



زن در قفس آیینی سخت

رضارضایی



و دوست مرد است و زن و مرد در کنار هم برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش می‌کنند. در این دوره وضعیت تربیتی زن، خوب و مناسب است و همچون مردان، حق تحصیل و فراگیری وده را دارد و با وجود نگاه پدرسالارانه در جامعه، باز هم زن در خانواده به عنوان همسر و مادر دارای قداست است.^۱ در این دوره پسر یا دختر بودن فرزند، تفاوتی ندارد و فرزندان آزادانه می‌توانند فارغ از جنسیت خود، همسر خویش را برگزینند. در این دوره زن در محوریت وده‌ها است و نقش مهمی در انجام دادن آیین‌های مهم قربانی را بر عهده دارد.^۲

آیین هندوئیسم یکی از قدیمی‌ترین ادیان جهان است و در آن، زنان بر اساس طبیعتشان، با محدودیت‌هایی مواجه بوده و در نظام اجتماعی جایگاهی پست‌تر و رتبه‌ای بسیار پایین‌تر از مردان داشته‌اند. در نظام دینی هندوئیسم، زن مانعی در راه پیشرفت آیینی تلقی می‌شده و در یک نگاه کلی، به عنوان یک شیء و کالا با او برخورد می‌شده است. با این مینا، زن نه تنها شخصیت مستقلی ندارد، بلکه در همه موارد تابع و در ملکیت مرد خواهد بود. برای شناخت جایگاه و منزلت زن در آیین هندو، باید چند دوره را مورد بررسی قرار داد.

دوره وده‌ای

اولین دوره برای شناسایی جایگاه زنان در هند، دوره وده‌ای است. وده‌ها کهن‌ترین متن دینی در دنیا و متنی مقدس برای آریاییان بوده که چندین هزار سال بر عقاید هندوها تأثیر گذار بوده است. در نگاه غالب هندوها، وده‌ها به عنوان وحی ابدی تلقی شده که مجموعه عقاید و وظایف و تکالیف آن، برای تمام کاست‌ها (طبقات اجتماعی) در همه عمر لازم‌الاجرا است.

در دوره‌های نخست وده‌ای، زن جایگاهی هم‌ردیف با مرد دارد. در این دوره زن ملکه خانه



متون برهمایی، قدرت مردان را چنان بالا برد که عملاً زنان به حاشیه رانده شدند و تقریباً رسیدن به زندگی آرمانی وده‌ای را برای زنان ناممکن ساخت.





ظهور طبقه برهمن و متون برهمنی

با ظهور طبقه روحانی و پرنسپس شدن آداب، به تدریج حضور زنان در مراسم آیینی کم رنگ می شود. اضافه شدن تشریفات مذهبی خاص، فاصله میان زن و مرد را افزایش می دهد. در این دوره، جنس پسر ارزشمندتر از دختر تلقی شده و بدین ترتیب آداب و اواد مذهبی، در جهت جلوگیری از تولد دختر استفاده می شد. هر چند که تحصیل آداب وده-ای برای زنان در این دوره مجاز بود، تقریباً کمتر زنی را می توان یافت که توانسته باشد بدین مهم دست یابد.^۲

متون برهمنی، قدرت مردان را چنان بالا برد که عملاً زنان به حاشیه رانده شدند و تقریباً رسیدن به زندگی آرمانی وده‌ای را برای زنان ناممکن ساخت.^۴ در این دوره، در میان خانواده‌های هندو، پدرشاهی شکل می گیرد و پسر خانواده بر زنان، فرزندان و برده‌گان، مسلط است. هر چند زن را موجودی دوست‌داشتنی تلقی می کردند، مقامش بسیار پست بوده است؛ زیرا در کودکی تابع پدر، در جوانی تابع شوهر و در صورت مرگ شوهر، تابع پسرش یا در صورت نداشتن پسر، تابع اقوامش بود و هیچ‌گاه موجودیتی مستقل از مردان خانواده برای او در نظر گرفته نمی شد. زن در این دوره، مانعی بر سر راه پیشرفت و رشد عقلانی مرد تلقی و حتی با او به عنوان ملک و دارایی رفتار می شد.^۵

محققان، این دوره را یکی از ضعف‌های آیین هندوئیسم تلقی کرده‌اند؛ چرا که ارزش و مقام زن در این دوره به شدت کاسته شد. هر چند به‌گود گیتا را می توان به عنوان یک استثنا به شمار آورد.^۶

لهه‌ها

در آیین هندوئیسم، اشارات زیادی به وجود خدایان مؤنث

و الهه‌های زن شده است که در کنار خدایان مذکر، امور جاری زندگی مردم را رقم می زنند. از این رو این الهه‌ها به عنوان موجوداتی خدایی، پرستش می شدند. از جمله فرقه‌هایی که به این الهه‌ها توجه دارند، تنتریسم است که از ایزدبانوی شکتی، به عنوان همسر شیوا، تجلیل می کنند. در نظر ایشان، جنس مؤنث، قدرت و نفوذ بیشتری از جنس مذکر دارد؛ بنابراین در آداب و رسوم این فرقه به زن توجه بسیاری می شود. اما در اعتقادات بیشتر فرقه‌ها، ایزدبانوان خدایان منفعلی هستند که تحت نفوذ خدایان مذکر عمل می کنند.^۷

منوها

قوانین منو یا دهرمه شاستر‌ها، مجموعه احکام فقهی و شرعی هندوئیسم است که برهمنان در دو قرن ابتدایی میلادی نگاشته‌اند که دارای تناقضات بسیاری است. از یک طرف شخصیت زن را تا یک الهه‌راه تقاداده و از سوی دیگر، او را موجودی شیطانی و اغواگر توصیف کرده‌اند. در عین حال که عشق و وفاداری زن به شوهر ستوده شده است، او را لایق چنین موهبتی از طرف شوهرش ندانسته‌اند.^۸

در این کتب، زنان در نازل‌ترین بُعد و منزلت اجتماعی و دینی قرار دارند. طبق این متون، زنان از حضور در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی محرومند و چون از نظر ذاتی ناخالص هستند، لیاقت فراگیری مَنترها را ندارند. باید در خدمت شوهر باشند و اساساً از ارث و مالکیت برای ایشان خبری نیست. بر اساس قانون منو، زن همیشه تحت قیومیت مرد است و باید همیشه خالصانه به شوهر خود خدمت کند؛ حتی اگر شوهرش واجد خصوصیات خوب و نیک نباشد.^۹

مهم‌ترین تکلیف زن بعد از مرگ شوهر - به ویژه در دوره‌هایی که از دواج مجدد زن بیه معمول نبوده است - انجام ستی (سوزاندن زن به همراه شوهر فقیدش) است که در این آیین، زن را پس از مرگ همسر، فدای او می کردند.^{۱۰}

طبق قوانین منو، زن باید شوهرش را با فروتنی، «آقا»، «سرور» و حتی «خدای من» خطاب کند و در میان مردم، چند قدم پشت سر شوهرش راه رود. پس از آنکه دیگران غذایشان را خوردند، او پس مانده شوهر و پسران خود را بخورد. در کل، فردیت زن در وجود شوهرش مستهکک شده و او بدون شوهرش وجود مستقلی ندارد. کتاب‌های قانون تا اندازه‌ای منعکس‌کننده اوضاع اجتماعی دوره‌های مختلف است؛ اما این کتاب‌ها بیشتر روشن می سازند که جامعه و روابط آن باید چگونه باشد.^{۱۱} به طور کلی، رویکرد منوها در مورد جایگاه زن را می توان در این عبارت خلاصه کرد: «زن سرچشمه ننگ و ستیز است و باید از زن پرهیز کرد»؛ «زن فقط حق حیات دارد و از دیگر حقوق مدنی و اجتماعی محروم است».^{۱۲}

دوران جدید

عصر جدید تأثیر زیادی بر حیات مذهبی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هند داشته است. حوادثی چون مقاومت سیاسی هندوستان در برابر سلطه‌طلبی بریتانیا و جنبش‌های اجتماعی دفاع از حقوق زنان، از جمله این اتفاقات است که تأثیرات بسزایی در بهبود جایگاه زنان در هندوستان داشته است. اصلاح‌طلبان هندی مجبور بودند که با سلطه‌طلبی بریتانیا و فرهنگی که استعمار برای زنان هند به ارمغان آورد و نیز سنت‌گرایان هندو، که مخالف تغییرات بودند، به مبارزه برخیزند.

اصلاح‌طلبان هند برای تحول و بهبود وضعیت زنان - از مسئله سستی گرفته تا حقوق مالکیت - زحمات بسیاری کشیدند. برای مثال، راجا رام موهن رای (۱۷۷۲ - ۱۸۳۳)، بنیانگذار نهضت برهمنو سماج، در منسوخ کردن رسم سستی و دیگر حقوق زنان نقش بسزایی ایفا کرد. ایشور چندر (۱۸۲۰ - ۱۸۹۱) همراه جمعی دیگر، برای اجازه‌ ازدواج مجدد بیوه‌ها، آن قدر پافشاری کردند که سرانجام در سال ۱۸۵۶ قانون ازدواج بیوه‌ها رسماً به تصویب رسید.^{۱۳}

علی‌رغم وجود قوانین و قواعد مختلف و اشاره صریح قانون اساسی، هنوز تبعیضات پنهانی علیه زنان در بسیاری از آداب و رسوم وجود دارد. مسائلی مثل مرگ و میر کودکان دختر، سقط جنین فرزندان مؤنث، خودکشی‌های زنان و ده‌ها مورد دیگر از آزار و اذیت زنان در خانواده‌های هندی، ریشه در فرهنگ و سنت این کشور دارد.^{۱۴}

پی‌نوشت

۱. Chatterjee Nath, Krishna (۱۹۷۲), Hindu marriage past and present, pp. ۲۲۲-۲۲۰; Raghunatha R. Rao (۱۹۷۵), The Aryan Marriage, Delhi: Cosmo, p. ۲۱۸.
۲. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۱۹-۱۲۰.
۳. همان، ص ۱۲۰.
۴. همان، ص ۱۲۱.
۵. Buhler, George (۲۰۰۱), sarced laws of the Aryas, part ۲. Delhi: Max muller. motilal Banasidass, vol ۲۵, P۱۹۵; chatterjee nath, ۱۵-۱۹۷۲: ۱۴.
۶. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۶۶.
۷. همان، ص ۱۳۹.
۸. منو ۲: ۲۱۳-۱۴؛ جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۴.
۹. منو، ۹: ۱۸؛ دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ص ۷۰۷.
۱۰. علی ربانی خلخالی، زن از دیدگاه اسلام، ص ۲۵؛ جان بی. ناس، تاریخ جامع ادیان (ادیان بشر)، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۱۳۰.
۱۱. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۷.
۱۲. ابولخلیل شوقی، اسلام در زندان اتهام، ترجمه حسن اکبری مرزناک، ص ۴۴۲؛ فتحیه فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۲۷-۲۹.
۱۳. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۴۴.
۱۴. نسرین توکلی، «جایگاه و حقوق زن در هندوئیسم و قوانین جدید هند»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، ش اول، بهار ۸۹، ص ۱۴۵-۱۶۶.



حَضِیضِ ذَلَّتْ برای یک مخلوق

محمدحسن جاویدی

بررسی مسائل و مباحث مختلف در آیین زرتشت، چون کلافی است که دارای پیچیدگی بوده و یک سر آن به حکومت ساسانی گره خورده است. سلطنت مذهبی ساسانیان در ایران، بر مبنای دین، موجب اقتدار مغان و موبدان شد و در حقیقت دستگاه دینی، گرداننده اصلی چرخ سیاست و معیشت مردم در آن عصر بوده است.

بنابراین با توجه به قدرت دینی روحانیون و ایجاد قرائتی پر قدرت از دین و نگارش کتب مختلف دینی در این دوره، بررسی و شناخت رویکرد حکومت ساسانی به جایگاه و منزلت زنان می تواند به شناخت جایگاه زن در میان زرتشتیان کمک شایانی کند.

ظهور زرتشت

با ظهور زرتشت، زن مقام و اهمیت اجتماعی خاصی یافت و در بسیاری از موارد، در امور اجتماعی مانند مرد اجازه دخالت یافت؛ به گونه‌ای که گاه ریاست خانواده را هم برعهده می گرفت. شخصیت زن محفوظ و شهادت‌ش در محاکم پذیرفته می شد و از ارث بهره‌مند بود.^۱

از تعالیم زرتشت برمی آید که دین زرتشت، رویکرد مثبتی به زن داشته است. در نگاه زرتشت، زن و مرد در خلقت برابر و از یک گوهر هستند: «بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید! و با اندیشه روشن بنگرید. سپس هر مرد و زن از شما از این دورا - نیکی و بدی - یکی را برای خود برگزیند...».^۲

این همتایی و هم‌سنگی در بیسناها ۴۶ بند ۱ چنین آمده است: «آن مرد و آن زن که از برای من ای اهورا مزدا به جای می آورد...»^۳ یا در خرده‌اوستاد در بیان شأن برابر زن و مرد می گوید: «از بین زنان و مردان کسی که برابر آیین راستی ستایشش بهتر است، مزداهورا از آن آگاه می باشد...»^۴ یا در گاهان رستگاری را به زن و مرد یکسان مژده می دهد و از شش امشاسپند مطرح شده در آیین، سه تن را مرد و سه تن را زن معرفی می کند.^۵

این مقام و منزلت عالی زنان در زمان زرتشت به مرور و با فاصله گرفتن از عصر ظهور زرتشت، دچار افول و تنزل حتی در میان زنان اشراف شد. گوشه‌نشینی، منفوریت در اجتماع، ننگ تولد دختر و مواردی از این دست، از نمودهای ظاهری از دست دادن جایگاه زن در میان ایرانیان بوده است.

حکومت ساسانی

ظهور حکومت ساسانی و ایجاد قرائتی واحد از دین در آن دوره، جایگاه اعطایی زرتشت به زنان را متزلزل کرد و تاحدی آن را از بین برد. منابع حقوقی آن دوره را می توان شامل اوستا، تفاسیر آن و همچنین کتب فتاوی علمای زرتشتی دانست که همه بر



اساس حقوق دینی و شرعی نگاشته شده است. این کتب حقوقی - دینی، هر چه که بود راهنمای عمل حکومت به شمار می‌رفت.^۶

در این دوره، زن بسیار سخیف شمرده می‌شد و نگاه منفی به خلقت زن، مبنای تمام امور و قضاوت‌ها قرار گرفت. برای نمونه در بندهشن - از کتب معتبر پهلوی - آمده که هر مزد پس از آفرینش زن بدو گفت که اگر مخلوقکی می‌یافتم، تو را نمی‌آفریدم برای مرد! یا در مورد ایجاد جنگ اهریمن با اهورامزدا، نقش مهم دیو مؤنث «جهی» به عنوان یک اغواگر و فریبنده که اهریمن را به مبارزه مجدد با اهورامزدا تشجیع می‌کند، نشان‌دهنده جایگاه پست زن در آن دوره است.^۷

در این دوره احکام سختی برای زنان ایجاد شد؛ مثلاً پیدایی دشتان (عادت ماهیانه) در زنان، اثری اهریمنی

در نگاه زرتشت، زن و مرد در خلقت برابر و از یک گوهر هستند: «بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید! و با اندیشه روشن بنویسید. سپس هر مرد و زن از شما از این دوره - نیکی و بدی - یکی را برای خود برگزیند...».

بود که هر ماه مکرر می‌گردد؛ لذا مردان به پاکی و رستگاری نزدیک‌ترند. احکام زن دشتان، چنان سخت و دشوار بود که گویی یک مریض جذامی در میان مردمان سالم قرار گرفته است.^۸

حقوق کم و محرومیت زیاد

با این مبنا و بینش منفی به زن، رفتار مناسبی با زنان در جامعه صورت نمی‌گرفت. در این دوره به زن بیشتر به عنوان یک «کالا» نگریسته می‌شد و در واقعیت هم در تملک مرد بود. زن در این دوره همچون یک شیء بود و هر کس به اندازه وسعش می‌توانست از او بهره‌برد. به موجب منابع حقوقی فارسی میانه، دو یا بیشتر داشتن

پادشازن - زن عقدی - رایج بود.^۹ در این دوره مقام زن به حدی تنزل یافت که موضوع احکام قرار می‌گرفت؛ گاهی به عنوان کفاره گناه و گاهی هم به عنوان کفاره و ثواب برای مرد مالکش بود. مثلاً در وندیداد، انفاق زن یکی از وظایف مزدیسنان شمرده شده است و مرد، حق داشته که زن خود را به مرد محتاج دیگر بدهد و در چنین امری، رضایت زن شرط نبوده است.^{۱۰} یا آنکه در کفاره برخی گناهان، تقدیم دختران باکره (اعم از خواهر، دختر و خویشان نزدیک) به مردان اشو (نیک‌مردان)، یک امر رایج بوده که همه و همه نشان از کالا بودن یک زن دارد؛ چنان‌که در صورت عدم وجود زن یا دختر و خواهر، فرد خاطی یا مؤمن مزدیسنا، می‌تواند با مال خود کفاره دهد یا آنکه کفاره (ثواب) ببرد.^{۱۱}

در این دوره نه تنها جسم زن، بلکه عرض و ناموسش نیز در مالکیت مرد بود. مثلاً در مورد گناه زنا با زن شوهردار، موضوع بخشش فقط برای مرد مطرح است و مردی که به زن او تجاوز شده می‌تواند در چینه‌بیل (پل صراط)، فرد زناکار متجاوز را بازخواست نماید. اگر فرد او را در همین دنیا ببخشد، مرد زناکار در آخرت دچار مشکل نخواهد بود. این مسئله به این حقیقت تلخ اشاره دارد که زن در این گناه حتی اگر نقشی هم نداشته باشد، هیچ حقی به گردن متجاوز زناکار نخواهد داشت.^{۱۲}

نکته دیگر در مورد زنان، اشکال مختلف ازدواج برای زن بود که نگاه ایزاری به زن در آن کاملاً مشهود است. پادشازن، چکرزن (چاکرزن)، ایوک‌زن، سترزن و خودسرزن، همگی براساس این مبنا پیش می‌رود که زن اختیاری از خود ندارد. حتی در ازدواج پادشازن - همان‌گونه که گفتیم - زن این قدر قدرت ندارد که عدم رضایت خود را در قبال اهداشدنش به مردی دیگر اعلام



کند یا حتی زیر بار آن نرود.^{۱۳} با وجود این، برخی از حقوق را برای زنان در آن دوره قائل بودند. مثلاً در عهده گرفتن یک وام یا قرض، زن می‌توانست شریک شوهرش باشد یا با رضایت شوهرش مالک یک زمین شود. اما همین حقوق کم هم منوط به اجازه مرد بود و بدون رضایت او تمام این حقوق از زن گرفته می‌شد.

جنبش‌های اصلاحی و معترض

پس از زرتشت، با ظهور جنبش اصلاحی مزدکیان، برجسته‌ترین آرمان، اشتراک در اموال و زنان بود. بررسی

این جنبش می‌تواند تا حدودی نگاه عرفی و دینی مردمان آن عصر را به نمایش بگذارد. مثلاً در دینکرد تصریح می‌کند که این امر بدعتی است تا به دستاویز سرکوب دیوان‌آز و نیاز و رشک و کین و شهوت، مردم را در کام‌گیری از خواهش - های نفسانی آزاد گذارد.^{۱۴} برای فهم واقعیت‌های این جنبش در پس روایات مختلف عربی و زرتشتی، باید به این نکته مهم توجه داشت که به رغم سنت تاریخ‌نگاری کهن که تمام رویدادها را به اراده اشخاص ربط می‌دهد، باید دانست که هیچ تحولی را نمی‌توان بدون بستری و زمینه مناسب در عرصه اجتماع پدیدار ساخت و به طور قطع، مسئله اشتراک در زن نیز از این قاعده مستثنی نیست.

با معیار باورهای اخلاقی کنونی، شعار اشتراک در زنان، امری به شدت مشمئزکننده است؛ اما شواهد تاریخی مستدلی در دست است که نشان می‌دهد در دوره ساسانی چنین شعاری اشمئزآمیز را نداشتند. از دیرباز در جامعه متدینان زرتشتی (مزدیسنان)، اشکالی از اشتراک نهادن زنان، به عنوان سنتی دینی مورد اهتمام بود که بارزترین آن ازدواج محارم یا خویدوده بوده است. بر اساس این رسم بسیار مستحسن زرتشتی، دختران و خواهران می‌توانستند به عقد برادران و پدران خود درآیند و همچنین گذشته از خویدوده، مرد به‌دین موظف بود تا به عنوان یک عمل خیر، حتی زن خویش

را به هم‌کیش مستمند خویش بسپارد.^{۱۵} با این نشانه‌ها، می‌توان دریافت که انتقال نسب از پشت مادر و اشتراک در زن (بدون انتقال تخمه)، امری معمول و فراهم بوده است و البته در چنین بستری، طرح شعار اشتراک زنان به اندازه امروز نمی‌توانست مایه حیرت باشد. حتی برخی محققان معتقدند که اصل مفهوم اشتراک در زنان، یک مفهوم ناشناخته در آن عصر در میان مردم دیگر فرهنگ‌ها نیز نبوده است. رواج گردهم‌آیی مردان اعراب جاهلی در کنار یک زن یا اشتراک زن در آرمان شهر یونانی، از نمونه‌های بارز آن بوده است.^{۱۶}

نتیجه

هر چند که زرتشت، جایگاهی هم‌ردیف با مردان را برای زنان ایجاد کرد، عصر ساسانی، بیشترین ضربه را به پیکره این جایگاه و منزلت‌آهیدایی زرتشت وارد ساخت و به رغم تحولات عظیم اجتماعی و حقوقی در آن دوره، باز هم نگاه منفی در فرهنگ رایج قبل از زرتشت بر جامعه زرتشتی حاکم شد. البته در دوره زرتشت نیز با وجود نگاه‌های منفی در اقوام همسایه، نمی‌توان به قطعیت به حقوق و جایگاه والای زنان اشاره داشت؛ اما با این همه، پس از زرتشت، منزلتی برای زنان باقی‌نماند که قابلیت دفاع از آن را برای زرتشتیان برجا بگذارد.

پی‌نوشت

۱. حسام نقابی، حقوق زن در ادوار و ادیان مختلف، ص ۴۳.
۲. پورداوود، گات‌ها، بخش نخست، ص ۱۰۲.
۳. قائمی، ادبیات باستانی ایران، ص ۲.
۴. مویاردیشیرا آذرگشتسب، خرده اوستا، ص ۵۰.
۵. پورداوود، پشت‌ها، به‌کوشش بهرام فره‌وشی، آبان پشت.
۶. هاشم رضی، وندیداد، مقدمه، ص ۶۵ و ۷۰.
۷. همان، ج ۲، ص ۱۲۸۶؛ بهار مهرداد، بندهشن، فرنیغ‌دادگی، ص ۸۲.
۸. وندیداد، فرگرد ۱۶.
۹. Percy Sykes, A History of Persia, Vol ۹, pp. ۱۷۲-۳۶۷-۳۶۸.
۱۰. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۳۵۳؛ رک:
۱۱. هاشم رضی، وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۲۲ و ۱۴۶، فرگرد ۱۴، بند ۱۵ و ۱۸.
۱۲. صدر در نثر، ۴۲؛ وندیداد، فرگرد ۱۸.
۱۳. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۳۵۲.
۱۴. رک: مجله معارف، دوره دهم، ش ۱۳۷۲، ص ۳۴؛ سیدمجتبی آقایی، «مزدک: اصلاح‌طلبی و فروپاشی»، هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۴۸.
۱۵. سیدمجتبی آقایی، «مزدک: اصلاح‌طلبی و فروپاشی»، هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۴۴-۴۳.
۱۶. رک: اوتاکر کلیما، تاریخچه مکتب مزدک، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، ص ۱۷۱.

زن بیشتر به عنوان یک «کالا» نگریسته می‌شد و در واقعیت هم در تملک مرد بود. زن در این دوره همچون یک شیء بود و هر کس به اندازه وسعش می‌توانست از او بهره‌برد. به موجب منابع حقوقی فارسی میانه، دو یا بیشتر داشتن پادشازن - زن عقدی - رایج بود.



روایت مردانه یهود از زن

محمدصادق احمدی

بازشناسی وضعیت فرهنگی و سیاسی زن در ادبیات یهودی کهن که به دوره کتاب مقدس و پیش از میلاد مربوط می‌شود، امری دشوار است؛ چراکه تنها منبع موجود از این دوران، خود کتاب مقدس است و کتاب مقدس نیز در گزارش دربار وضعیت زن در یهودیت با دو مشکل اساسی روبه‌رو است: نخست اینکه به جای اینکه به زندگی زن و وضعیت او بپردازد، به وضعیت دینی و قومی اسرائیل پرداخته و دوم اینکه در هنگام توجه به افراد و زندگی آنها، فقط به مردان توجه کرده است. مشکل دیگر این است که کتاب مقدس وضعیت زندگی شهری بنی اسرائیل را در اورشلیم نشان می‌دهد، حال آنکه غالب جماعات اسرائیلی در روستاها مشغول کشاورزی بودند. این دلایل و سایر ادله موجب می‌شوند که نتوان گزارش موثقی از کتاب مقدس راجع به وضعیت زنان در این دوره به دست آورد.^۱

مشکل دیگر اینکه سنت یهودی یک سنت همگون و یک‌دست نیست که حاصل یک فرهنگ باشد. در نتیجه این سنن متفاوت، وضعیت زنان یهودی در دوره‌های گوناگون نیز به اشکال متفاوتی روایت شده است.^۲ روایات می‌شمارد نیز در این زمینه کمک شایانی نمی‌کند؛ زیرا ادوسوم مطالب موجود در میثنا را موضوعات مربوط به معبد و فریق وابسته به معبد تشکیل می‌دهند و در یک سوم باقی مانده، تمامی موارد جامانده از وضعیت شهری و اشخاص و قوانین جزایی و... ذکر شده‌اند. با این حال نویسندگانی که وابستگی یهودی دارند، شرایط بسیار پایین‌تر زنان در طول تاریخ زیست این دین را بازتاب‌دهنده وضعیت اسفناک زنان

در این دین نمی‌دانند و سعی در برداشت معنای دیگری دارند.^۳

دوره میثنایی

تقسیم میثنا بر شش قسمت و اختصاص یک قسمت آن به زنان نشان از توجه ویژه به جایگاه زن در یهودیت دارد که البته در کیفیت این جایگاه بحث و جدل فراوان است. میثنا زنان را به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم می‌کند که هر یک از این دو دسته با توجه به احکام فقهی به سه قسمت تقسیم می‌شوند. با این همه، میان نویسندگان فمینیست مانند دوبروار - که زنان یهودی در این دوره را احشام مردان یهودی می‌دانند و مدافعان که زنان را به عنوان شخصیت‌هایی مستقل تحت سرپرستی مردان می‌دانند، اختلاف نظر فراوان است.^۴ سیمون دوبروار در جنس دوم وضعیت زن یهودی دوره توراتی و میثنایی را این گونه وصف کرده است: «پدر سالارها چند همسر اختیار می‌کنند و می‌توانند زن‌های خود را تقریباً بنا بر هوس خود رها کنند... زن به کارهای خانه محدود است... او با پشم و کتان سرو کار دارد. زمانی که هنوز هوا تاریک است، بیدار می‌شود... زن نان تنبلی نمی‌خورد...»^۵

زن یهودی در قرون وسطی

دعای والدین یهودی برای دختری که در قرون وسطی متولد می‌شد، این بود که بتواند بدوزد، بریسد، ببافد و چیزهایی خوبی با خود به زندگی بیاورد. این دعا به خوبی نقش فرهنگی، دینی و حتی حیات سیاسی - اجتماعی زن یهودی در

قرون وسطی در شمال

اروپا را نشان می‌دهد.

در شمال آفریقا و به ویژه

مصر نیز برای دختران

خدا خواسته می‌شد تا به

خانه‌ای متبرک و فرخنده

قدم بگذارد. در تمامی

موقعیت‌ها - چه در میان

مسلمانان و چه در میان

مسیحیان - یهودیان

نوعاً در این دوران دارای

حکومت خودمختار داخلی

بودند. با این حال به زنان

به عنوان افرادی نگر بسته



دختران یهودی دوره قاجار

می‌شد که باید در محیط خانه خدمت کنند.^۶

در دوره مدرن نگرش به زن در میان جامعه یهود،

همانند دیگر جوامع اروپایی به کلی دگرگون شد.

زنان که در این دوره به کلی از زیر سلطه جامعه

مردسالار یهودی رها شده بودند، با راه‌اندازی

و پیوستن به نهضت‌های زن سالارانه، سعی در

ایجاد جنبش داشتند؛ جنبشی که با توسعه آن

یهودی‌ان ارتدکس و محافظه‌کار به حاشیه رفتند.

برای مثال در جماعات آلمانی، زنان به‌روز شده و

جوامع زنان مدرن آلمانی یهودی را تشکیل دادند.

برخی از ایشان تغییر کیش داده و به مسیحیت

گرویدند و بسیاری نیز از ازدواج‌های سنتی دست

شسته و به زندگی دائمی با دوستان و هم‌مسلمانان

خویش پرداختند. زنان یهودی به علت زیستن در

مضیق‌ه به مدت چندین قرن، و انکشی به مراتب

نرم‌تر نسبت به مدرنیته و فرایند تبادل فرهنگی

داشتند. البته در کنار جامعه مدرن، زنان یهودی

آلمانی، دسته دیگری از زنان اروپایی بودند که

به این نهضت اقبال نشان نداده و زنانی به کلی

دیگر شدند و تغییر ماهیت دادند.^۸ این به معنای

گسستن زن یهودی در جامعه جدید از تمامی

پیوندهای گذشته خویش بود.

با این همه، تحقیقات موردی برخی از

دانشمندان درباره ظهور و جلوه جدید زنان یهود

در یک نمونه آماری نشان داد که با توسعه هر

چه بیشتر مدرنیته، مردان یهودی هرچه بیشتر

سعی در مخفی نمودن هویت یهودی خویش

دارند. این در حالی است که زنان یهودی بیش از

پیش سعی در حفظ و مراعات روزهای مقدس

یهودی دارند.^۹

صرف نظر از برخی از پیمایش‌های کمی

و موردی خاص، آنچه سبب این دگرگونی



زن در مقامی فرودست

محسن گلپایگانی



گسترده در میان زنان یهودی در دوره مدرن شده، وضعیت پریشان آنان در پیش از این دوران است. رفتار کنونی زنان در جامعه مدرن یهودی که نه تنها در اولویات دینی، بلکه در مراعات عرف جامعه یهودی نیز هیچ ملاحظه‌ای ندارند، از این امر ناشی می‌شود که سیستم قانونی تلمودی - کتاب مقدسی که در دوران‌های پیش از این بر تمامی جنبه‌های زندگی زن یهودی حاکم بود - زن یهودی را به مخلوق و ابزاری فرو کاهیده بود که هیچ اراده‌ای نداشت و در تجارتی به نام ازدواج، فروخته می‌شد. در سراسر این دوره‌ها، زنان در معرض تعاملات جنسی و هوس مردان قرار داشتند و اگر هم به منزل همسرشان نرفته بودند، رفتار آزاردهنده پدران یهودی ایشان را تحقیر می‌کرد. نهایت منزلت زن در این دوران، بستگی به میزان زایش او داشت و ارزش او بیش از ارزش کودکان یا برده‌ها نبود.^۱

مجموع این عوامل سبب شد تا زن یهودی که تا پیش از دوران مدرن همیشه مطلوب‌ترین مکان برایش، منزل همسر یا پدر بود، پس از شکسته شدن حصارهای قرون وسطی و فرار سیدن دوران مدرن، لجام قوانین پیشین را گسیخته و در برابر آن طغیان کند. امروزه زن یهودی در تمامی مناصب و به هر مناسبتی، حضور آزاد دارد و هیچ تفاوتی با مرد یهودی ندارد. البته هنوز هم در جوامع بسته و سنتی دینی، مانند گرایش حسیدی، زنان تابع سفت و سخت قوانین سابق هستند.

پی‌نوشت

1. Fred Skolnik, ENCYCLOPAEDIA JUDAICA, Second Edition, Thomson Gale, 2007, pp. 157-156.

2. Isaac Sassoon, The Status of Women in Jewish Tradition, New York: Cambridge University Press, 2011, p. 171.

۳. میثنا یا مشنه (به معنی تکرار و تلقین)، کتابی است که یکی از دین پژوهان یهودی به نام خاخام یهودا هناسی با جمع‌آوری مکتوبات متفرق هلاخایی در یک جاتدوین نمود و به صورت کتاب ویژه تورات شفاهی درآورد.

4. Edited by Judith Reesa Baskin, Jewish Women in Historical Perspective, Wayne State University Press, 1998, pp. 74-73.

5. Edited by Judith Reesa Baskin, Jewish Women in Historical Perspective, Wayne State University Press, 1998, p. 75.

۶. سیمون دوبروار، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، ص ۱۴۱.

7. Edited by Judith Reesa Baskin, Jewish Women in Historical Perspective, Wayne State University Press, 1998, p. 101.

8. Edited by Frederick E. Greenspahn, Women and Judaism: New Insights and Scholarship, New York University Press, 2009, chapter 6.

9. Edited by Andreas Gotzmann, Christian Wiese, Modern Judaism and Historical Consciousness: Identities, Encounters, Perspectives, Brill, 2007, p. 539.

10. Karla Goldman, Karla Goldman, Beyond the Synagogue Gallery: Finding a Place for Women in American Judaism, Harvard University Press, 2009, p. 153.

(لوقا ۳: ۲-۳) است و اولین کسانی که بر سر قبر او رستاخیز وی را گواهی دادند.

زن در نگاه پولس

نظر پولس - که بسیاری از آموزه‌های مسیحیت امروز از او است - چنین نبود. در سخنان او از خلقت تبعی حوا و فریب و گناه او سخن به میان می‌آید (اول تیموتائوس ۲: ۱۵-۱۳) و اطاعت بی قید و شرط زنان، از مردان در هر امری، همانند اطاعت مردان از مسیح دانسته شده است. (اول قرتیان ۱۱: ۱۳) به قول ویل دورانت: واعظین احکام شریعت می‌گفتند که زنان باید تابع شوهرانشان و تقریباً کنیز کان

تا پیش از حضرت عیسی، در جوامع بشری به زن یادید حقارت نگاه می‌شد؛ به خصوص در فرهنگ یهود که زن، انسان طبقه دوم به شمار می‌رفت و هیچ حقی برای زنان قائل نبودند. اما حضرت عیسی به همه به طور یکسان لطف و محبت می‌کرد. برای او زن و مرد، ارباب و غلام، فقیر و غنی تفاوتی نداشت (مقدمه انجیل لوقا) و همچنین زنان، حتی زنان بدکاره را به راحتی به حضور پذیرا بود. بر خورد محبت‌آمیز عیسی باعث می‌شود گروهی از زنان از ابتدای بعثت آن حضرت به همراه او ایمان آورند و تا عروج آن حضرت به آسمان، همراه او باشند. از جمله آنان مریم مجدلیه



وضعیت زن یهودی دوره توراتی و میثنایی را این گونه وصف کرده است: «پدر سالارها چند همسر اختیار می‌کنند و می‌توانند زن‌های خود را تقریباً بنا بر هوس خود رها کنند... زن به کارهای خانه محدود است... او با پشم و کتان سروکار دارد. زمانی که هنوز هوا تاریک است، بیدار می‌شود... زن نان تنبلی نمی‌خورد...»



آن باشند.^۲

نظر کلیسا درباره زن

در مسیحیت امروزی از نظر الهیاتی دو دیدگاه درباره زن وجود دارد:

۱. دیدگاهی که زنان را به لحاظ اجتماعی و حتی هستی‌شناختی، تابع و فرودست مردان معرفی می‌نماید و اساس آن برتری مرد در نظام آفرینش است.^۳

در این دیدگاه زن ناقص و حقیر است و همچون کودکان وابسته؛^۴ زیرا منشأ گناه اصلی است و باعث هبوط بشریت. تأکید ویژه و اساسی بر گناه حوا و نقش اساسی او در اغوای آدم و همراه کردنش برای خوردن میوه ممنوعه و همچنین زاییده شدن زن از دنده مرد، باعث شد که در این دیدگاه جایگاه خاصی را برای زن در نظر بگیرند که اکنون به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

جایگاه دینی زن

الف) درجه دوم بودن زن در نظام آفرینش
«و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد». (قرنتیان ۹:۱۱)
«اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن، مرد، و زنان از مسیح محرومند». (اول قرنتیان ۳:۱۱)

«شوهر سر زن است؛ چنان که مسیح نیز سر کلیسا». (افسیسیان ۲۳:۵)

ب) اطاعت مطلق زن از مرد
«و باید که زن به آرامی و با کمال اطاعت گیرد... آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز نمود». (اول تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۴)

«همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز شوهران خود را در هر امری مطیع باشند». (افسیسیان ۲۴:۵)
«ای زنان! شوهران خود را اطاعت کنید؛ چنان که خداوند را». (افسیسیان ۲۲:۵)
ج) بی‌اثر بودن نذر و پیمان زن
نذر زن برای او الزام‌آور نیست و اگر در خانه پدری زندگی می‌کند، باید با موافقت پدرش باشد. چنانچه از دواج کرده است، باید با موافقت شوهرش صورت گیرد:

«اما اگر پدرش او را در روز شنیدنش مانع آید، پس تمامی نذرها و قیدهایی که بر خودش بسته است، ثابت نخواهد شد... اگر شوهرش آنها را فی‌الواقع باطل ساخته است، در روز شنیدنش، پس هر چه که در باب نذرش و در باب مقید ساختن خودش از لبانش جاری شده باشد، استوار نخواهد شد...». (سفر اعداد ۳۰: ۲-۱۵)

مقام اجتماعی زن

الف) نداشتن حق تعلیم
«وزن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد... بلکه در سکوت بماند...».

ب) عدم انتصاب به مقامات کلیسایی
کلیسای کاتولیک به شدت با انتصاب زنان به هر گونه مقام کلیسایی مخالفت می‌نماید. این کلیسا در سال ۱۹۹۵ اعلام داشت که دیدگاه این کلیسا در مورد عدم جواز انتصاب زنان، مصون از خطا است و از این‌رو گفت‌وگوی بیشتر در این مورد را ممنوع اعلام کرد.^۵

رهبران این کلیسا با اشاره به سنت حضرت مسیح، اظهار می‌دارند: «گرچه مریم باکره مقدس در عظمت و برتری از همهٔ رسولان بالاتر بود، اما خداوند کلیدهای ملکوت آسمان را نه به او، بلکه به آنان سپرد».^۶

اما برخی الهی‌دانان مسیحی، مانند هانس کونگ، برآنند که در زمان مسیح، میان مردان و زنان تفاوتی نبوده و آنان نیز عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند. امروزه نیز بسیاری از کلیساهای پروتستان، زنان را نیز همانند مردان، به مقامات روحانی منصوب می‌کنند.^۷

ج) کنیز بودن دختران و جواز فروش آنان
یکی از احکام که در عهد قدیم ذکر شده، احکام فروختن دختر به عنوان کنیز است و برای آن قوانینی وضع نموده‌اند که مسیحیان، این احکام را از جانب خداوند می‌دانند. (سفر خروج ۲۱:۷)

به تبعیت از این دیدگاه، برخی از بزرگان مسیحیت با عباراتی عجیب و زنده از زن سخن می‌گویند. برای مثال «ترتولیان» می‌گوید: «تو (زن) دروازه شیطانی، تو آن کس را که شیطان جرئت نداشت از روبه‌رو مورد

حمله قرار دهد، فریب دادی. به سبب تو بوده که پسر خدا ناگزیر به مردن شده، تو باید پیوسته جامه سوگ و ژنده به تن داشته باشی».^۸
آگوستین معتقد بود: «زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری. زن از بدی تغذیه می‌کند و سرآغاز همهٔ دعوی و مخالفت‌ها است و راه و طریق هر گونه فساد اخلاق است».^۹

توماس آکویناس - الهی‌دان بزرگ مسیحی - می‌گوید: «زن موجودی است ناقص و عَرَضی. جنس مؤنث، در واقع مذکری است که منحرف شده است. زن احتمالاً نتیجه نقضی است در قوه تولید مرد...».^{۱۰}

و سرانجام مارتین لوتر پدر اصلاحات و سرآمد نهضت پروتستان بر این اعتقاد بود: «زنان باید در خانه بمانند. آفرینش زنان بر این دلالت دارد. آنها لگن‌های پهن دارند تا بر روی آن بنشینند و خانه‌داری کنند، بچه به دنیا بیاورند و بزرگ کنند».^{۱۱}

این دیدگاه از ابتدای تأسیس کلیسا وجود داشته و حتی در دوره اصلاح دینی هم پذیرفته شد. پروتستان‌ها بیشتر به اقتصاد مردمحور وابسته بودند و نظام پدرسالار را پذیرفتند که سکوت و تابعیت از سوی زن است و فرمان، از آن شوهر است و زن به امر خدا مجبور به اطاعت است.^{۱۲}

۲. دیدگاهی که تعادل مرد و زن را به عنوان انسان تصدیق می‌کند. این نظر در کلیساهای آزاداندیش جدید حاکم شده است. دلیل آن هم این است که مرد و زن طبق صورت خدادر مسیح بازگردانده می‌شود و روح نبوت توسط عیسی بر خاسته از مردگان، به طور یکسان به مرد و زن عطا شد. این دیدگاه در دوره روشنگری ایجاد شد که حتی در قرن نوزدهم به انتصاب زنان به مقام کشیشی انجامید.^{۱۳}

تلاش‌های فمینیست‌ها در این راستا شایان توجه است و تأثیر بسزایی در طرح و گسترش این دیدگاه داشت. منتقدان فمینیست کلیسا، اشکالات متعددی را بر آموزه‌های کلیسایی دربارهٔ زنان مطرح نمودند:

آنان متذکر می‌شوند که زنان در متون دینی و تاریخی تقریباً مشهور نیستند و عمداً مغفول

واقع شده‌اند. همچنین نشان داده‌اند که اندک مطالبی را هم که درباره زنان می‌توان یافت، خوشایند نیست. زنان اساساً شهوت‌انگیز، حریص و عصبانگر و به عنوان «راه ورود شیطان» معرفی می‌شوند و به معنای واقعی کلمه انسان نیستند و از آنان به عنوان بدکاره و همسر یا مادر مردان مشهور یاد می‌شود. آنان برای احراز مقام روحانی تناسب ندارند و چنان ناپاک و ناخالصند که نمی‌توانند در مکان‌های مقدس قدم بگذارند.^{۱۴}

فمینیست‌ها به زبان مذكر در کتاب مقدس اعتراض کرده و کوشیده‌اند الهیات جدیدی به نام الهیات فمینیستی بیافرینند تا آموزه سنتی مسیحی نظیر تثلیث را مجدداً تفسیر کنند. فمینیست‌ها معتقدند زبان سنتی و زبان کتاب مقدس که در گذشته دربارهٔ خدا به کار برده می‌شده، دیگر کارآمد نیست.^{۱۵}

باید توجه داشت که این دیدگاه، دیدگاه بخشی از کلیسا است و هنوز کلیسا - مخصوصاً کلیسای کاتولیک - با کمی تعدیل بر همان دیدگاه اول نظر دارد و از نظر کلیسا، زنان هنوز از بُعد دینی و اجتماعی جایگاه برجسته و ممتازی ندارند.

پی‌نوشت

۱. جلال‌الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۹.
۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه گروه مترجمین، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲.
۳. رزماری رادرفورد، «زن در مسیحیت»، ترجمه سید حسین عظیمی دخت، هفت آسمان، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۱۲، ۱۱۷.
۴. مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۴۰۹.
۵. رابرت ای. وان وورست، مسیحیت از لابه‌لای متون؛ ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، ص ۵۲۱.
۶. جرج برانتل، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، ص ۸۲.
۷. هانس کونگ، زن در مسیحیت، ترجمه طیبیه مقدم و حمید بخشنده، ص ۱۹-۲۰؛ جرج برانتل، آیین کاتولیک، ص ۱۱۰، ۱۵۶ و ۳۵۶.
۸. سیمون دو بووار، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، ج ۱، ص ۱۵۹.
۹. همان، ص ۲۸ و ۱۶۸.
۱۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۳۱.
۱۱. سارا فالورز، اصلاحات، ترجمه رضا یاسایی، ص ۹۱.
۱۲. کونگ هانس، زن در مسیحیت، ترجمه طیبیه مقدم و حمید بخشنده، ص ۱۸۳.
۱۳. همان.
۱۴. مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۴۰۹، ۴۰۸.
۱۵. همان، ص ۴۱۰، ۴۱۰.



«اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن، مرد؛ و زنان از مسیح محرومند». (اول قرنتیان ۳: ۱۱)
«شوهر سر زن است؛ چنان که مسیح نیز سر کلیسا».





برابری به هر قیمت

فاطمه سادات میررحیمی



جنبش‌های اجتماعی از پدیده‌های جوامع مدرن محسوب می‌شوند و در جوامع باستان وجود نداشته‌اند. «جنبش اجتماعی عبارت است از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص که به منظور دفاع یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکل می‌پردازد»^۱. همان‌طور که از این تعریف مشخص است، لازمه یک جنبش، سازمان‌یافتگی آن است. این سازمان‌یافتگی همواره باید با اهداف و مطالبات مشخص همراه بوده و تمامی کنش‌ها و فعالیت‌ها در راستای تحقق آن باشد. اعضای جنبش‌های اجتماعی با ارائه خواسته‌ای جدید، گروه خود را تشکیل می‌دهند و سپس سعی در جذب دیگران خصوصاً نخبگان و افراد مرجع در جامعه دارند.

واژه فمینیسم^۲ اولین بار در ۱۸۳۷ وارد زبان فرانسه شد. میشل به نقل از فرهنگ لغت ربر در ذیل این واژه آورده است: «آیینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است»^۳. فمینیسم به شعار بسنده نکرده و برای گسترش حقوق زنان، به حوزه عمل نیز وارد شده است.

معانی و تعاریف متعددی برای فمینیسم وارد شده یکی از دلایل این تنوع و تعدد آن است که «مکتب فمینیسم از قلمرو و گستره وسیعی از اروپای غربی و امریکای شمالی و تاریخ نسبتاً طولانی دارد که در این گستره زمانی و مکانی، مکاتب فلسفی، اجتماعی و سیاسی متعدد و متنوعی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم و سوسیالیسم پا گرفته است»^۴.

جنبش فمینیسم از اواسط قرن هفدهم میلادی، به صورت کوشش‌هایی برای نقد وضع زنان و احقاق حقوق آنان شروع شد. انتشار کتاب دفاع از حقوق زنان (۱۷۹۲) اثر مری وستون کرافت انگلیسی نخستین بیانیه بزرگ فمینیستی و نقطه آغازین این جریان اجتماعی تلقی می‌شود. در سال ۱۸۴۸ خانم الیزا استنستون اعلام داشت: مرد از نظر همه فضیلت‌های اخلاقی فرودست‌تر از زن است؛ البته نه به دلیل شرارتش؛ بلکه آموزش غلط باعث آن شده است. جین فروهاک در همان زمان اعتقاد خود را به این ترتیب مطرح کرد: زنانگی غریزی زن والاترین اخلاقیات او است که جامعه در حال حاضر به ارزش‌های اخلاقی که بیشتر در زنان دیده می‌شود، نیاز دارد تا با افراط‌گری‌های مردانه که همه‌جا در قوانین ناعادلانه و نابرابر دیده می‌شود، مقابله کند.^۵

موج اول فمینیسم که موجب تثبیت موقعیت زن در جامعه شد، شامل چهار دوره مشخص است:

۱. تلاش برای کسب حق رأی؛

۲. دوره ر کود جنبش فمینیسم پس از کسب حق رأی؛

۳. جنبش برابری طلبان فمینیسم؛

۴. تزلزل در دیدگاه‌های فمینیستی.^۶

در نخستین سال‌های دهه شصت میلادی، مفهوم زن مدرن به عنوان مدلی نو و فمینیستی از زن مطرح شد. زن مدرن حق رأی داشت و از آن استفاده می‌کرد، در خارج از خانه به دنبال کار می‌رفت و مانند مرد از لحاظ جنسی آزاد بود. این نگرش با شروع جنبش جدید فمینیستی در سال‌های میانی دهه شصت میلادی، شکافی در ارتباط بین صلح و فمینیسم سال‌های پیشین به وجود آمد. فمینیست‌های مدرن روز به روز در ارتباط بین صلح و فمینیسم اعتماد خود را بیشتر از دست دادند.

بسیاری از فمینیست‌های کلاسیک هنوز اعتقاد داشتند که مردان به خصومت و خشونت تمایل دارند؛ اما آنها نیز دیگر مطمئن نبودند که نقش مادری زنان باید آنان را به سوی عدم خشونت سوق دهد. از طرف دیگر فمینیست‌ها اطمینان نداشتند که زنان بایستی اخلاق صلح‌سازی را به عنوان بیان حقیقی انسان‌دوستی خود دنبال کنند. آنها فکر می‌کردند ممکن است داشتن چنین اعتقادات و طرز فکری باعث شود زنان قربانی مطیع خشونت‌های مردان گردند. بر پایه چنین استدلالی، آنها مطرح می‌کردند که زنان باید بیاموزند که چگونه با خشونت مردان مقابله کنند و اگر لازم باشد، با آنها به ستیز بپردازند. با استفاده این نوع از خشونت متقابل در مقابل مردان، حتی به عنوان دفاع از خود، آخرین رشته‌های ارتباط بین فمینیسم و صلح گسست. در ادامه این نگرش، فمینیسم انقلابی به وجود آمد که در آن می‌توان از خشونت متقابل به عنوان دفاع از خود در برابر خشونت مردان استفاده کرد.^۷

فمینیسم پس از یک دوره کوتاه فعالیت، از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۳، وارد دوره رکود نسبی شد. در این دوره فعالیت‌های جمعی کاهش چشمگیر پیدا کرد؛ اما در عین حال جنبش، تداوم خود را حفظ نمود. این وضعیت بر اساس تجزیه و تحلیل بخشی از تحلیلگران تاکنون ادامه دارد. اما بخش دیگری بر این اعتقادند که این وضعیت تا پایان دهه هفتاد ادامه داشته و سپس وارد مرحله بسیج‌گرایی یا و نظریه‌پردازی فمینیستی شده است که آن را موج سوم می‌نامند.^۸

پام مک آلستر در کتاب دوباره بافتن تور زندگی: فمینیسم و عدم خشونت، توضیح می‌دهد که فمینیسم در صدد است دیدی جدید از انسان‌دوستی و دنیای بدون جنگ را برای همه بشر و آیندگان به ارمان بیاورد. موج سوم فمینیسم،

مسئله تفاوت‌ها در سطح عملی و نظری را به چالش کشید و حتی این چالش‌ها به جایی کشیده شد که بخشی از فمینیست‌ها مطرح کردند که دوره فمینیسم با ادعاهای جوهر‌گرایانه و عدم توجه به تفاوت‌ها، پایان یافته و دوره پسافمینیسم آغاز شده است. در دهه هشتاد توجه جریان اصلی فمینیسم به ائتلاف با گروه‌های دیگر در حوزه سیاسی افزون گشت و مسئله ائتلاف با سایر گروه‌ها جزء اهدافشان قرار گرفت.

فمینیست‌های جریان اصلی در دهه‌های هشتاد و نود بیشتر فعالیت‌های خود را حول محور سیاست و نهادهای اجتماعی متمرکز کردند و می‌کوشیدند تا به خواسته‌ها و نیازها و تفاوت‌های درونی گروه‌های حاشیه‌ای‌تر زنان توجه کنند و همچنین تفاوت یا تقابل با مردان را چنان بزرگ نکنند که راه ائتلاف با گروه‌های مردان یا گروه‌های غیر فمینیستی به طور کامل مسدود شود.^۹

گفته می‌شود که موج چهارم فمینیسم که در جریان است به موقعیت فرادست زنان اعتقاد دارد. در حال حاضر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بسیاری در دفاع از حقوق زنان قوانین و بیانیه‌هایی را به تصویب می‌رسانند و هر ساله مراسم مختلفی در نقاط مختلف جهان از سوی این سازمان‌ها با حضور فعالان حقوق زن برگزار می‌شود. کنوانسیون رفع تبعیض که در دهه نود در سازمان ملل تصویب شد و از آن پس تلاش‌هایی برای پیوستن کشورهای مختلف به این کنوانسیون در حال انجام است، از این نمونه‌ها است. این در حالی است که جنبش‌ها با ویژگی خودجوش بودن، همگانی بودن و سازمان‌یافتگی و هدف‌مندی، کمتر می‌توانند زیرمجموعه سازمان‌های عظیم دولتی یا بین‌المللی قرار بگیرند و همچنان با نام جنبش و با ماهیت انتقادی و اعتراضی، به حیات خود ادامه دهند.

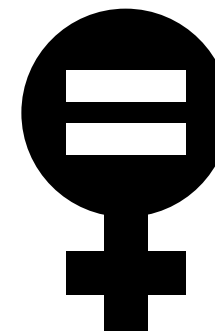
پیامدهای فمینیسم

در بررسی پیامدها و آسیب‌های فمینیسم - همچون دستاوردهای آن - نباید جانب افراط را پیش گرفت. بسیاری از آنچه که به عنوان تضعیف نهاد خانواده یا استفاده ابزاری از زنان مطرح می‌شود، پیش از آنکه مستند به جنبش فمینیستی باشد، معلول مدرنیته و حاکمیت فرهنگ سرمایه‌داری است. توجه به این امر از این جهت اهمیت دارد که در عین توجه نقادانه به جنبش فمینیسم، توجه مضاعف و انتقادات عمیق‌تر باید متوجه مدرنیته و



«مکتب فمینیسم از قلمرو و گستره وسیعی از اروپای غربی و امریکای شمالی و تاریخ نسبتاً طولانی دارد که در این گستره زمانی و مکانی، مکاتب فلسفی، اجتماعی و سیاسی متعدد و متنوعی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم و سوسیالیسم پا گرفته است.»





فرهنگ سرمایه‌داری شود.

با این حال موارد زیر به عنوان مهم‌ترین پیامدهای جنبش فمینیستی قابل تأمل است:

۱. تضعیف نهاد خانواده

یکی از مهم‌ترین شعارها و آموزه‌های جنبش فمینیستی نقد و نفی نهاد خانواده است؛ اگر چه مواضع فمینیستی در نقد خانواده یکسان نیست و به عنوان نمونه، فمینیست‌های لیبرال مستقیماً منتقد نهاد خانواده محسوب نمی‌شوند و برخی از گرایش‌های موج سوم نیز با تأکید بر تفاوت‌های میان دو جنس، بر احیای نقش مادری و همسری تأکید دارند.

۲. ایجاد الگوی مخاصمه و نزاع میان زوجین
صرف نظر از اینکه رابطه میان زن و مرد در آرمان‌های مختلف فمینیستی تصویری روشن ندارد، رویکردها و ادبیات فمینیستی، مخاصمه و نزاع میان زوجین را دامن می‌زند. تأکید بر اینکه ویژگی‌های مردانه ذاتاً شرارت‌بارند و اینکه یگانه راه‌هایی زن از هر نوع رابطه سلطه‌آمیز با مردان، جدایی‌طلبی است، عملاً رابطه دو جنس را به رفتاری رقابت‌گونه و مخاصمت‌آمیز تبدیل کرده است.

۳. ترویج الگوهای غیر اخلاقی در روابط جنسی

یکی از ویژگی‌های تمدن‌های کهن - اعم از تمدن‌های دینی و غیردینی - پذیرش الگوهای خاص اخلاقی در روابط جنسی و چارچوب خانواده است. با این حال وجود رفتارهای ناهنجار اخلاقی در تمامی این تمدن‌ها، امری است که تاریخ این تمدن‌ها آن را تأیید می‌کند. اما در عین حال ارتکاب ناهنجاری‌های اخلاقی در روابط جنسی، همیشه به عنوان یک ضد ارزش در جوامع مختلف مطرح بوده است؛ امری که فمینیسم به آن دامن می‌زند.

پی‌نوشت

۱. کی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، ص ۱۶۴.
۲. آندره میشل، جنبش زنان «فمینیسم»، ترجمه هما زنجانی‌زاده، ص ۱۱.
۳. نرجس رودگر، فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، ص ۲۵.
۴. میشل ریو سارسه، تاریخ فمینیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، ص ۴۱.
۵. همان، ص ۸۹، ۵۵.
۶. آیوت، پاملا و کلروالاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، ص ۶.
۷. همان، ص ۲۸۶.
۸. همان، ص ۲۹۱.

معرفی کتاب

زن در ادیان بزرگ جهان

پدیدآور: جین هولم و جان بوکر

مترجم: علی غفاری

محل نشر: تهران

نام انتشارات: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل

تاریخ نشر: ۱۳۸۴ ش.



کتاب *زن در ادیان بزرگ جهان* مجموعه‌ای است از مقالات متعدد درباره جایگاه و مقام زن در ادیان مختلف که به صورت یک کتاب گردآوری شده است. این کتاب درباره زن و نقش او در جوامع مختلف و وضعیت زندگی او در ادوار مختلف بحث می‌کند. خواننده در این کتاب به ترتیب با اصول هشت دین بودیسم، مسیحیت، هندوئیسم، اسلام، یهودیت، سیک، مذاهب چینی و ژاپنی

آشنایی پیدا می‌کند. پس از آن مخاطب می‌تواند در مورد زنان و نقش و جایگاه آنها طبق نظرهای سنتی و وضعیت واقعی آنان در زمان حال این ادیان آشنا شود. این کتاب همچنین به جایگاه زن در خانواده و اجتماع و نقش او در عبادات ادیان پرداخته است. کتاب زن در ادیان بزرگ جهان قصد توصیف ادیان و مقایسه آنها را ندارد؛ اما در آغاز هر فصل توضیح مختصری از هر دین ارائه شده است تا خواننده با اصول آن دین بیگانه نباشد. با خواندن این کتاب با دیدگاه بنیانگذاران و پیروان هر دین درباره زن آشنایی شویم و نیز درمی‌یابیم که اعتقادات و عرف جامعه هر عصر تا چه حد با آموزش‌های بکر آن دین مشابهت یا مغایرت دارد.

جین هولم و جان بوکر، برای تألیف این مجموعه از منابع مختلف و نظریات استادان و صاحب نظران هر دین بهره برده‌اند که به جز استوارت مک فارلن و جان بوکر، همگی زن هستند. احکام و اعتقادات ادیان مورد نظر بیان شده است تا به طور کلی مشخص شود جایگاه و وظایف زن در هر مذهب چگونه است.

در مورد اسلام، لیلا بدوی که در نگارش بخش اسلام همکاری داشته، دیدگاه اهل تسنن را که غالب جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، عنوان کرده است و علی‌رغم اشاراتی که در این بخش به آیات قرآن و سنت پیامبر شده، جای احادیث و طرز نگرش مذهب تشیع به زن خالی است.

نویسندگان مقالات این کتاب، عبارتند از: جین هولم، جان بوکر، ریتا. ام. گراس (بودیسم)، کلر دوری (مسیحیت)، شردا سوگرت هاراجه (هندوئیسم)، لیلا بدوی (اسلام)، الکساندر اربیت (یهودیت)، کانولجیت کاتور سنیق (یین سیک)، استوارت مک فارلن (ادیان چینی) و دکتر مارتینز (ادیان ژاپنی).

محراب

مسجد / شماره ۱۸۲ / اسفندماه ۱۳۹۳

مسجد خانوادگی

چرا در بعضی خانواده‌ها نسبت به اقامه نماز سهل‌انگاری می‌شود؟ مصادیق استخفاف نماز در خانواده کدام است؟ راهکارهای برپایی نماز در خانه چیست؟ و...

شش‌په زندگانی در آپارتمان‌هایی که معماری و مهندسی آن از سبک زندگی غربی گرفته شده، پرداختن به مسائل عبادی و معنوی را با مشکلاتی مواجه کرده است. و چوب اقامه پنج نوبت نماز در روز ایجاب می‌کند که برای این فریضه، هم در کارها و هم در محل زندگی جایگاه خاصی تعریف شود. امور خانواده باید با محوریت اقامه نماز اول وقت برنامه‌ریزی شود و در وقت اقامه آن، فضایی دلنشین و سرشار از آرامش برای اعضای خانواده نیز ایجاد شود.

زن به عنوان مدیر خانواده، مسئولیت اقامه نماز را نیز به عهده دارد. نه به این معنی که خودش به تنهایی نسبت به انجام آن اقدام کند؛ بلکه به این معنی که مدیریت کند و به کمک اعضای خانواده، به خصوص همسر، اسباب و مقدمات اقامه نماز در خانه را فراهم آورد. این مقدمات هم سخت‌افزاری هستند، مثل چیدمان منزل و تغییر دکوراسیون جهت ایجاد مسجد خانگی، و هم نرم‌افزاری؛ یعنی استفاده از

راهکارهای صحیح تربیتی و ترویجی، از قبیل:

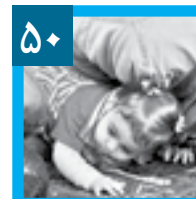
- گفت‌وگو سازی فرهنگ نماز در خانواده؛

- کمک به فرزندان در انتخاب دوست مناسب؛

- استفاده از جاذبه‌های ظاهری در نماز خواندن؛

- حضور خانوادگی در مسجد برای اقامه نماز؛

و...





همیشه درمستی مسجد

گزارشی از فعالیت‌های مسجد جامع ارشاد

علی اصغر غلامی

«مسجد جامع ارشاد» از مساجد مهم شهر تهران است که در میدان نماز شهر ری واقع شده و با ۲۵۰۰ متر مربع متراژ، گنبد و چهار گلدسته بلند کاشی‌کاری و معماری زیبا و ویژه‌اش که از اطراف با ساختمانی محصور نشده و از چهار جهت آن خیابان‌های اصلی و فرعی عبور می‌کند، با عظمت خاصی در میدان خودنمایی می‌کند. گاهی مسافرانی که قصد زیارت دارند، آن را با حرم حضرت عبدالعظیم حسنی اشتباه می‌گیرند.

در همان نگاه اول پیداست که معماری مسجد مانند ساختمان معمول سایر مساجد نیست. از مسئولان مسجد می‌پرسیم که طراح و معمار مسجد چه کسی بوده است. متولیان مسجد جامع ارشاد با شوق و افتخار از چگونگی ساخت آن بر ایمان گفتند: طرح مسجد از سال ۵۶ مطرح شد. مهندسان طرح، نقشه زمین را به مرحوم استاد لوزاده ارائه دادند و ایشان نقشه مسجد را طراحی کرد و مسجد جامع ارشاد در سال ۵۸ افتتاح شد.

این مسجد از معدود مساجدی است که بعد از انقلاب اسلامی در شهر ری ساخته شده است. استادی و مهارت و طراحی خاص مسجد در هر گوشه‌اش دیده می‌شود. محراب و شبستان مسجد مانند بیشتر مساجد، به سمت راست تمایل ندارد؛ بلکه صاف و مستقیم است. به همین دلیل فضاهای پیرت آن به بخش‌های مختلف آن، مانند دفتر مسجد، کانون مسجد، سرویس بهداشتی مخصوص آنها، سالن کتابخانه و مخزن آن اختصاص داده شده است. ساختمان مسجد استحکام بسیار خوبی دارد و با مهندسی بسیار خوب و دقیق و با رعایت استانداردهای مقابله با زلزله و آتش‌سوزی و با مجوزهای لازم شهرداری ساخته شده است.

این مسجد همیشه باز است

ساختمان مسجد باشکوه ارشاد، چهار در ورود و خروج در جهات شمال و جنوب و شرق و غرب دارد که برای رعایت مسائل امنیتی، دو در سمت میدان نماز و خیابان اصلی باز است. به دلیل وسعت و مهندسی خوب آن خانم‌ها و آقایان نمازگزار به راحتی رفت‌وآمد می‌کنند و متولیان مسجد در نظر دارند که برای حفظ امنیت آن، از دور بین‌های مدار بسته استفاده کنند. درهای مسجد برای نماز صبح باز است و بعد از آن از ساعت هشت صبح دفتر مسجد باز است و پاسخگوی مراجع کنندگان محترم. از ساعت ده صبح مسجد باز است تا بعد از نماز مغرب و عشا.

مسجد مجهز، پاکیزه و به روز

شبستان مخصوص آقایان ۵۵۰ متر و شبستان مخصوص خانم‌ها پانصد متر وسعت دارد. در حیاط مسجد سرویس‌های بهداشتی بسیار پاکیزه و مجهز و به‌روز ساخته شده. در طبقه بالای آن واحدی به دفتر قرض‌الحسنه مسجد اختصاص داده شده و یک واحد ۷۵ متری برای استقرار بسیج مسجد و واحد کناری آن، جهت کانون فرهنگی مسجد جامع ارشاد است. کتابخانه مسجد با مخزن کتاب دایره‌شکل و سالن‌های مطالعه خانم‌ها و آقایان در دو سوی مخزن، جلب توجه می‌کند. نکته‌ای که در همه بخش‌های مسجد بسیار خودنمایی می‌کند، این است که در هر بخشی از مسجد که وارد می‌شوی، بسیار مجهز است؛ بسیار مجهز، پاکیزه و به‌روز.

مسجد، درمانگاه، آملی تأثیر

مسجد جامع ارشاد سه بخش دارد. این را حجت الاسلام والمسلمین علی سعادت می‌گوید: «یک بخش خود مسجد است. دوم در مانگه خیریه تکیه داده به مسجد که تقریباً مستقل است و بنیان‌گذاران آن، همان بنیان‌گذاران مسجد بوده‌اند. در مانگه مسجد از جهت اساننامه مستقل است. سوم بخش فرهنگی - اجتماعی مسجد است که در دو سالن با گنجایش هر سالن پانصد نفر در طبقات منفی یک و منفی دو قرار دارد.»

اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد جامع ارشاد در دو سالن انجام می‌شود که در زیرزمین مسجد واقع است. این سالن‌ها از هر نظر مجهز و به‌روز است. عملیات ساخت این دو سالن چهار سال پیش و هم‌زمان با ورود حاج آقا سعادت به مسجد آغاز شد و به‌تازگی در سالگرد ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی، بهره‌برداری شد. حاج آقا سعادت در توضیح دلیل ساخت این سالن‌ها می‌گوید: «مسجد ما از مهم‌ترین مساجد منطقه است. سه محله در اطراف مسجد ما قرار

دارد که اهالی آن برای نماز به این مسجد می‌آیند. اهالی محله ارشاد که نزدیک‌ترین محله به مسجد است، محله حمزه‌آباد و شهرک گل‌ها در شمال میدان، بخشی از نمازگزاران مسجد را تشکیل می‌دهند. نمازگزار رهگذر هم داریم؛ اما نه خیلی زیاد. در اطراف مسجد چند مسجد خوب است که حدود هشتصد متر مربع وسعت دارند؛ اما مسجد جامع ارشاد اهمیت خاصی در شهر ری دارد.

هر شب حداقل پانصد تا ششصد نمازگزار فقط در قسمت آقایان داریم. جمعیت بسیار زیادی در برنامه‌های مسجد شرکت می‌کنند که مسجد گنجایش این جمعیت زیاد را نداشت. امام جماعت اسبق، حاج آقا شیدا طرح این سالن را داده بودند. ایشان سی سال امام جماعت مسجد بودند و در هشتاد سالگی بازنشسته شدند؛ اما هنوز به ما سر می‌زنند و ما هم در اعیاد فطر و نوروز به دیدن ایشان می‌رویم. ما هم کمک و تشویق کردیم تا این سالن‌ها ساخته شود؛ چون مخالفت‌هایی در ساخت این سالن‌ها وجود داشت. سعی کردیم مردم را توجیه کنیم که لازم است دو سالن با ظرفیت پانصد نفر داشته باشیم تا بتوانیم مسابقات قرآنی، فرهنگی، مذهبی و سمینارها و مسابقات قرآن را آنجا پوشش دهیم. ما همیشه در همه مناسبت‌ها، برنامه‌های خوبی داریم و در بعضی مناسبت‌ها، برنامه‌های ویژه و سنگینی داریم؛ مثل میلاد حضرت سیدالکریم که دو هزار نفر میهمان داشتیم و سه هزار غذا دادیم. این مراسم در سالن‌های پایین به خوبی برگزار شد. البته در سایر برنامه‌ها نیز همین‌طور عمل می‌کنیم.

در مانگه در سمت در کنار مسجد واقع است. بنیان‌گذاران در مانگه همان بنیان‌گذاران مسجد هستند؛ اما مسجد مستقل است و اساننامه مستقل دارد. با وجود این چون چسبیده به ساختمان مسجد است، مردم گمان می‌کنند که این در مانگه تحت نظر مسجد است. با این حال در مانگه هوای مردم را دارد. کسانی که توانایی مالی پرداخت

مخارج درمانی خود را ندارند، چنانچه امام جماعت و هیئت امنای مسجد مطلع شوند که دروغ نمی‌گویند، به مدیریت درمانگاه معرفی می‌کنند و آنها می‌توانند کارهای درمانی خود را در درمانگاه، به صورت رایگان انجام دهند.

مسجد جامع ارشاد بسیار بزرگ، باشکوه و زیبا است. خوب و باحساب و کتاب ساخته شده، بسیار مجهز و به‌روز است؛ اما یک ویژگی مهم دیگر هم دارد: این مسجد عظمت معنوی و صفا و نورانیت خاصی دارد. چرا؟

حاج آقا سعادت در جواب می‌گویند: «صفا و معنویت مسجد ما حاصل همدلی امنای مسجد و همه کسانی است که در اینجا زحمت می‌کنند. هیئت امنای این مسجد افراد قدیمی و اصیل و انقلابی هستند که از دوران انقلاب کار کرده و زحمت کشیده‌اند. رئیس هیئت امنای آقای رضاپور و آقای خادم هستند که از خانواده‌های اصیل و بنام شهر ری هستند و تمکن مالی خوبی دارند؛ اما خاضعانه هر کاری که بتوانند برای مسجد انجام می‌دهند. برای مثال در مراسم‌ها غذا می‌دهند یا ظرف می‌شویند.

علاوه بر آن، هر کدام از افراد هیئت امنای یکی از امور مسجد تبصره خاصی دارند. آقای رضاپور در برنامه‌ریزی‌ها و آقای مهندس در همه امور مهندسی مسجد تبصره خاصی دارد. آقای خادم آپارفرانسه مسجد محسوب می‌شوند؛ اینها تیمی هستند که همه در کنار هم، گروه توانمندی را به وجود آورده‌اند. ما حداقل هفته‌ای یک بار با هم جلسه داریم. حتی اگر کارها فشرده باشد، تلفنی هم که شده، با هم هماهنگ می‌شویم.

چه برنامه‌هایی دارید که مردم این‌طور مسجد را قبول دارند؟

مسجد جامع ارشاد بیشتر توانش را بر فعالیت‌های جاری می‌گذارد. در این مسجد هر سه نماز صبح و ظهر و مغرب، به جماعت اقامه می‌شود. حاج آقا سعادت ساعتی قبل از اقامه نماز به مسجد می‌آید و در جایی می‌نشیند



که به سهولت مردم او را ببینند و بتوانند راحت مسئله‌شان را با او در میان بگذارند. ایشان و امنای مسجد مانند آقای رضاپور و خادم، اولین کسانی هستند که به مسجد می‌آیند و آخرین کسانی که از مسجد خارج می‌شوند. حاج آقا سعادت می‌گوید: «هر شب ما بعد از نماز حداقل یک برنامه داریم. شنبه‌ها بعد از نماز، تلاوت یک صفحه قرآن و تفسیر یک آیه را داریم. قبلاً بعد از تلاوت، ترجمه روان همان یک صفحه بود که یک بار قرآن ختم شد. حالا حدود ده دقیقه تفسیر گفته می‌شود.

یکشنبه بعد از نماز مسئله شرعی گفته می‌شود. دوشنبه بعد از تلاوت و تفسیر، زیارت امین‌الله خوانده می‌شود. سه‌شنبه بعد از تلاوت، دعای توسل؛ چهارشنبه بعد از تلاوت، دعای عظیم البیلا؛ پنجشنبه بعد از تلاوت، دعای کمیل و جمعه بعد از تلاوت، یک هفته در میان کرسی تلاوت قرآن و زیارت آل

صفا و معنویت مسجد
ما حاصل همدلی
امنای مسجد و همه
کسانی است که
در اینجا زحمت
می‌کنند. هیئت
امنای این مسجد
افراد قدیمی و اصیل
و انقلابی هستند که
از دوران انقلاب
کار کرده و زحمت
کشیده‌اند



ما در تمام مناسبت‌ها برنامه داریم. به علاوه در مناسبت‌های ویژه مثل دو دهه ایام فاطمیه، دهه اول و دوم محرم و دهه اول و سوم صفر و تمام ماه رمضان، برنامه‌ها و مراسم خاصی برگزار می‌شود. از دو سال قبل برنامه‌های ماه رمضان قبل از اذان برگزار می‌شود. در همه برنامه‌های مسجد جمعیت زیادی شرکت می‌کنند.



یاسین برگزار می‌شود. برنامه‌هایمان باشکوه و عظمت خاصی اجرامی شوند. شبیه همین هفته مراسم دعای ندبه ما ساعت شش و پانزده دقیقه از شبکه سه سیما پخش شد. در همه مناسبت‌ها برنامه داریم و بین نماز حدیث می‌گوییم.

نمازگزاران اعتراض ندارند که بین دو نماز حدیث می‌گویید؟

خیر، چون به مسائلی می‌پردازیم که مورد نیاز مردم است. امشب که شب ولادت حضرت امام حسن عسکری (ع) بود، دو سخنران داشتیم که دقایقی صحبت کردند. در میان نمازگزاران مسجد، قاری قرآن، مداح و سخنران داریم؛ مانند آقای رمضان خلیلی که قاری مشهوری در شهر ری و در سطح بین‌المللی است و مساجد دیگر هم از آنها دعوت می‌کنند. بخشی از برنامه‌ها را سخنرانان و مداحان مطرح تلویزیونی. جلساتی با سخنرانان داریم و با آنها هماهنگ می‌کنیم. شریطی را که باید رعایت کنند، به آنها گوشزد می‌کنیم؛ مثلاً اینکه به چه موضوعاتی بپردازند و کوتاه و مفید صحبت کنند.

جذاب است.

۶. اما مهم‌ترین عامل: مرتب و خلاصه بودن برنامه‌ها است.

مسجد منبع درآمدی دارد؟

حاج آقا بر ایمن می‌گوید که در آمد مسجد جامع ارشاد از سه طریق عمده تأمین می‌شود؛ اول: عمدتاً هزینه برنامه‌های مسجد از طریق مبالغی تأمین می‌شود که خیرین و هیئت‌امنا به مسجد کمک می‌کنند. برای مثال هزینه ساخت دو سالن زیرزمین مسجد دو میلیارد تومان شد که همه را خیرین و امنا پرداخت کردند.

برای مثال در مراسم میلاد حضرت عبدالعظیم سه هزار غذا دادیم که خیرین آن را تقبل کردند. دوم: کمک‌های اهل محل، نمازگزاران و کسانی که ماهیانه کمک می‌کنند و قبض می‌گیرند. ما علاوه بر سه کارمند و دو امام جماعت و دو خادم و مسئول دفتر، یک حسابرس داریم که در همین رشته فارغ‌التحصیل شده و کارش همین بوده و بازنشسته شده و همه حساب‌ها را دقیق و بسیار جزئی بررسی می‌کند.

سوم: مراسم ختم که در مسجد برگزار می‌شود. در این مورد نیز قبض داده می‌شود و حسابش معین است.

به علاوه، شهرداری همیشه کمک می‌کند که ما از کمک‌هایشان تشکر می‌کنیم.

در مناسبت‌ها هیئت‌امنا هزینه‌ها را تقبل می‌کنند. بعضی دهه‌ها بانی داریم. خودمان هماهنگی‌ها را انجام می‌دهیم تا برنامه‌ها و افراد مسئله‌دار نباشد.

ما موقوفه نداریم. خیرین هیئت‌امنا و خیرین خارج از محل کمک می‌کنند. ما در مسجد بخش تجاری نداریم. از ابتدا با تجاری شدن بخشی از مسجد مخالف بودیم و اصلاً به این کار تمایلی

نداریم.

چطور مردم این همه از مسجد حمایت می‌کنند؟

حمایت‌های مردم به دلیل رضایت از برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد است. به ندرت پیش می‌آید مسجد هزینه شیرینی و سخنران را بدهد. همه را مردم خودشان می‌دهند. افراد بانی برنامه می‌شوند یا خیرین هزینه آن را پرداخت می‌کنند. پس مسجد کمک می‌کنند. برای مثال هزینه ساخت دو سالن زیرزمین مسجد دو میلیارد تومان شد که همه را خیرین و امنا پرداخت کردند.

هر شب اینجا در حدود ششصد نفر نمازگزار داریم. سخنران‌های مدعو تعجب می‌کنند که چطور بعد از نماز مردم می‌نشینند؟ چون اگر سخنرانی در مواقع خاص باشد، مردم می‌نشینند؛ اما در مسجد ما هر شب سخنرانی و برنامه داریم. ما قبل از سخنرانی آنها را توجیه می‌کنیم که مسائل مورد نیاز مردم را بگویند، بسیار کوتاه صحبت کنند و مسائل سیاسی نگویند. تماس‌ها و تقاضاهایی از شورای شهر و مجلس می‌شود. ما افرادی را قبول می‌کنیم که معتدل‌تر و به رهبر نزدیک‌تر هستند. مسجد هیچ وقت در مواقع سیاسی و انتخابات، کسی یا گروهی را مطرح یا رد نمی‌کند تا جایگاه مسجد حفظ شود.

ارتباطتان با اهالی محل چگونه است؟

سعی می‌کنیم ارتباطمان با محل قطع نشود. اهالی محل - چه مسجدی باشد و چه نباشد - وقتی از زیارت عتبات برمی‌گردند، با هیئت‌امنا به دیدارشان می‌رویم. اگر کسی در محل بیمار باشد، به عبادتش می‌رویم. به زوج‌های جوانی هدیه می‌دهیم. کسی که از دنیا می‌رود با نمازگزاران به خانه او می‌رویم، تسلیت می‌گوییم و فاتحه می‌خوانیم؛ اما داخل

نمی‌رویم. فاصله بین منزل تا مسجد را پیاده طی می‌کنیم و در راه با کسبه احوال‌پرسی می‌کنیم. این کار بهانه‌ای برای در دسترس مردم بودن است.

سالن ورزشی ندارید؟

آقای رضایور می‌گوید: «هنگام مطالعات اولیه برای ایجاد بخش ورزشی در مسجد، به فتوای حضرت آقا برخوردیم که در مجله مسجد چاپ شده بود. فتوای آقا این بود که بهتر است فعالیت‌های ورزشی در خارج از مسجد باشد. ما هم سعی کردیم در طراحی برنامه‌ها و بخش‌های مسجد فقط برنامه‌های عبادی و تربیتی و فرهنگی در اولویت قرار گیرد. ما معتقدیم که مسجد جای عبادت، دعا و مسائل دینی است. ما مسائل حاشیه‌ای نداریم. کانون و بسیج برنامه‌های ورزشی دارند که برای آن در بیرون مسجد سالنی اجاره می‌کنند.»

کمک به مستمندان

همان‌طور که حدس می‌زدیم، مردم این محل از اقتدار کم‌درآمد هستند. آقای رضایور از کمک مسجد ارشاد به خانواده‌های کم‌درآمد و نیازمند محل خبر می‌دهد: «این منطقه منطقه ضعیفی است و بیشتر افراد کارگر و بسیار کم‌درآمد هستند. بیش از پنجاه خانوار نیازمند محل تحت پوشش کمک‌های مسجد هستند. در سال چند بار در روزهای خاص مثل عید فطر و عید نوروز اقلام اساسی و مورد نیازشان را به آنها می‌رسانیم. به این ترتیب سعی داریم از راه‌های مختلف نیازهای مردم را برآورده کنیم. مبلغی را در در مانگاه می‌گذاریم که اگر کسی هزینه کارهای درمانی را نداشت، از آن پول استفاده کند. ما در حال حاضر روی طرح ایجاد مؤسسه‌ای برای تحت پوشش قرار دادن

نیازمندان کار می‌کنیم.

رابطه‌تان با بچه‌های بسیج چطور است؟

امام جماعت مسجد می‌گوید: «خوشبختانه بین امنا و بسیج و امام جماعت اختلاف اساسی وجود ندارد و اگر اختلافی باشد، اختلاف سلیقه است. خودمان حلقه ارتباط بین امنا و اعضای بسیج هستیم. چون امنا افراد مؤمن و مخلص هستند و افراد پایگاه بسیج، تحصیل کرده و لیسانس به بالا و هر کدام از آنها در کار خود کاردان و با تجربه‌اند.»

آقای رضایور و آقای خادم در توضیح بیشتر عملکرد هیئت‌امنا می‌گویند: «هر کدام از هیئت‌امنا هر ماه یک میلیون یا دو میلیون به مسجد کمک می‌کنند. امنا مسجد از افراد متمکن شهر ری هستند. در مراسم‌های مختلف بدون اینکه از کسی تقاضای کمک شود، تمام هزینه‌ها محاسبه و توسط هیئت‌امنا پرداخت می‌شود. در مراسم عاشورا و تاسوعا شش هزار غذا می‌دهیم و در ماه رمضان افطاری‌های ساده می‌دهیم. مسجد بیلان ماهیانه و سالیانه دارد. رئیس هیئت‌امنا یک نفر حسابرس برای حسابرسی فعالیت‌های مسجد گذاشته که از سال ۵۶ تا به حال بیلان دارد. همین حالا اگر بیلان هر سال و ماه را بخواهیم ببینیم، موجود است.

چندی پیش از امور مساجد برای سرکشی به مسجد ما آمده بودند. این کار ما را تحسین کردند که حساب جاری داریم و همه حساب‌ها دقیق ثبت شده و هیچ اشکالی وجود ندارد. حاج آقا سعادت همیشه به کارهای ما مشرف هستند و نظارت و راهنمایی می‌کنند.

کانون فرهنگی ارشاد

کانون فرهنگی مسجد جامع ارشاد از بخش‌های فعال مسجد



در یک شرکت امام جماعت شد. مدتی هم امام جماعت یک مسجد در قرچک بود؛ اما چون منزل و محل تحصیلش تهران بود، امامت جماعت مسجد باب الحوائج در علی‌آباد را پذیرفت. بعد از مدتی به صلاحدید مسئول وقت ناحیه، امام جماعت مسجد جامع ارشاد شد.

روش کار حاج آقا سعادت این است که بعد از نماز اگر خودش صحبت نکند هم تا پایان مراسم و هر برنامه‌ای که مسجد داشته باشد، می‌نشیند. به همین دلیل ما که از راه دوری برای دیدنشان به شهر

ری می‌رفتیم، بدون هماهنگی نهایی موفق به دیدارشان شدید. او یکی از مسئولانی است که هر وقت بخوای، به راحتی در دسترس است؛ چیزی که در دوره ما کمیاب است. با آنکه سن زیادی ندارد، بسیار پخته و باتجربه است. با خوش اخلاقی ما را که دیر رسیدیم، پذیرفت و تا پایان سوالاتمان با آرامش، بدون جواب دادن تلفن یا کم گذاشتن وقت، کنارمان نشست و با ما صحبت کرد و در پایان مصاحبه با اتومبیل شخصی‌اش ما را به ایستگاه مترو رساند.

او برای مسجد واقعاً وقت می‌گذارد. طرح خوب راحتی اگر طراحی خودش نباشد، تشویق و کمک می‌کند. قدر و جایگاه هر کسی را نگه می‌دارد. چه بچه‌های جوان کانون و بسیج و چه بزرگان و ریش‌سفیدان مسجد، همه از رفتار خوب و اسلامی‌اش راضی هستند و از راهنمایی‌ها و کمک‌هایش استفاده می‌کنند.

است. آقای رضایور توضیح می‌دهد: «کانون فرهنگی زیر نظر هیئت‌امنا مسجد هستند. در کانون‌های شهرداری کانون فرهنگی ارشاد، جزء بهترین‌ها است. مدیر کانون فرهنگی ارشاد آقای شهبازی و مدیر اجرایی آن خانم سمیه باقرنژاد است. بازحمات این دو نفر این کانون بسیار فعال است. به علاوه بخش خواهران کانون هم فعالیت‌های خوبی برای خواهران دارد. اخیراً بعد از دستورالعمل امور مساجد، شورای فرهنگی مسجد فعال شده است.»

انتقاد، پیشنهاد

آقای رضایور رئیس هیئت‌امنا مسجد جامع ارشاد با دلسوزی و توجه خاصی که به امور مساجد دارد، می‌گوید: «باید علاوه بر نظارت بر امور کلی مساجد، به مسائل جزئی و اجرایی آنها هم توجه کرد. امور مساجد نباید فقط به گرفتن گزارشی از مسجد یا یک سرکشی و پرسش از امور کلی آن بسنده کند.»

چقدر تجربه اخلاق اسلامی خوب است!

حجت الاسلام و المسلمین علی سعادت، چهار سال است که امام جماعت مسجد جامع ارشاد است. او متولد سال ۱۳۴۸ شیروان در استان خراسان جنوبی است. هم‌زمان با دوران دبیرستان درس حوزوی را گذراند و برای ادامه آن به تهران آمد. خودش می‌گوید: هنوز هم مشغول درس و بحث است و در کنارش در نهادی مشغول است. او در سال ۷۲ ملبس شده و ابتدا در یک مدرسه و بعد

مادر نمازگزار

یکی از وظایف مهم والدین تربیت دینی فرزندان است که مهم‌ترین شاخصه آن تعلیم نماز به فرزندان می‌باشد. مطابق آنچه در روایات آمده است، والدین باید از سه سالگی فرزندان خود را با کلماتی از قبیل «لا اله الا الله» آشنا کنند^۱ و در هفت سالگی آنها را امر به خواندن نماز کنند.^۲ خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وامر اهلک بالصلوه واصطبر علیها»^۳ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باشی.»^۴ وظیفه تربیت در خانواده بر عهده والدین یعنی پدر و مادر می‌باشد، اما نقش مادران در این زمینه پررنگ‌تر و مؤثرتر است؛ زیرا فرزندان در محیط خانواده بیشترین زمان را در کنار مادران سپری می‌کنند و مادران از زمان بارداری عهده‌دار این وظیفه خطیر هستند.

مهم‌تر از نماز خواندن در منزل، فرهنگ برپا داشتن نماز است که مادران می‌توانند این امر را در قالب یک برنامه هماهنگ شده با پدر و فرزندان به انجام برسانند. با توجه به نگاه فرزندان به رفتار والدین - به ویژه مادر - برپایی این فریضه توسط والدین، تأثیر مثبتی بر فرزندان دارد.

مادران به عنوان مدیران خانه، باید همه زمینه‌های لازم برای برپایی برنامه‌های عبادی را در منزل آماده سازند تا فضای معنوی در خانه حاکم باشد. در فضای معنوی است که می‌توان برنامه‌های تربیتی را به اجرا گذاشت. این فضا می‌تواند، هم در تعاملات والدین با یکدیگر مؤثر باشد و هم در تعامل والدین با فرزندان. فرزندان نیز با الگوگیری از رفتار والدین به یکدیگر احترام گذاشته و هر کدام از اعضای خانواده می‌توانند زمینه رشد یکدیگر را فراهم آورند.

انتخاب زمان و حجم مناسب برنامه‌ها جهت انجام فرایض و دقت در تداخل برنامه سایر اعضای خانواده با این برنامه‌ها و محور قرار گرفتن فرایض در برنامه‌ریزی اعضای خانواده، بسیار اهمیت دارد.

پی‌نوشت

۱. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ج ۲۷۶۲.
۲. کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۳، ص ۴۰۹.
۳. طه: ۱۳۲.



محراب ← پرونده مسجد

یک دعوت اصولی

اصول دعوت به نماز در خانواده

مهدی منتظری

امروزه عرصه کارهای تربیتی نیازمند شناخت و آگاهی کافی، مهارت قابل قبول و رعایت اصول و قواعد تعریف شده و به روز می‌باشد. دعوت و تشویق فرزندان به نماز به عنوان یک کار تربیتی، از این قاعده مستثنی نیست. در این میان احاطه و عمل به اصول و قواعد کارشناسی شده، به مربی یا والدین و به ویژه مادر، جهت توفیق در تربیت فرزندان نماز خوان کمک شایانی می‌نماید. به چند نمونه از اصول دعوت فرزندان به نماز اشاره می‌شود.

۱. ساده کردن نماز

یکی از عوامل موفقیت در دعوت فرزند به عبادات، آسان کردن آن برای او می‌باشد. سخت جلوه دادن نماز موجب می‌شود نوجوان از عبادت لذتی نبرد و به آن علاقه‌ای نشان ندهد. رسول خدا فرمود: «حتی با دانه‌ای خرما هم می‌توان افطاری داد». اسلام به جا آوردن هفته ر کعت نماز را در یک لحظه واجب نکرده، بلکه آنها را در چند نوبت تقسیم و توزیع کرده است. امام سجاد علیه السلام دستور داد که بچه‌ها نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم بخوانند و فرمود: «این کار بهتر از آن است که بخوابند و نمازشان ترک شود». نمازهای نافله نیز به ایستادن و رو به قبله بودن مشروط نشده است. اذکار نماز هم به اندازه صحت نماز کفایت می‌کند و بیشتر از آن را اسلام واجب نکرده است. امام صادق علیه السلام در سن نوجوانی در عبادت بسیار می‌کوشید. روزی پدرش به او فرمود: «فرزندم عبادت را مقصداری کاهش بده؛ چراکه وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد، به عبادت کم هم از او راضی می‌شود».

۲. پرهیز

از هر گونه اقدام و رفتار ناخوشایند در رابطه با نماز که موجب رنجش خاطر فرزندان یا خاطره

تلخ ماندگاری در ذهن ایشان می‌شود، پرهیز کنیم. نمونه‌ای از رفتارهایی که باید پرهیز شوند، عبارت است از:
الف) پرهیز از خشکی و بی‌روخی نماز.
ب) پرهیز از اعمال قدرت و مجبور کردن فرزند به نماز؛ مانند زمانی که وسعت وقت وجود دارد.
ج) پرهیز از گرفتن وقت تفریح و بازی و... به خاطر نماز بالحنی غیر کارشناسانه و غیر منطقی.
د) پرهیز از دعوت فرزند به نماز زمانی که تازه او را به خاطر مسئله‌ای تنبیه کرده‌ایم.

ه) پرهیز از خسته کردن فرزند با برنامه‌های اضافه بر اصل نماز؛ مانند تعقیبات یا بیدار کردن کودک از خواب شیرین برای نماز شب.

۲. آموزش جدید

امروزه بهترین نوع آموزش‌ها، به وسیله ابزار رسانه صورت می‌گیرد. در ابزار رسانه از صوت و تصویر به صورت همزمان یا جدا استفاده می‌شود. رسانه تصویری، یعنی ارائه محتوا به مخاطب به صورت ملموس و مصور و صدافی. روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: ظرف آبی بیاور تا وضو بگیرم. امام شروع کردن به وضو گرفتن و اجزای وضو را به طور کامل با خواندن دعاهای مخصوص در پیش دیدگان محمد بن حنفیه به جا آوردند. در پایان وضو فرمودند: «فرزندم هر کس این گونه وضو بگیرد و این ذکرها را بگوید، خداوند از هر قطره آبی که از دست و صورتش می‌چکد، فرشته‌ای می‌آفریند که پیوسته خدا را تقدیس کرده و تسبیح و تکبیر بگوید و ثوابش را تا روز قیامت برای او بنویسد».^۱ استفاده از این اصل می‌تواند شوق به عبادت را بیشتر و ماندگارتر نماید.

۴. میانه‌روی در عبادت

گاهی دیده می‌شود والدین در امور مذهبی، به

ویژه دعوت فرزندان به نماز، راه افراط یا تفریط را می‌پیمایند. افراط یا سخت‌گیری بدون حساب و کتاب موجب زدگی و از سوی مقابل، تفریط و باز گذاشتن بی‌قاعده فضا موجب بی‌اهمیت جلوه دادن نماز نزد فرزند می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: «فرزندم در معیشت و عبادت مشی میانه و معتدل را برگزین».

۵. دلسوزی

شاید نتوان تصور کرد در این عالم مادری وجود دارد که نسبت به فرزند خود دلسوز و مهربان نیست. دلسوزی مادر آنگاه در خور تقدیر است که حرکت‌آفرین و عامل پویایی باشد. از بهشتیان می‌پرسند: چطور شد که شما بهشتی شدید؟ آنها پاسخ می‌دهند: «ما نسبت به فرزندان و خانواده دلسوز بودیم».^۲ خدا در وصف دلسوزی حضرت اسماعیل به پیامبر خاتم می‌فرماید: «و یاد کن در کتاب خود اسماعیل را که بسیار در وعده صادق و پیامبری بزگوار بود. او پیوسته خانواده‌اش را به نماز و زکات سفارش می‌کرد و نزد خدا بنده‌ای پسندیده و مورد رضایت بود».^۳

۶. پایداری

بعضی والدین می‌گویند از بس فرزندمان را به نماز سفارش کردیم، خسته شدیم. باید گفت که شاید این والدین از شیوه‌های تأثیرگذار تربیتی مطلع نیستند یا مهارت استفاده از آنها را نمی‌دانند یا اینکه تحمل ادامه آن را ندارند. در این خصوص اسلام امر به پایداری و استقامت نموده است. خداوند به پیامبر می‌فرماید: «ای پیامبر خانواده‌ات را به نماز سفارش کن و بر انجام آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم؛ بلکه به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک با تقوا است».^۴

۷. شروع از خود

یکی از بزرگان می‌گفت: دیدم فرزند جوانم در



خانه نماز فرادامی خواند و به مسجد نمی‌رود. به مادرش گفتم: از او بپرس چرا با اینکه مسجد نزدیک است نمازش را در خانه می‌خواند؟ فرزند پاسخ داد: به پدر بگو چرا خودت به مسجد نمی‌روی؟! در همین راستا مادر خانه به خاطر حضور پررنگش در محیط منزل باید نماز اول وقت را فراموش نکند.

۸. توجه به نشاط و آمادگی مخاطب

حالت‌های روحی انسان متفاوت است. قلب گاهی اقبال دارد و گاهی ادبار. در دعوت به نماز توجه به نشاط و آمادگی مخاطب یک اصل اساسی است. به طور یقین در دعوت به نماز باید از حالت اشتیاق و اقبال قلب نهایت بهره را برد.

پی‌نوشت

۱. علی مشکینی اردبیلی، فصار الجمل، محقق: مهدی هوشمند، ج ۱، ص ۲۸۸.
۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۲.
۳. طوز: ۲۶.
۴. مریم: ۵۵.
۵. طه: ۱۳۲.
۶. نهج البلاغه (صحیحی صالح)، ص ۷۵۹.

حالت‌های روحی انسان متفاوت است. قلب گاهی اقبال دارد و گاهی ادبار. در دعوت به نماز توجه به نشاط و آمادگی مخاطب یک اصل اساسی است. به طور یقین در دعوت به نماز باید از حالت اشتیاق و اقبال قلب نهایت بهره را برد.

حالت‌های روحی انسان متفاوت است. قلب گاهی اقبال دارد و گاهی ادبار. در دعوت به نماز توجه به نشاط و آمادگی مخاطب یک اصل اساسی است. به طور یقین در دعوت به نماز باید از حالت اشتیاق و اقبال قلب نهایت بهره را برد.

افراط یا سخت‌گیری بدون حساب و کتاب موجب زدگی و از سوی مقابل، تفریط و باز گذاشتن بی‌قاعده فضا موجب بی‌اهمیت جلوه دادن نماز نزد فرزند می‌شود.



دردهای ما - آون - وش داروی نماز

آسیب‌شناسی از دواج با مردانی که اهل نماز نیستند
چرا در روایات تأکید شده که با مرد با ایمان و اهل نماز از دواج کنید؟
حمید حاج‌امینی



با نگاه به دور و برمان می‌توانیم سیاهه‌ای بلند از ناهنجاری‌های ریز و درشت موجود در خانواده‌ها را شماره کنیم. از بداخلاقی و بدرفتاری و بدزبانی بین زن و شوهر یا والدین و فرزندان گرفته، تا فرار از مسئولیت‌ها مثل خرجی ندادن مرد خانواده و شانه خالی کردن از تربیت صحیح فرزندان، تا برسد به اعتیاد و دیگر مشکلات بزرگ‌تر.



وظیفه پزشک، تشخیص بیماری و تجویز دارو است؛ نه توضیح و تشریح علل بروز بیماری و آثار و عواقب آن و راه‌های تشخیص و کیفیت درمان و مکانیسم اثربخشی دارو و امثال آن. مثلاً پیش پزشک که می‌رویم، می‌گوییم فلان ویتامین بدن شما کم است، باید این دارو یا آن غذا را بخوری. چرا این دارو، چرا این غذا؟ و اینکه این دارو و غذا با بدن ما چه کار می‌کنند که بیماری از بین برود؟ اینها گفته نمی‌شود. جای آن در مطب نیست؛ جایش در دانشگاه است. بسیاری از دستورها و توصیه‌های دینی هم از همین قرار است. یعنی از جایگاه یک طبیب دلسوز که به زوایای روح بشر آگاه است و دردهای او را می‌شناسد، فرمان‌هایی داده است. در مقابل از ما هم خواسته شده که در این معارف تأمل و تدبر کنیم تا در حد توان خود به اسرار نهفته در آن پی ببریم. یک نمونه معروف از این موارد، توصیه‌های فراوانی از ائمه علیهم‌السلام است که دختران خود را به نکاح مردانی در آورید که اهل نماز و مسجدند و از افرادی نماز در این باره پرهیز داده‌اند. برای فهم بهتر و بیشتر این توصیه، مسئله را در همان قالب پزشک و بیمار و بیماری می‌ریزیم. ببینیم بیماری‌های یک خانواده چه می‌تواند باشد. کار سختی نیست. با نگاه به دور و برمان می‌توانیم سیاهه‌ای بلند از ناهنجاری‌های ریز و درشت موجود در خانواده‌ها را شماره کنیم. از بداخلاقی و بدرفتاری و بدزبانی بین زن و شوهر یا والدین و فرزندان گرفته، تا فرار از مسئولیت‌ها مثل خرجی ندادن مرد خانواده و شانه خالی کردن از تربیت صحیح فرزندان، تا برسد به اعتیاد و دیگر مشکلات بزرگ‌تر.

حال که طبیب، داروی نماز و مسجد را تجویز کرده، می‌خواهیم ببینیم این دارو چگونه عمل می‌کند. اول باید به شکل این دارو نگاه کنیم. این داروی ما، نماز، یک شکل از پرستش و نیایش دینی و متشکل از نشست و برخاست‌ها و ادکاری است که برای پنج فاصله زمانی مشخص در روز تجویز شده است که شاید به طور معمول برای بسیاری از افراد، نیم ساعت هم زمان نبرد. نماز گزار - هر کسی که می‌خواهد باشد - طی این نمازها، در یک روز هفده بار باید منیت خود را بشکند و در برابر معبود تا کمر خم شود. باید روزانه، دست کم ۳۴ بار خود را بر خاک بیندازد و پیشانی بر زمین بگذارد. هر روز باید دست کم بیست بار چشم باز کند و زیبایی‌های هستی و

نعمت‌های خداوندی را ببیند و از صمیم جان، رحمان و رحیم بودن خداوند را به زبان آورد. این نمازها را نمی‌شود با هر حالت و در هر زمان و مکانی به جا آورد. زمان هر یک مشخص و محدود است و باید در حال پاکی و نظافت کامل و با شست‌وشویی مخصوص به جا آورده شود. بهتر است با لباس سفید و در کنار دیگران و در محل مخصوص این عبادت، یعنی در مسجد، و با نظمی خاص انجام شود. برای اثر بیشتر این دارو خوب است قبل از عمل به نسخه طبیب، دهان را مسواک بزیم و خود را خوش بو کنیم. محیط را از آنچه تمر کزمان را به هم می‌زند، بپیراییم و ...

این چند سطر کوتاه در برابر اقیانوس ظریف کاری‌های نماز که در قالب بیش از هزار امر واجب و سه هزار آداب مستحب بیان شده، قطره‌ای هم به شمار نمی‌آید. اما با همین نگاه اجمالی به شکل نماز نیز می‌توان به بخش مهمی از سازوکار اثرگذاری آن پی برد. اگر ریشه پر خاش‌گری یک مرد در خانواده تکبر باشد، آیا مشکل او با نماز حل نمی‌شود؟ آیا وقتی کسی می‌پذیرد که با همه شخصیت و هیبت اجتماعی که دارد، هر روز در نماز چندین بار به شکل‌های مختلف، خضوع و خشوع را در عریان‌ترین شکل آن - یعنی تعظیم کردن و به زمین افتادن و سر بر خاک نهادن - تمرین کند، آمادگی ندارد به راحتی خود را در برابر خواسته‌های به حق زن و فرزند خویش، مسئول بداند و کمر همت را مردانه ببندد و به کار و تلاش بپردازد؟ آیا با این تمرین‌های مداوم، نمی‌تواند لجام نفس خویش را در لغزش‌گاه‌های شهوت، تنگ‌تر و محکم‌تر بکشد و کبان خانواده و عفت خویش را در این زمانه پر آشوب حفظ کند؟ آیا آن بر خاک افتادن‌ها و سجده‌های خاشعانه کمک نمی‌کند که راحت‌تر بر حس فزون‌طلبی خویش غالب شود و در بازار، پای معامله، خدا را در نظر بگیرد و با سودی منصفانه، نان حلال بر سر سفره زن و فرزندش بگذارد؟ آیا نماز باعث نمی‌شود یک مرد مؤمن خود را بدهکار مهریه همسر خود بداند و حقوق او را بدهد؟ آیا نماز گزار با آن تمرین‌های روزانه که به نفس خویش داده، می‌تواند در هنگام خشم، عنان نفس را به دست گیرد تا با دست و زبان، ظلم و اجحافی در حق همسر خویش روا ندارد؟ آیا کسی که روزانه چندین بار خوبی‌های خالق یکتا را می‌بیند و یاد می‌کند، نمی‌تواند در ارتباط با زن و فرزند خویش صحنه‌هایی زیبا از مهر و عطا و عفو بیافریند؟

پاسخ همه این پرسش‌ها روشن است. مشکلاتی که لا به لای این سطور گفته شد، همان مسائلی است که امروزه بخشی از خانواده‌ها در سطح جامعه و در نهایت در پیچ و خم راهروی دادگاه‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و درمان و نوش داروی ساده و در دسترس دارد که خوب است آن را به بهترین شکل و طبق دستور به کار گیریم.

پی‌نوشت

۱. مرحوم شهید اول کتاب الفیه را در واجبات و کتاب‌التقلیه را در مستحبات نماز نگاشته که اولی شامل هزار و دومی شامل سه هزار مطلب در باب نماز است.



آیا وقتی کسی می‌پذیرد که با همه شخصیت و هیبت اجتماعی که دارد، هر روز در نماز چندین بار به شکل‌های مختلف، خضوع و خشوع را در عریان‌ترین شکل آن - یعنی تعظیم کردن و به زمین افتادن و سر بر خاک نهادن - تمرین کند، آمادگی ندارد به راحتی خود را در برابر خواسته‌های به حق زن و فرزند خویش، مسئول بداند و کمر همت را مردانه ببندد و به کار و تلاش بپردازد؟



اهمیت کودکانه

میزان بالای تخلفات و جرائم و همچنین لزوم اطلاع‌رسانی از قوانین و نحوه اجرای آن، در همه رده‌های سنی موجب شد تا در سال ۱۳۸۶ با همکاری پلیس راهور و مدیران مدارس و دانش‌آموزان، طرح همیار پلیس به عنوان یکی از راه کارهای عملی آموزش مقررات راهنمایی و رانندگی به کودکان به اجرا آید. پس از اجرای این طرح بود که میزان تخلفات تا ۱۷٫۹ درصد کاهش یافت.

ترویج فرهنگ نماز در خانواده و محله، به همکاری همه اهالی مسجد نیاز دارد. برای این کار می‌توان از کودکان و نوجوانان برای اجرای برنامه‌های فرهنگی، تربیتی و اعتقادی مسجد به خوبی استفاده کرد. با این کار، هم می‌توان برای آینده نبروسازی کرد و هم می‌توان کودکان را با اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و شیوه‌های صحیح انجام آن آشنا کرد.

برای اینکه بتوان از این ظرفیت انسانی استفاده کرد، باید آنها را با فرهنگ نماز و وجوب اقامه آن در فرهنگ دینی آشنا کرد و این آشنایی به مقدماتی نیاز دارد:

۱. برگزاری کلاس‌های آموزش نماز: بیان اسرار و آثار نماز در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، روحی و روانی و جسمی، با زبان ساده و در قالب تمثیل و با استفاده از سیره بزرگان.
۲. برگزاری کلاس‌های آموزش احکام: کودکان باید با احکام آشنا باشند. طهارت و نجاست، وضو و مسائل مربوط به آن، از قبیل واجبات و مبطلات، احکام واجبات و مبطلات نماز، از جمله مسائلی هستند که کودکان و نوجوانان باید با آنها آشنا باشند. امروزه کتاب‌های مختلفی این مسائل را با زبان کودکانه و ساده بیان می‌کنند.
۳. برگزاری اردوهای فرهنگی و زیارتی: تأثیر گذارترین برنامه‌های آموزشی تربیتی را در قالب یک اردو می‌توان برگزار کرد و مخاطبان را به طور عملیاتی با بعضی از مسائل آشنا کرد. مسائلی مانند نماز در سفر، آداب زیارت، کمک و همیاری را به راحتی می‌توان در یک اردوی فرهنگی زیارتی آموزش داد.



آسیب‌شناسی
علل بی میلی به نماز
در بانوان جوان

دختران امروز مکادران فلسفه

سعید فیاضی

چرا برخی از جوانان با وجود پذیرش دین اسلام و مسلمان بودن، از انجام تکالیف دینی خودداری می‌کنند؟ چرا دختری که ذاتاً مشتاق دین است، به خواندن نماز بی میلی است؟ این پدیده یکی از مشکلات اساسی امروز جامعه ما است که همواره دغدغه‌هایی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده و تهدیدی جدی برای نسل جوان محسوب می‌شود. پدیده دین‌گریزی و بی میلی به نماز به عنوان یک پدیده اجتماعی، عینی و رفتاری، معلول ماهیت خوددین نیست؛ بلکه علل آن را باید در خارج از قلمرو دین بررسی کرد. اهمیت موضوع از آن جهت است که دختران امروز، مادران فردا هستند و خود باید مجری و مبلغ فرایض دینی باشند تا رشد نسل‌های بعد نیز با معنویت و دین‌عجین گردد. در نظر داریم با تحلیل موضوع و به کارگیری یک پژوهش آماری، علل بی میلی به نماز را در بانوان جوان بررسی کنیم.

۱. عدم شناخت خداوند

در روایتی قدسی خداوند متعال رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبت به خود می‌داند و می‌فرماید: «ای موسی، خطا می‌کند و دروغ می‌گوید آن کس که می‌پندارد مرا دوست دارد، اما همین که شب فرا می‌رسد می‌خوابد. آیا هر محبی سخن گفتن در خلوت با محبوب خود را دوست نمی‌دارد؟»^۱

در یک کار پژوهشی از ۱۴۶ دانش آموز دختر پرسیده شد: اولین طعم شیرین راز و نیاز با خدا را در چند سالگی چشیده‌اید؟ ۴۱ درصد بیان کرده‌اند قبل از تکلیف، ۵۴ درصد از زمان تکلیف و پنج درصد بعد از تکلیف نماز خواندن را شروع کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد اگر نوجوانان از کودکی توسط خانواده یا مربیان، با خدا آشنا شوند و مهر او را درک کنند، درصد زیادی از آنان به نماز روی می‌آورند.

۲. ناآشنایی با فلسفه و معانی عبادت و نماز

جوانی که نمی‌داند

چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفتگوهای مکرر مورد بازگویی قرار می‌گیرد، طبعاً نسبت به این عبادت فاقد انگیزه و رغبت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر بدانی نماز چیست و با چه کسی نجوا و گفتگو می‌کنی، خسته نمی‌شوی و نماز را به پایان نمی‌بری»^۲.

۳. ناآشنایی با نیازهای خود

اگر جوان نیاز به معبود را درک کند و بداند که به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده خداوند است، از پیوند با او در تمامی مقاطع، فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره دریغ نمی‌کند. او نمی‌داند که تمامی گره‌های او باید در نماز و ارتباط با خدا گشوده شود. در برابر چنین گمراهی و نادانی، خداوند متعال به ملائکه خود خطاب می‌کند: «به این بنده من نگاه کنید که چقدر در اشتباه است، او می‌پندارد که نیازهای او به دست غیر من برآورده می‌شود و نمی‌داند که [فقط] من حوائج او را برمی‌آورم»^۳.

۴. گناه و آلودگی

در دعای ابو حمزه ثمالی، امام سجاد علیه السلام به بررسی عوامل بی‌رغبتی به نماز و مناجات پرداخته و به خداوند تبارک و تعالی عرض می‌کند: «خدایا چه شده است که هر گاه با خود می‌گویم که آماده نماز شوم و مناجاتی با تو داشته باشم، کسالت را در هنگام نماز بر من مسلط می‌نمایی؟ و لذت مناجات را از من سلب می‌کنی...»^۴. به این طریق، امام، گناه و آلودگی را از عوامل مهم بی‌رغبتی به نماز معرفی می‌فرماید.

۵. اسوه و الگوهای نامناسب

وجود الگو و سرمشق مناسب، به یادگیری رفتار صحیح می‌انجامد. یعنی باید مدل‌ها و الگوها درست رفتار کنند تا نوجوانان سرمشق رفتاری خوبی داشته باشند و رفتار مناسبی نشان دهند. وقتی از ۲۳۳ دانش آموز دختر پرسیده شد: آیا رسانه‌ها می‌توانند باعث دور کردن جوانان از نماز شوند؟ ۵۱ درصد پاسخ خیر و ۴۹ درصد



با بررسی عوامل فوق، مبرهن می‌گردد که رفع بسیاری از آسیب‌های مؤثر در موضوع نماز، در نهاد خانواده امکان‌پذیر است؛ چنان‌که در تحقیق دیگری که از کارمندان در یک اداره دولتی به عمل آمده، ۹۳ درصد پاسخ‌دهندگان خانواده را مهم‌ترین عامل در ایجاد عادت به نماز در فرزندان دانسته‌اند.



پاسخ بلی داده‌اند. بیشتر کسانی که جواب بلی داده‌اند، از رسانه‌های بیگانه نام برده‌اند.

۶. انتخاب دوستان نامناسب

دوستان نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار جوانان دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فردا تابع عقیده دوست خود هستند؛ پس مواظب باشید که با چه کسی دوست می‌شوید»^۵. وقتی از ۲۴۳ دانش آموز دختر در مقطع راهنمایی پرسیده شد: آیا دوستان شما مشوق نماز جماعت در مدرسه هستند؟ ۶۴ درصد پاسخ بلی و ۳۶ درصد پاسخ خیر دادند. همچنین در پاسخ به سؤال در مسئله نماز، آیا شما تأثیر پذیر هستید یا تأثیر گذار یا هر دو مورد؟ ۲۲ درصد تأثیر پذیر، ۱۱ درصد تأثیر گذار و ۶۷ درصد گزینه هر دو مورد را انتخاب نمودند. این نتایج، میزان تأثیر دوستان بر مسئله نماز و عبادت را به خوبی نشان می‌دهند.

جمع‌بندی

با بررسی عوامل فوق، مبرهن می‌گردد که رفع بسیاری از آسیب‌های مؤثر در موضوع نماز، در نهاد خانواده امکان‌پذیر است؛ چنان‌که در تحقیق دیگری که از کارمندان در یک اداره دولتی به عمل آمده، ۹۳ درصد پاسخ‌دهندگان خانواده را مهم‌ترین عامل در ایجاد عادت به نماز در فرزندان دانسته‌اند.^۶

حال اگر این نکته را که زن بنیان معنوی خانواده است، به این مهم اضافه کنیم، می‌بینیم که ما با یک چرخه متسلسل مواجه هستیم. از یک سو برای ایجاد فهم و فرهنگ نماز در میان دخترانمان به حضور فعال خانواده نیاز مندیم و از سوی دیگر، برای سالم‌سازی نهاد خانواده‌های فردا به تربیت دینی دختران امروز امید داریم.

پی‌نوشت

۱. محمد رضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ص ۲۰۲، ۲۰۴.
۲. همان، ص ۲۰۵.
۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.
۴. میرزای نوری، مستدرک، ج ۲، ص ۶۳.
۵. بررسی نگرش کارکنان وزارت کار نسبت به نماز، پژوهشگر: رضاعلی اکبری معلم، ص ۵۲.

یک مسجد پاکی‌ز

مسجد یکی از مردمی‌ترین پایگاه‌ها برای فعالیت‌های اجتماعی است که هم‌روزه و در سه نوبت مردم جهت اقامه نماز در آن حضور پیدا می‌کنند. خداوند از مسجد به عنوان خانه خود یاد می‌کند و خانه خدا، از هر مکان دیگری به پاکیزگی و طهارت شایسته‌تر است؛ چرا که پاکیزگی و نظافت مساجد، بزرگ‌داشت مسجد و کوتاهی در آن، بی‌احترامی به این مکان مقدس است.

تلاش در حفظ پاکیزگی و نظافت مسجد وظیفه‌ای همگانی است و همه مؤمنان باید برای آن تلاش کنند. بهداشت فیزیکی مسجد را در قسمت‌های مختلف آن باید رعایت کرد. از آنجا که مسجد محلی برای رفت و آمد مردم است و عده زیادی در شبانه‌روز به آنجا مراجعه می‌کنند، عدم رعایت بهداشت فردی و بی‌توجهی به بهداشت و نظافت صحن داخلی مسجد - به خصوص فرش‌ها - می‌تواند در انتقال انواع آلودگی‌ها و بیماری‌های پوستی مؤثر باشد. فرش‌های مسجد در فواصل منظم شست‌وشو داده می‌شوند؛ اما سالی یک بار شستن نمی‌تواند پاسخگوی مراجعات و حضور روزانه در آن باشد. برای کاهش میزان آسیب‌ها می‌توان از راه کارهای راحت و دم‌دستی نیز استفاده کرد تا خطر سرایت آلودگی‌ها کمتر شود.

باید نظر گرفتن اصول بهداشتی، می‌توان یک مکان بهداشتی و سالم را در اختیار نمازگزاران قرار داد که خانواده‌ها با آرامش خاطر در آن حضور یابند. - رعایت بهداشت فردی جهت جلوگیری از آلودگی محیط مسجد؛

- جاروب کردن روزانه و مستمر فرش‌ها با استفاده از جاروبرقی؛

- شست‌وشوی فرش‌های مسجد، حداقل سالی دو بار؛

- شست‌وشوی روزانه دست‌گیره‌ها و نرده‌های مسجد با مواد ضد عفونی‌کننده؛

- استفاده از سجاده‌های رولی سفیدرنگ به منظور جلوگیری از سرایت آلودگی فرش‌ها به دست نمازگزاران؛

- شست‌وشوی هر چند وقت یکبار سجاده‌ها؛

- تمیز کردن و سمباده زدن سطح مهرها؛

- شست‌وشوی تسبیح‌های موجود در مسجد با مواد ضد عفونی‌کننده جهت جلوگیری از آلودگی.

پی‌نوشت

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِاتِّبَانِ الْمَسَاجِدِ؛ فَاتِّبِئُوا بِئِثْمِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ...». شیخ صدوق، امالی، ص ۴۴۰.



زندگی خانوادگی فردی!

جایگاه‌شناسی پرداخت به معنویات در معماری جدید

سعید فیاضی



یادداشت

قرارمان بادکتر می‌شود صبح یک روز تعطیل زمستانی در دفتر کارش؛ جایی در بافت مرکزی و قدیمی شهر. ساختمان، معماری خاصی دارد و فضای سالن حس خاصی را به من می‌دهد. گویا اینجا سابقاً خانه مسکونی دکتر مصدق بوده و معماری داخل هنوز رنگ و بویی از همان روزها را نگه داشته است. محمدخانی به شدت متین و روان صحبت می‌کند و صمیمیت رفتارش فضای گپ و گفت‌مان را خودمانی می‌کند و من می‌توانم هر آنچه را در ذهن دارم، بپرسم و بی‌رودر بایستی بخواهم که جواب‌هایش را ساده کند برای من کم‌اطلاع از معماری.

دکتر امیر محمدخانی، مدیر بنیاد معماری انقلاب اسلامی، دارای دکترای معماری از کشور ایتالیا است و هم‌زمان مدیر بیت مرکز معماری حوزه هنری را بر عهده دارد. در کارنامه اجرایی اش ریاست دانشکده معماری دانشگاه سوره، دبیری مسابقه ملی معماری ایران ۱۴۰۴ و دبیری سمپوزیوم بین‌المللی معماری و شهرسازی هم به چشم می‌خورد.

محمدخانی معتقد است که می‌توان و باید تفکر انقلاب اسلامی را در سبک زندگی و البته معماری بناهایمان بیاوریم و با تأکید می‌گوید: «همه حرف‌ها این است که باید آگاهی اجتماعی را بالا برد؛ یعنی معماری را از دست معماران بیرون بکشیم و به دست

خود مردم بدهیم».

گپ اول را من شروع کردم و از دکتر خواستم برای من مخاطب عام اصلاً معماری بگوید که معماری چیست و اساساً آیا معماری یک مفهوم فرامادی است یا یک اتفاق مادی؟

برای تعریف معماری باید از معماری گذشته گفت و برای گفتن از معماری گذشته باید از معمار گفت. معماری در ایران با ویژگی «اسلامی یا ایرانی و سنتی بودن» در یک نقطه دارای اشتراک است و این نقطه، تعالی‌طلبی است. در معماری گذشته همواره آینده‌آخروی و آسمان‌طلبی به چشم دیده می‌شود. زمینی بودن و در عین حال آسمانی بودن دو ویژگی است که در تعریف معماری ما وجود دارد. می‌توان گفت که معماری در گذشته جایگاهی بیش از سایر علوم مرتبط به انسان داشته است؛ چرا که معماری با خود سبک زندگی را به همراه می‌آورد. معماران ایرانی توانسته‌اند در گذشته معنویت ذهنی و فرزاندگی خود را در آنچه که ساخته‌اند، به کار گرفته و نوعی آرامش و آخرت‌طلبی را در ساخته‌های خود به نمایش بگذارند. سازهای سنتی و اسلامی در معماری گذشته، از ترکیب صحیح «معمار» فرزانه و حکیم و «معماری» دارای نشانه‌هایی از فرزاندگی و منطبق بر سبک زندگی آن روز و پیشرفت بر خوردار بوده است. جالب است بدانید که در گذشته عامه مردم نیز با معماری آشنایی داشتند و سره‌را از ناسره تشخیص می‌دادند. در واقع معماری یک نوع حکمت بوده که همه، برداشتی از آن داشته‌اند و حس زیبایی‌شناسی در عامه مردم کاملاً وجود داشته است.

موضوع بعدی که در گپ و گفت‌مان مطرح می‌شود درباره تأثیر معماری بر رفتار انسان است. یعنی حال که معماری بر گرفته از مفاهیمی غیرمادی است، آیا می‌تواند بر رفتار و سبک زندگی انسان مؤثر باشد؟

هم‌اندیشمندان غربی و هم‌حکمای قدیم ایران در این موضوع اتفاق نظر جدی دارند و آن تأثیر فضا بر انسان است. به نظر من معماری طراحی زندگی انسان‌ها و در حقیقت، طراحی سبک زندگی انسان است. به قول معمارها «ما شهرها را می‌سازیم و شهرها ما را می‌سازند». موضوع فرهنگ تکنولوژی هم که الان به شدت در غرب بر روی آن کار می‌کنند، باز در راستای اثبات همین بحث است که تکنولوژی در ذات خودش ماهیتی دارد که بر رفتار جسم مؤثر است. البته اینها از نگاه دینی ما کاملاً قابل فهم است. منتها برای غرب مسئله جدیدی است. در ادبیات علمی روان‌شناسی این اصل را داریم که شخصیت انسان بر سه موضوع مبتنی است: تربیت، محیط، ژنتیک. معماری یکی از پارامترهای مهم محیط است.

حالا مسکن را تعریف و چپستی آن را بررسی می‌کنیم:

در گذشته دینی ما مسکن با هدف حیات و البته حیات طیبه ساخته می‌شده است. با این زاویه نگاه، معمار گذشته مادر تک‌تک اجزای بنائی که می‌ساخته، این روح معنوی را لحاظ می‌کرده و معتقد بوده که ساکن این مسکن باید به تعالی معنوی برسد. اما در تفکر غرب که متأسفانه معماری این روزهای شهرها و خانه‌های ما از آن به شدت تأثیر پذیرفته،

مسکن معنای متفاوتی پیدا کرده است. ما اتاق خواب داریم، اتاق پذیرایی داریم، سوئیت داریم و ... که همه برای نیازهای مادی ما است. حتی پنجره هم طوری تعبیه می‌شود که به ما روشنایی و نور بدهد؛ همین. حداکثر اینکه پنجره طوری تعبیه می‌شود که منظره خوبی از واقعیت را به ما نشان دهد؛ واقعیت و نه حقیقت! یک منظره این جهانی و نه آن جهانی! در معماری گذشته پنجره‌اُرسی بود که تفسیری از آن جهان و حقایق عالم را به ما می‌داد؛ ولی الان پنجره فقط یک مجر است برای دیدن واقعیت‌های پیرامون و این برگرفته از مکتب رئالیسمی است که در غرب حاکم است. آنچه معماری قرن بیستم غرب به ما داده، جدایی زمین است از آسمان؛ و این یعنی سکولاریسم! در واقع سکولاریسم در همه چیز صورت می‌گیرد و در معماری نیز خود را نشان می‌دهد و می‌خواهد آن جهان را از این جهان جدا کند و اتفاقاً چون می‌خواهند جدا کنند، سبک رئال را به وجود می‌آورند. یعنی پرداختن به واقعیت صرف.

پرسیدم با این اوصاف آسیب‌شناسی مسکن الان چطور است؟ یعنی حال که معماری، طراحی سبک زندگی است و معماری خانه رفتار اهالی خانه را می‌سازد، معماری خانه‌های امروزی چه آدم‌هایی را با چه رفتارهایی به ما تحویل می‌دهد؟

سؤال بسیار خوب و دقیقی است. بگذارید ببینیم خانه امروز ما چطور شکل می‌گیرد، بعد ببینیم چه تأثیری خواهد گذاشت. در ساخت خانه امروز نگاه معماری این‌گونه است: اولاً زمینی را در اختیار معمار می‌گذارند که یک بر جنوبی و آفتاب‌گیر دارد که پنجره‌های خوبی می‌دهد. در ساختمان‌های امروزی اتاق خواب‌ها را در همین بر طراحی می‌کنند.

مرحله بعد طراحی جای آشپزخانه است و با این تفسیر که کسی که خرید می‌کند، سریع دستش را خالی کند؛ لذا آشپزخانه را نزدیک‌ترین جا به در ورودی طراحی می‌کنند. دقت کنید؛ محلی که زن مسلمان ایرانی بعضاً بیشترین زمانش را در طول روز آنجا است، بارانداز خانه می‌دانند. در معماری سنتی ما چون پوشش و کنار بودن محل فعالیت زن مطرح و مهم بوده، آشپزخانه در مکان دیگری جانمایی می‌شد؛ اما جهان بینی غربی تعریف دیگری دارد و جانمایی مکان‌ها در خانه نیز طبیعتاً برگرفته از همان جهان بینی است. سرویس بهداشتی در نزدیک‌ترین مکان به آشپزخانه طراحی می‌شود که نزدیک این دو فضا به یکدیگر تأمل برانگیز است.

مرحله بعد طراحی یک جای عالی برای مهمان است. یک فضای خوب برای اتاق پذیرایی آماده می‌شود با نور مناسب و شاید تراس. حالا سؤال اینجا است که از این فضای خوب در سال چند ساعت استفاده می‌شود؟

حالا آنچه در این طراحی می‌ماند چیست؟ اتاق نشیمن. هر جا که مانده و با هر نورگیری ممکن، اتاق نشیمن را طراحی می‌کنند؛ یعنی جایی است که از طراحی بقیه مراحل بجا مانده است. تعریف این فضای بی‌قواره چیست؟ اتاق نشیمن، محل نشست و گفت‌مان و تعامل خانوادگی است. یعنی جایی که قرار است پدر با فرزندان صحبت کند، زن و شوهر حرف هم را بشنوند، بچه‌ها با هم گپ بزنند. نکته بدتر اینکه این فضای تنگ

و تاریک طوری چیدمان می‌شود که تلویزیون در مرکزیت قرار می‌گیرد. فضا هم که کم نور است، نتیجه اینکه بنیاد روابط خانواده قرار است در یک سینما شکل گیرد!

چه می‌شود؟ بچه‌ها به جای این محیط تنگ و تاریک در اتاق خواب خود که اتفاقاً نور خوب و چیدمان خوبی دارد، زندگی می‌کنند؛ یعنی زندگی خانوادگی فردی!

خانواده در جایی ساکن می‌شود که کسی با کسی ارتباط ندارد و گفتگویی بین اعضای خانواده شکل نمی‌گیرد.

آیا در این خانواده امکان طلاق بیشتر نیست؟ اختلاف بین افراد به دلیل جدا بودن از همدیگر بیشتر نیست؟ چند کلمه با هم حرف می‌زنند؟ آیا باعث جدا شدن فرزندها از خانواده نیست؟ آیا چنین مسکنی منشأً لاقبل برخی از مشکلات اجتماعی نیست؟ آیا این مسکن باعث از بین رفتن فرهنگ گفتگو که در اجتماع با آن مواجهیم نمی‌شود؟ آیا تجربه‌گرایی صرف در نسل جدید و عدم انتقال تجربه پدر و مادرها به فرزندان، در چنین مسکن‌هایی بیشتر نیست؟ این چنین مسکنی فهرست بلندبالایی از مشکلات و معضلات به ما تحویل می‌دهد.

این تأثیری است که مسکن و نوع چیدمان آن بر ما و رفتار ما می‌گذارد و این ار مغان غرب است. متأسفانه در برهه‌ای از زمان، مادر استفاده از آن مشتاق‌تر از غرب هستیم که پیامدهای آن را در خانه و خارج از خانه و اجتماع به وضوح می‌بینیم!

جناب دکتر، حالا چه باید کرد؟

برگشت مجدد به معنویت؛ با توضیحاتی که داده شد، حتی معنویت نیز به فضا نیاز دارد و در روایات ما بر این موضوع تأکید شده که باید برای عبادت در خانه جایی قرار داد. از منظر روان‌شناسی هم می‌گویند ذهن شرطی می‌شود و تمرکز بیشتری دارد. بنابراین خانه بر اعضای خانواده به خصوص فرزندان - تأثیر آموزشی و تربیتی دارد.

چگونگی‌اش را به سلاطین افراد می‌سپاریم. حداقلش پهن کردن یک سجاده است. جزئیات را خانواده با تعامل و گفتگو با بچه‌ها تعیین کنند. البته پیدا کردن جایی برای عبادت راحت‌تر از پیدا کردن جایی برای خوابیدن، جایی برای پذیرایی، جایی برای تلویزیون و ... است. مهم این است که نوع نگاه ما متفاوت شود و به اهمیت موضوع پی ببریم.

حرف پایانی

ایجاد معنویت و برقراری ارتباط با خدا در منزل، نیازمند مکان است و این مکان، رفتار اهالی خانه را معنوی می‌کند.



در معماری گذشته همواره آینده‌آخروی و آسمان‌طلبی به چشم دیده می‌شود. زمینی بودن و در عین حال آسمانی بودن دو ویژگی است که در تعریف معماری ما وجود دارد.





نماز مادرانه

راهکارهای ترویج نماز در فرزندان

مهدی عبداللهی



پس از مسئلهٔ وراثت، عواملی چون اطرافیان و محیط در تربیت و القا مفاهیم دینی به فرزندان نقشی اساسی بازی می‌کنند. در این میان، تأثیر پدر و مادر در تربیت فرزندان، هم وراثتی و هم محیطی می‌باشد. پدر و مادر در خط مشی، افکار، آداب و رسوم، سنت‌ها و شعائر و ده‌ها گزارهٔ دینی و هویتی دیگر فرزندان خود تأثیر مستقیم و اساسی دارند؛ اما مادر به علت حضور کمتر پدر در محیط خانه و روح لطیف و مهر مادرانه‌اش، نقش اصلی را ایفا می‌کند. در این مجال کوتاه به راهکارهایی پرداخته خواهد شد که یک زن به عنوان مادر خانه برای تشویق و ایجاد علاقه فرزندان به نماز می‌تواند از آنها بهره گیرد.

۱. فضاسازی مناسب و جذاب برای اقامه نماز

ویترین مناسب و ظاهر زیبا، یکی از عوامل جذب به شمار می‌رود. مادر خانه با ذوق سرشار خویش می‌تواند مطابق میل و خواسته کودک برای او به تناسب پسر یا دختر بودنش، مکانی مناسب، سجاده‌ای زیبا، مهر و تسبیح، عطر، لباس مناسب، مقنعه و چادر زیبا تهیه کند. بهتر است ابتدا فضای برگزاری نماز را برای کودک خوشایند کنیم، سپس او را به اقامه این فریضه تشویق کنیم.

۲. نماز خواندن در حضور فرزندان

مشاهده رفتار و همانندسازی، یکی از تأثیرگذارترین روش‌های یادگیری است. مشاهده مادر یا پدر به هنگام نماز خواندن، تأثیر شگرفی بر کودک می‌گذارد. امام حسن مجتبی علیه السلام در دوران کودکی بسیار با عبادت‌های مادرشان مأنوس بودند. ایشان می‌فرمود: «در دنیا کسی عابدتر از مادرم

حضرت فاطمه نبود. آن قدر به عبادت می‌ایستاد تا پاهایش ورم می‌کرد»^۱. از این حدیث چنین برمی‌آید که امام حسن علیه السلام همواره شاهد رفتار مادر بوده و رفتارهای مذهبی در وجود مبارکش تبلور یافته است.

۳. چاشنی محبت

در برنامه‌های تربیتی تا جذب و انجذابی بین مربی و متربی نباشد، تغییر رفتار به وجود نخواهد آمد. لقمان حکیم در مقام یک پدر وقتی می‌خواست فرزندش را به نماز دعوت کند، گفت: «یا بنی اقم الصلوه»^۲ ای پسر کوچک من، نماز را بر پدرار. به طور حتم نقش عاطفی مادر می‌تواند بسیار پررنگ‌تر و عمیق‌تر و تأثیرگذارتر از پدر باشد.

۴. دعوت از فرزندان برای گفتن اذان

در احادیث سفارش شده در خانه‌های پتان اذان بگویند تا شیطان طرد شده و فرزندان با این نغمه ملکوتی آشنا شوند. دعوت از فرزندان برای گفتن اذان در انظار دیگران، موجب تقویت خودباوری و اعتماد به نفس آنان می‌شود. در این میان نماز جماعت خانگی را هم نباید یاد برد.

۵. تشویق

تشویق در هر سنی شرایط خودش را دارد. برای مثال ساده‌ترین نوع تشویق در فضای خانه می‌تواند بازگو کردن اتفاقات نمازی در منزل برای پدر خانه و بستگان و دوستان توسط مادر باشد. یادآوری اتفاقاتی مانند خواندن نماز توسط فرزند کوچک‌تر، ایفای نقش مکبر توسط فرزند بزرگ‌تر و گفتن اذان به وسیلهٔ فرزند نوجوان بین آنها، موجب می‌شود فرزندان با نماز پیوند بیشتری برقرار سازند.

۶. آراستگی مادر

لباس زیبا و آرایش مادر به هنگام نماز (که مستحب است) سبب گرایش دختران به نماز می‌شود. اگر از دختری پرسند عروسی را بیشتر دوست داری یا عزا؟ می‌گوید: عروسی را بیشتر دوست دارم؛ زیرا در عروسی لباس زیبا می‌پوشند و دختر از آنجا که به آرایش علاقه‌مند است، همین که دید مادرش به هنگام نماز تغییر لباس و آرایش می‌دهد، او هم به نماز شوق بیشتری پیدا می‌کند. شایسته است یک مادر دلسوز گاهی به پدری که خسته از کار و زحمت روزانه به منزل می‌آید، پوشیدن لباس زیبا و مرتب به هنگام نماز را یادآور شود.

۷. زمینه‌رفت و آمد با دوستان نماز گزار

تو اول بگو یا کیان زیستی
تا من بگویم تو کیستی
دوستان فرزندان ما، از جهات دینی، فرهنگی و خانوادگی

در تربیت او دخیل هستند. در این میان مادر تیزبین، نماز را جزء اولویت‌ها و ملاک‌های ارتباط فرزند خود با دوستانش قرار می‌دهد. مادر از پدر خانه بخواهد گاهی در تفریحات فرزندان و دوستان آنها شرکت کند و در این تفریح، به نماز اول وقت اهمیت دهند. در خاطرات امام خمینی آمده است هر گاه دوستان و شاگردان پیشنهاد تفریح خارج از شهر می‌دادند، ایشان می‌فرمود: به دو شرط می‌آیم: ۱. نماز اول وقت فراموش نشود؛ ۲. هیچ کس حق غیبت ندارد.

۸. رفت و آمد به مسجد

امام رضا علیه السلام فرمود: «کسی که همواره به مسجد (برای اقامه نماز و غیره) رفت و آمد کند، یکی از این هشت فایده به او می‌رسد: استفاده از آیه روشنی از قرآن، یافتن رفیق نیک، فراگیری علم تازه، برخورداری از رحمتی که در انتظارش بود، شنیدن سخنی که راهنمای راه باشد، در امان ماندن از انحراف، ترک گناه از روی حیا یا ترس»^۳. مادر خانه با توجه فواید رفت و آمد به مسجد، زمینه مسجدی شدن فرزندان را فراهم آورد.

۹. توجه به اقامه نماز در اول وقت

اگر هیچ یک از اعضای خانواده نمازشان را اول وقت نمی‌خوانند، مادر خانه به خواندن نماز اول وقت اهتمام بورزد. به طور حتم تنقید مادر به نماز اول وقت در ضمیر ناخودآگاه فرزندان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

۱۰. ارتباط خانوادگی توأم با تفریح و عبادت

ارتباطات خانوادگی می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید به شمار رود. مادر خانه می‌تواند در یک برنامه از پیش تنظیم شده و با یاری همسرش، به همراه خانواده دوستان فرزندان یا بستگان خود به تفریح یا رعایت نماز اول وقت بروند. شهید بهشتی گاهی تمام دوستان خود، همسر و فرزندان‌شان را برای تفریح به باغات اطراف برده و با آنها گفتگو می‌کرد. ایشان با ایجاد محیطی شاد و حساب شده بیان می‌داشت: نباید بچه‌های مذهبی و مسجدی و انقلابی احساس کنند مذهبی شدن یعنی محروم شدن.

پی‌نوشت

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۶۱.

۲. لقمان: ۱۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۸.



زیارتگاه

معرفی بانک جامع امامزادگان ایران

حمید حاج امینی

پیامکی به شمارهٔ (هزارصدصدهزار = ۱۰۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۰) معرفی شده که به سؤالات دربارهٔ امامزادگان پاسخ می‌گوید. «پیشنهادات»؛ ۱۵۸ راهکار متنوع برای بهره‌وری بیشتر و همه‌جانبه از امامزادگان ارائه می‌دهد.

محتوای این قسمت، ۳۲۶ صفحه‌از کل ۲۵۵۱ صفحهٔ این نرم‌افزار را در بر گرفته است و می‌تواند بسیاری از شبهاتی را پاسخ گو باشد که امروزه فرقه‌هایی نظیر وهابیت در باب زیارت ائمه و امامزادگان مطرح می‌کنند.

بخش دوم و اصلی نرم‌افزار به معرفی امامزادگان و علاوه بر آن، به معرفی اولیا و عرفای صاحب بقعه در ایران می‌پردازد. این آستان‌های مبارک به تفکیک ۳۱ استان، در ۳۱ بخش، و سپس به ترتیب شهرهای هر استان معرفی شده است. پیش از معرفی امامزادگان نیز اطلاعاتی کلی و مفید دربارهٔ هر استان آمده است؛ از «موقعیت جغرافیایی» و «پیشینهٔ تاریخی» هر استان گرفته تا «اقوام و زبان»، «موقعیت اقتصادی و اجتماعی»، «سوغات»، «جاذبه‌های طبیعی و گردش‌گری» و «جاذبه‌های تاریخی» آن استان.

در معرفی امامزادگان، اطلاعاتی دربارهٔ شخصیت آن امامزاده و نیز مطالبی تاریخی دربارهٔ ساختمان بارگاه وی، به همراه اطلاعاتی به‌روز از مراحل بازسازی یا مرمت آن، عرضه شده است.

در سراسر این نرم‌افزار در پایان هر مطلب، منبع آن مطلب - که بیشتر پایگاه‌های اینترنتی است - ذکر شده است.

با این توضیحات به‌دست می‌آید که این نرم‌افزار، فراتر از اینکه بانکی جامع در معرفی امامزادگان است، می‌تواند برای طیف‌های مختلفی مفید باشد؛ از مبلغان دینی گرفته تا گردشگران و علاقه‌مندان به مسائل اقتصادی و جغرافیایی و تاریخی و مذهبی و حتی برای دانش‌آموزانی که برای نوشتن تحقیق کلاسی به مطالب متنوعی از این دست نیاز دارند.

یکی از افتخارات ما ایرانیان، میزبانی از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. وجود بارگاه‌های بی‌شماری از امامزادگان در سراسر ایران زمین، شاهدین ادعاست. هر زائر، گذشته از ارادتی که به صاحب هر یک از این آستان‌های مبارک دارد، همواره ایهام و پرسشی هم دربارهٔ شخصیت و زندگی او دارد و دوست دارد بیشتر از او بداند و با او آشنا شود. به همین دلیل اگر کتیبه‌ای بر سنگ و کاشی باشد، به آن چشم می‌دوزد و اگر لوحی بر دیوار نصب شده باشد، می‌کوشد در خطوط گاه‌نه‌چندان خوانای آن، ردی از نسل و نسب آن امامزاده بیابد و دست کم دریابد و بداند که این صاحب بقعه، فرزند یا نوادهٔ کدام امام معصوم بوده و با چند واسطه به ایشان می‌رسد.

«مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان» در پاسخ به این نیاز، نرم‌افزاری را برای تلفن‌های همراه و رایانه به نام «بانک جامع امامزادگان ایران» طراحی کرده است. بخش نخست این نرم‌افزار با عنوان «دانستنی‌ها»، هفت سرفصل را در بر می‌گیرد:

۱. «زیارت»؛ این قسمت مقولهٔ زیارت را از دیدگاه آیات قرآن، روایات اهل بیت و نیز از منظر بزرگان شیعه و اهل سنت بررسی می‌کند.
۲. «احکام»؛ حاوی احکام و استفتائات یازده نفر از مراجع معظم تقلید در باب مسجد، زیارت و وقف است.
۳. «آداب زیارت»؛ آداب و فضایل زیارت ائمه و امامزادگان را بیان می‌کند.
۴. «اثر زیارت»؛ آثار و فواید و برکات زیارت اولیاء الله را از دیدگاه قرآن و سنت بررسی می‌کند.
۵. «پرسش‌ها»؛ مجموعاً به چهار شبهه و ۳۴ پرسش در موضوع «امامزاده‌ها»، «زیارت» و «احکام شرعی زیارت امامزاده‌ها» پاسخ می‌دهد.
۶. «ایامی دانید که...»؛ در این قسمت ۲۳ نکته دربارهٔ امامزادگان و زیارت و مباحث مربوط به آن ذکر شده و در پایان سامانه‌ای



محراب ◀ کتابخانه مسجد

این گونه پاسخ دهید

حمید حاج امینی



آیا تاکنون با این سؤال مواجه شده‌اید: اگر خداوند بی‌نیاز است، چرا از ما می‌خواهد نماز بخوانیم؟ یا این سؤال چطور: چرا وضع مادی کسانی که اهل نماز و اطاعت از خدا نیستند، بهتر از کسانی است که اهل نماز و عبادتند؟ یا این سؤال: چرا باید قبل از نماز وضو بگیریم؟ آیا اگر پیش از نماز حمام برویم، کافی نیست؟ یا این پرسش: خداوند که با همه محرم است، پس چرا خانم‌ها باید در نماز حجاب کامل داشته باشند؟

این پرسش‌ها و امثال آن - که به احتمال زیاد تا به حال با نمونه‌هایی از آن روبه‌رو شده‌اید - به طور طبیعی به ذهن جستجوگر افراد، به ویژه جوانان، می‌رسد. چگونه باید به این دست پرسش‌ها پاسخ داد و ذهن تشنهٔ مخاطب را با معارف و حیاتی سیراب کرد؟

چگونه به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهیم: به فرمودهٔ قرآن، نماز بازدارندهٔ از فحشا و منکر است؛ پس چرا بعضی افراد اهل نماز، گناه می‌کنند؟ با این حال، بهتر نیست ما نماز بخوانیم و گناه هم نکنیم؟ اگر نماز برای این است که نماز گزار به کمال برسد، نمازهای استیجاری چیست؟ نماز خواندن پیامبر چگونه بود؟ این گونه که اکنون شیعه می‌خوانند یا آن گونه که اهل سنت؟ به چه دلیل؟ چگونه در نماز تیر را از پای امیر مؤمنان (علیه السلام) در آوردند و ایشان متوجه نشدند؛ ولی در حال رکوع متوجه حضور سائل شدند و انگشترشان را به او بخشیدند؟

کتاب/ این گونه پاسخ دهید شیوه‌های پاسخ‌گویی مؤثر (با محوریت معارف نماز)، به قلم سه تن از دانش‌آموختگان حوزهٔ علمیهٔ قم؛ سید حسن هاشمی جزئی، ابوالفضل جعفری پور و محمدرضا آتشین صدف، کوشیده است به این دو نیاز پاسخ گوید. یعنی هم به طور کلی اصول پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذهبی را بیان کند و هم با تکیه بر این اصول، به برخی از پرسش‌های مهم و پرتکرار دربارهٔ نماز پاسخ گوید.

کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است. بخش اول که «روش‌ها و اصول پاسخ‌گویی مؤثر» نام دارد، در چهار فصل (حدود پنجاه صفحه)، با تکیه بر آیات و روایات و بیان مثال‌های زنده و کاربردی، محورهای اصلی در فرآیند یک پرسش و پاسخ را بررسی می‌کند. نخست اینکه پرسش چه فرقی با شبهه دارد و پرسش و پاسخ چه ضرورت و اهمیت و آثاری دارد و ترک آن چه پیامدهای ناخوشایندی. در فصل دوم، اموری چون فروتنی،

رجوع به متخصص، انگیزهٔ سالم، نیکو پرسیدن و تعادل در پرسش، به عنوان ویژگی‌های پرسش‌گر خوب، مطرح و با عباراتی کوتاه توضیح داده شده است.

فصل بعدی پاسخ‌گویی خوب را معرفی می‌کند. شانزده ویژگی زیر عنوان «صفات کلی» برای یک پاسخ‌گویی خوب بیان شده است؛ مثل آگاهی کافی، اخلاص و تهذیب نفس، شرح صدر، پرهیز از پاسخ‌های نارسا، خلاصه‌گویی و منبع‌شناسی. ۳۱ نکته هم زیر عنوان «آداب بایستهٔ پاسخ‌گویی» بیان شده است؛ مثل آغاز با نام و ستایش خدا، گوش کردن به سؤال با دقت کامل، پرهیز از پاسخ‌گویی بی‌درنگ، پرهیز از پرخاش‌گری، پرهیز گرفتن از مثال و داستان، و تشکر از پرسش‌گر. در قسمت پایانی این فصل هم «امور مؤثر در موفقیت پاسخ‌گو» به اختصار بیان شده است.

آخرین فصل از بخش نخست کتاب، «این گونه پاسخ دهیم» نام دارد که سیزده نکتهٔ کاربردی در پاسخ‌گویی موفق به یک پرسش‌گر را بیان می‌کند؛ مثل اینکه پاسخ‌گو ابتدا باید زمینه و انگیزهٔ پرسش را بشناسد. دیگر اینکه مطمئن باشد پرسش را به درستی دریافت کرده است و در صورت نیاز، باید پرسش مخاطب را تصحیح کند. روش «بارش فکری» نیز توصیهٔ جالبی است که در اینجا مطرح شده است. آگاهی از پیشینهٔ پرسش و مطالعهٔ پاسخ‌های پیشتر داده شده و دسته‌بندی آنها، از دیگر نکات است.

بخش دوم کتاب که حجم عمدهٔ آن را به خود اختصاص داده (در حدود سیصد صفحه) با عنوان «پاسخ به سؤال‌های پرتکرار دربارهٔ نماز» مهم‌ترین پرسش‌های مرتبط با نماز را (در مجموع ۸۱ پرسش) در نه عنوان دسته‌بندی کرده و هر دسته را به همراه پاسخ‌های کارشناسی آن، در فصلی جداگانه بیان کرده است. برخی از این پرسش‌ها در آغاز این نوشته بیان شد. عنوان این نه فصل به ترتیب از این قرار است: «چرا نماز بخوانیم؟»، «چرا این گونه نماز بخوانیم؟»، «نماز خواندن چه اثری دارد؟»، «نماز پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) چگونه بوده؟»، «چه کنیم در نماز حضور قلب داشته باشیم؟»، «تعقیبات نماز چه آثار و اسراری دارد؟»، «چرا این همه به مسجد رفتن تأکید شده است؟»، «تارک نماز به چه کسی گفته می‌شود؟ آثار ترک نماز چیست؟»، «چگونه فرزند و همسر مرا به نماز علاقه‌مند کنم؟».

پرهیز از آوردن عبارات‌های طولانی آیات و روایات در متن و ذکر آن در پاورقی، اختصار و نیز بیان مثال‌های متعدد، از ویژگی‌های این کتاب است. مرکز تخصصی ستاد اقامهٔ نماز، این کتاب را در سال ۱۳۹۲ در ۳۷۷ صفحهٔ قطع رقعی با قیمت نه هزار تومان، به بازار نشر عرضه کرده است.

شبستان

مسجد / شماره ۱۸۲ / اسفندماه ۱۳۹۳

دو حادثه و چهار رویکرد!

در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۹۳، خبری به خبرگزاری‌های جهان مخابره شد: حمله تروریستی به دفتر نشریه شارلی ابدو در فرانسه. در این حمله دوازده نفر کشته و ده نفر زخمی شدند. این رخداد بعد از جنگ الجزایر در سال ۱۹۶۱، مرگبارترین و بدترین واقعه در زمان صلح فرانسه به شمار می‌رود.

گذشته از مسائل پشت پردهٔ چنین حادثه‌ای و انگیزه‌های واقعی قاتلان این رخداد و گذشته از اتحاد جبهه باطل در مقابل چنین حوادثی علیه اسلام، رویکرد و برخوردنای اسلام چه در محدوده دولت‌های اسلامی و چه در محدوده مسلمانان قابل توجه است. سیزده روز بعد از وقوع این حادثه رهبر فرزانه انقلاب با ارسال نامه‌ای خطاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی، ذهن کنجکاو آنان را با سؤال‌هایی اساسی و چالش برانگیز مواجه ساخت. در اینجا سخن از محتوای نامه پدران اینسان به جوانان اروپا و امریکا نیست؛ بلکه توجه دادن به منش و روش یک رهبر عالی مرتبه دینی و سیاسی، در برخورد با چالش‌هایی است که اسلام، مسلمانان یا حتی مستضعفان با آن روبه‌رو هستند. از طرف دیگر در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۹۳ خبرگزاری‌ها در گذشت پادشاه عربستان را در صدر اخبار خود قرار دادند؛ حادثه‌ای که آن هم با عکس‌العمل‌های مختلف روبه‌رو شد. عده‌ای را به سوگ نشاند و عده‌ای را به شادی و کفو و سوت واداشت. باز هم گذشته از شخصیت ملک عبدالله و فعالیت‌های وی و گذشته از تفکرات او، عکس‌العمل عقلانی با این واقعه چه بود؟ آیا تبریک گفتن به مناسبت مرگ وی کاری پسندیده به شمار می‌رفت؟ اگر قدرت تشخیص نداریم، لااقل به دهان بزرگان چشم بدوزیم که در این گونه موارد چگونه برخورد می‌کنند. «ما متأسفانه دیدیم که برخی افراد در هنگام وفات و لبعهد عربستان در کنار سفارت آن کشور شیرینی بخش کردند که این کار به دور از ادب اجتماعی بود؛ چرا که این کار نه مستحب بود و نه واجب!... ما در مقابل دولت عربستان موضع مشخصی داریم؛ اما در هنگام وفات یک شخص باید ادب اجتماعی را در رفتارهای خود بکنجانیم تا این رفتارهای ما بر روند ایجاد تقارب در بین ادیان و مذاهب تأثیر منفی نگذارد».

پی‌نوشت

۱. آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با رئیس سازمان حج و زیارت کشور: ۱۳۹۱/۹/۸.



 <p>۵۴</p>	 <p>۵۶</p>	 <p>۵۸</p>	<p>۶۰</p> <p>آثار و نتایج احیای مکتب اجتهاد</p>
 <p>۶۰</p>	 <p>۶۲</p>	<p>۶۳</p> <p>مروری بر اخلاق پرستاری</p>	 <p>۶۴</p>
 <p>۶۵</p>	 <p>۶۶</p>	 <p>۶۷</p>	 <p>۶۸</p>
 <p>۷۰</p>	 <p>۷۲</p>		



نیمه شب، اشک، عزا، آه چه غوغا شده بود..... مجلس ختم علی بود که برپا شده بود

گوشه‌ای از شخصیت صدیق کبریا (علیه السلام) در کلام رهبر فرزانه

به کوشش حمید شکاری



و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نبود، او صدیق کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هر چه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ میشود صدیق؛ «اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین»^۲. «صدیقین» پشت سر «نبیین» اند. این بزرگوار صدیق کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی‌کرد، صدیق کبری نمی‌شد. اساس، بندگی خداست (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مداحان؛ ۱۳۸۴/۰۵/۰۵).

بانوی نوروسربلندی

در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باعث می‌شود تا چشمان کربویان مالأعلی خیره شود: «زهرتورها للملائكة السماء».^۳ برای آنها می‌درخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده‌ای بکنیم؟ ما باید از این ستاره درخشان، راه به سوی خدا و راه بندگی را که راه راست است و فاطمه زهرا (علیه السلام) پیمود و به آن مدارج عالی رسید، پیدا کنیم. اگر می‌بینید خدا خمیره او را هم خمیره متعالی قرار داده است، به این دلیل است که می‌دانست این موجود در عالم ماده و عالم ناسوت، خوب از امتحان بیرون خواهد آمد؛ «متحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره»؛^۴ قضیه این است.

آن حضرت چه در دوران مکّه، چه در دوران شعبابی طالب به

آن همه سختی‌ها که داشت - و چه آن هنگام که مادرش خدیجه از دنیا رفت و پیغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غمخوار پدر بود. دل پیغمبر در مدت کوتاهی با دو حادثه وفات خدیجه و وفات ابی طالب شکست. به فاصله کمی این دو شخصیت از دست پیغمبر رفتند و پیغمبر احساس تهیایی کرد. فاطمه زهرا (علیه السلام) در آن روزها قد برافراشت و با دست‌های کوچک خود غبار محنت را از چهره پیغمبر زدود. ام‌ابیه‌ها؛ تسلی بخش پیغمبر. این کنیت از آن ایام نشئت گرفت (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مداحان؛ ۱۳۷۳/۰۹/۰۳).

بانوی علم و عمل

این مسائل معنوی تا حدود زیادی به فضایل عملی ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی به آنچه که از تلاش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ناشی می‌شود. [این مقامات را] مفت نمی‌دهند و بدون دلیل نمی‌بخشند. عمل انسان - در حد بالای - در احراز فضایل و مناقب تأثیر می‌کند. دختری که در کوره گذاخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی طالب یار و یغمگسار پدر بود. دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله - بنا بر اختلاف روایات، کمتر و بیشتر - در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمل کرد. پیغمبر تنها است، بی غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزداید؟ یک وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و سرما و

گرمای دوران سه‌ساله شعب ابی طالب که از دوران‌های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در ذره‌ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می‌کردند؛ این دختر مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بردوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینها است آن ویژگی‌هایی که آدمی را به کمال می‌رساند. بعد هم در دوران پس از هجرت، در آغاز سنین تکلیف، وقتی فاطمه زهرا (علیه السلام) بنی‌طالب (علیه الصلاة والسلام)، ازدواج می‌کند، آن مهریه و آن جهیزیه او است که همه شاید می‌دانید که با چه سادگی و وضع فقیرانه‌ای، دختر اول شخص دنیای اسلام، ازدواج خود را بر گزار می‌کند (بیانات رهبری در دیدار جمعی از زنان؛ ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

بانویی در تمام ابعاد

شخصیت زهرا (علیه السلام) در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به طوری که همه زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختی‌های مبارزه دوران مکّه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه مکّه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی‌سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه

زهرا و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هیچ سالی، بلکه هیچ نیم‌سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله بسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد. اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه زهرا (علیه السلام) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است. کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «یا علی... انت قائد المؤمنین الی الجنة... وفاطمة قد اقبلت یوم القیامة...» یعنی در روز قیامت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) مردان مؤمن را و فاطمه زهرا (علیه السلام) زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی می‌کنند. او، عدل و همپایه و همسنگ امیرالمؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته مقرب خدا، به او خطاب و سلام می‌کردند و تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را بیان می‌کردند که فرشتگان، قبلاً به مریم اطهر گفته بودند؛ عرض می‌کردند: «یا فاطمة ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین».^۵ این، مقام معنوی فاطمه زهرا است (بیانات رهبری در دیدار با جمع کثیری از بانوان؛ ۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

بانوی جهاد و مقاومت

جهاد آن بزرگوار در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام؛ در دفاع از امامت و ولایت؛ در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود. امیرالمؤمنین در باره فاطمه زهرا (علیه السلام) فرمود: «ما اغضبنی ولا خرج من

امری».^۶ یک بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یکبار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه زهرا (علیه السلام) با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والا است. آن خطبه‌ای که فاطمه زهرا (علیه السلام) در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته علامه مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!». این قدر پرمغز است! از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است (بیانات رهبری در دیدار جمعی از زنان؛ ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

درس زندگی

درس زندگی صدیق طاهره، فاطمه زهرا (علیه السلام) این است برای ما: تلاش، اجتهاد، کوشش، پاک زندگی کردن؛ همچنان که آن بزرگوار یکبار چه معنویّت و نور و صفا بود: «الطّهرة الظاهرة المظهرة الثقیة الثقیة الرضیة»^۷ پاک و آراستگی و تقوا و نورانیت آن بزرگوار، همان چیزی است که در طول تاریخ تشیع بر معارف ما سایه افکن بوده است (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم السلام)؛ ۱۳۹۳/۰۱/۳۱).

پی‌نوشت

۱. ابن اثیر جزری در کتاب جامع الاصول، در جلد نهم درباره حضرت زهرا (علیه السلام) چنین آورده است: «كانت کلمة دخلت علی ابیها قام الیهما. به نقل از: عبدالله فاطمی نیا، نکته‌ها از گفته‌ها، ص ۱۸.
۲. نساء، ۶۹.
۳. شیخ صدوق، امالی، مجلس ۲۴، ص ۹۹.
۴. زیارت حضرت زهرا (علیه السلام) در روز یکشنبه.
۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۴.
۶. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۱۸۲.
۷. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۳.
۸. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳.



یک بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یکبار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والا است.



این مسائل معنوی تا حدود زیادی به فضایل عملی ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی به آنچه که از تلاش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ناشی می‌شود. [این مقامات را] مفت نمی‌دهند و بدون دلیل نمی‌بخشند.





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به محرم جوانان به اروپا در هر لحای سالی

قسمت اول

سخن من باشما در باره اسلام است

به بهانه نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

مسعوددیانی

۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ فضای رسانه‌های جهان با یک شوک مواجه شد. رهبری انقلاب اسلامی ایران، عموم جوانان اروپا و آمریکای شمالی را خطاب قرار داد و بی هیچ تشریفات و واسطه‌ای با آنها سخن گفت. نامه و سخن رهبری ایران به وضعیت خاصی در جهان اشاره داشت. فرانسه از دو هفته پیش از این نامه، دستخوش اتفاقات خشونت‌باری شده بود. در ۱۴ ژانویه، به «هفته‌نامه شارلی» حمله تروریستی شد؛ نشریه‌ای که پیش از آن سابقه انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به پیامبر اسلام را در کارنامه خود داشت. در این حمله دوازده نفر کشته و ده نفر زخمی شدند. جریان‌های تندرو و تکفیری القاعده و داعش مسئولیت این حمله را پذیرفتند و این حادثه، موج جدیدی از حملات دامنه‌دار علیه اسلام و مسلمانان، به خصوص مسلمانان اروپا را به راه انداخت.

رهبری انقلاب اسلامی ایران در پیام خود به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، از پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی یاد کرده بود.

اسلام‌هراسی (Islamophobia) به صورت مشخص از دهه نود میلادی وارد مفاهیم و اصطلاحات مغرب‌زمین شده است. نکته جالب توجه درباره اسلام‌هراسی آن است که این مفهوم کمتر با اتهامی نظیر توهمی بودن موجه شده است و بسیاری از تحلیل‌گران مسائل اجتماعی و سیاسی تحقق آن را پذیرفته‌اند. به عنوان نمونه مؤسسه رانیمد تراست (Runnymede Trust) در انگلستان برداشت‌های اصلی از اسلام‌هراسی را با مؤلفه‌های زیر معرفی کرده است:

۱. اسلام‌هراسی بر شکل‌گیری یک بلوک قدرت اسلامی دلالت دارد که ویژگی بارز آن «ایستایی» (عدم تحول) و تغییر‌گریزی است.

۲. اسلام‌هراسی بر ماهیت مستقل و منحصر به فرد تمدن اسلامی دلالت دارد؛ تمدنی که خود را از دیگران متمایز کرده است و حاضر به پذیرش تأثیر از آنها نیست.

۳. اسلام‌هراسی به تصویری خاص نزد تمدن غربی از تمدن اسلامی دلالت دارد که مطابق آن مسلمانان را «بیگانه» (و



خطرناک) برای غرب‌آرزیابی می‌کند.

۴. اسلام‌هراسی بیانگر وجود پاره‌ای از ویژگی‌های منفی، از جمله خشونت‌ورزی، ستیزه‌گری و تروریسم در حوزه اسلامی است.

۵. اسلام‌هراسی معرف وجود انگیزه‌ها و اهداف سیاسی نزد جریان‌های اسلامی در ساحت عمل و نظر است.

۶. اسلام‌هراسی بر طرح دیدگاه‌های انتقادی رادیکال مسلمانان از تمدن جدید غربی دلالت دارد.

۷. اسلام‌هراسی توجیه‌گر سیاست‌های تبعیض‌آمیز غرب ضد مسلمانان است.

رهبری انقلاب اسلامی ایران نزدیک به دو ماه پیش از این پیام، با اشاره به اسلام‌هراسی به عنوان یک پروژه طراحی شده از سوی قدرت‌های غربی، علت آن را پیشرفت و نقش‌آفرینی اسلام در جهان دانسته بود. آیت‌الله خامنه‌ای در صحبت‌های خود گفته بود: «امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکت‌های هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟! اگر اسلام منافع جهان‌خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنش‌ها نشان داده نمی‌شد. اینکه می‌بینید گروه‌هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی می‌سازند، می‌تراشند، مسلح می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند، به جان انسان‌ها می‌اندازند و کشورها را به وسیله آنها ناامن می‌کنند، این نشان‌دهنده نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی می‌ترسند».

آیت‌الله خامنه‌ای در این سخن بر نکته دقیق و ظریفی تأکید کرده بود که ماهیت بسیاری از رفتارهای خشونت‌بار جریانات تندرو منتسب به جامعه اسلامی را آشکار می‌ساخت. این جریانات با تمام قوا بر پایه یک برنامه‌ریزی دقیق، خوراک رسانه‌های غربی برای پیش‌برد پروژه اسلام‌هراسی را تأمین می‌کردند.

تندروی‌های مذهبی، قتل‌ها و کشتارها بر اساس منافع یا اعتقادات و باورهای دینی و غیر دینی، شکنجه و گونه‌های مختلف خشونت‌ورزی، امر تازه‌ای در تمدن بشری نیست. اما آنچه در این میان توسط جریانات تکفیری همچون القاعده، داعش و خرده جریاناتی وابسته‌ای همچون بوکو حرام در نیجر به اتفاق می‌افتد، دقیقاً به کامل‌ترین وجه ممکن، مطابق با اقتضانات و طراحی‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد. همه چیز در این وقایع، برنامه‌ریزی، طراحی، انتخاب و کارگردانی شده است. گویا قرار است فیلمی

مستند یا داستانی در ژانر وحشت برای القای هراس و ترس در دل بیننده ساخته شود. رنگ‌ها، فضاها، لوکیشن‌ها، آواها و صداها و همه چیز برای تحقق این امر از پیش طراحی شده است. یکی از این صحنه‌ها را با هم مرور کنیم:

«اللّٰه اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله». این واژه‌ها با لحنی عربی و ضرباهنگی خشونت‌بار زمزمه می‌شوند. زمینه تصویر، صحرایی برهوت و بی‌آب و علف است. برق تیغی چشم‌ها را می‌نوازد. مردی نارنجی‌پوش پیش روی مردانی سیاه‌پوش و نقاب‌زده به زانو می‌افتد. چشم‌هایش که از در ماندگی و استیصال تهی‌اند، بوی مرگ می‌دهند. این صحنه بارها با تعویق و تعلیق مواجه می‌شود. «اللّٰه اکبر»، برق تیغ، نارنجی، سیاه، «محمد رسول الله»... و دقایقی بعد سری بریده بر روی پیکر مرد نارنجی‌پوش و باز «اللّٰه اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله».

در این رفتارهای خشونت‌بار و موحش، بیش از نفس عمل، انعکاس رسانه‌ای آن مد نظر عاملان و فاعلان بوده است. آدم‌ها فقط یک بار کشته می‌شوند؛ اما فیلم وحشت‌بار سر بریدن فجیع یک انسان غربی نارنجی‌پوش به دست مردان عرب سیاه‌پوش در بیابانی خشک، بارها و بارها دیده و منتشر می‌شود. همه چیز آشکار است. هدف از کار بست چنین خشونت‌عریانی، مجازات یا عمل به باور و عقیده نیست. هدف القای وحشتی عمیق و هول و هراسی بی‌پایان در دل‌ها و ذهن‌ها است. این همان اتفاقی است که هر بار با وجود گذشت چند سال از واقعه یازده سپتامبر و فرو ریختن برج‌های تجارت جهانی، با مشاهده تصاویر واقعه در ذهن انسان غربی تکرار می‌شود.

فهم قواعد رسانه‌ای و آشنایی با منطق اثر هنری، آشکارا از این واقعیت پرده برمی‌دارد که عاملان این رفتارها - هر اسمی که داشته باشند - تنها بازی‌گران این اثر هستند که نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند و هدف تهیه‌کنندگان و کارگردانان را محقق می‌سازند. در این میان تنها چیزی که مدخلیت ندارد، دین و باورهای دینی است. این آثار و صحنه‌ها اتفاقاً به گونه‌ای خلق می‌شوند که هر رفتار ترمیمی و اصلاح‌گرانه از سوی دین‌باوران واقعی و معتدل را بی‌اثر و خنثی کند. نقش پررنگ رسانه‌ها در پروژه

اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی، درست از همین جا آغاز می‌شود. مایکل سلز - استاد تاریخ و ادبیات اسلامی دانشگاه شیکاگو - بر این نقش این گونه تأکید می‌کند:

«تصاویر طالبان در حالی که بالای متن قرآن نشسته و مشغول مطالعه قرآن هستند (در حالی که به واقع مشغول فراگیری آموزشهای شدید سیاسی هستند) یا بن‌لادن در حالی که با متن عربی و نمادهای اسلامی که مدام از سوی رسانه‌ها نمایش داده می‌شود، احاطه شده و نمایش تصویری از هواپیماهایی که در حال برخورد با برج‌ها است، یا مناظر هولناک دیگر و رنج انسانی قربانیان، خویشاوندان و بازماندگان ایشان. زمانی که چنین ارتباطی میان تصاویر ایجاد می‌شود، تمام وعظ و خطابه‌ها در مورد اینکه همه مسلمانان با طالبان ارتباط ندارند، همان قدر کارآمد می‌شود که وعظ و خطابه‌های مربوط به خطرهای کشیدن سیگار پس از آنکه شخصی هزاران تصویر استعمال‌کنندگان دخانیات را در قالب مارلبورو من، سکسی من، سافیسیتیک من و لیبریتد من بلعیده است.

وقتی کسی تصویر ارتباط قاتل انبوهی از انسان‌ها (صدام، بن‌لادن) با نماد اسلامی (متن قرآن، نماز مسلمانان و صداهای اذان) و بی‌رحمی (آتش گرفتن و فرو ریختن برج‌ها و خویشاوندان پریشان‌قربانیان) را دیده است، شنیدن و گوش دادن به صداهای جهان گسترده اسلام در ورای چنین عصبیتی، هر قدر هم که تلاش شود، فوق‌العاده دشوار می‌گردد».

رهبری انقلاب اسلامی ایران در این میان به ظرافت و لطافت بر دو نکته انگشت می‌گذارد؛ یکی سابقه غرب در خشونت‌ورزی، رفتارهای ضد اخلاقی و غیر انسانی، همچون برده‌داری‌ها و نسل‌کشی و جنگ‌های مذهبی، و دیگری واکاوی چرایی و پرسش از منافع و اهداف قدرت‌های غربی از این موج پر دامنه اسلام‌هراسی.

به یاری خدادار نوشتار بعدی از این مطلب این دو پرسش را مد نظر قرار خواهیم داد و در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.



فهم قواعد رسانه‌ای و آشنایی با منطق اثر هنری، آشکارا از این واقعیت پرده برمی‌دارد که عاملان این رفتارها - هر اسمی که داشته باشند - تنها و تنها بازی‌گران این اثر هستند





مردی برای عبور از بحران اندیشه

۱۸ اسفند روز بزرگداشت سید جمال

مهدی رزاقی طالقانی

فرق زیادی نمی‌کند آغاز برخورد تمدن نوظهور غرب با جهان خسته شرق و ادیان ابراهیمی آن را در برخورد نظامی لشکر ناپلئون و مصریان (۱۷۹۵ میلادی) ببینیم یا در ورود تجار صنایع جدید ماشینی در تاروپود زندگی اغلب بدوی مردمان این گوشه از جهان. هر دوی اینها آغاز دوره جدیدی از تاریخ بشری بود.

این در حالی است که در چند قرن قبل، لشکر اسلام مرزهای اروپا را می‌شکافت و در اندلس مسجد می‌ساخت. در این چند قرن چه بر سر تمدن اسلامی و ملل مسلمان آمده بود که دیگر صحبتی از زایش اندیشه و تکامل آن نبود؟ جهان اسلام در این دوره چنان در خواب عمیقی فرورفته بود که نخستین نشانه‌های ظهور بنیان افکن مظاهر مادی و فکری غرب را در ک نکر دو شاید اگر نوآندیشان مسلمانی چون سید جمال الدین اسدآبادی نبودند، اسلام در سیلاب آن غرق می‌شد.

سید جمال الدین اسدآبادی را می‌توان در مقام یک متفکر عمل‌گرا، آغازگر بیداری اسلامی در یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام دانست. در این دوره در برابر چنین موج ویرانگری، وی علاوه بر جامعه جهل زده غافل از دنیای پیرامون، با علمایی روبه‌رو بود که خطر حضور تمدن جدید را به هیچ‌انگاشته و به هیچ‌وجه آمادگی رویارویی با آن را نداشتند. به جرئت می‌توان گفت که پاره‌ای از علما در این دوره نه تنها نتوانستند تحولات پیش روی جوامع اسلامی را درک کنند و جامعه را برای مقابله با خطرهای احتمالی آن آماده و مهیا سازند، بلکه در پاره‌ای از امور در نوع روابط با حکام مانعی بزرگ برای بیداری جامعه توسط اندیشمندانی چون سید جمال بودند.

سومین مانع پیش روی سید جمال در بیداری جوامع اسلامی، حاکمان جور ممالک اسلامی بود که در ساختاری استبدادی، مانع رشد اندیشه در این جوامع محسوب می‌شدند. در این مقاله با بررسی اندیشه‌های سید جمال به اختصار به وضعیت جوامع اسلامی در این دوره می‌پردازیم.

سید جمال الدین علی‌رغم تمامی تخریب‌های تاریخی، شخصیتی اسلامی و دارای دغدغه‌های ارزشمند دینی به شمار می‌آید. اعتقاد وی به کارکرد دین در دوره‌ای که اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی و نیهیلیستی جوامع توحیدی را مورد هجوم قرار داده بود، نشان از اعتقاد و اعتماد راسخ به دین دارد. وی در رساله نیچریه یا مادیرگی می‌نویسد: به غیر از فساد مدنیت و تباهی هیئت اجتماعی، نتیجه دیگری به آرای دینی مترتب نخواهد گردید و بلایب دین مطلقاً سلسله‌انتظام هیئت اجتماعی است و بدون دین هرگز اساس مدنیت محکم نخواهد شد.^۱

اما سید جمال کدام وجه دین را مورد استناد خود قرار می‌دهد؟ در دوره‌ای که خرافات بی‌پایه و اساس عوام جامعه به نام دین و به کام سلاطین به کالبد بیمار جامعه تزریق می‌شود، وی با تأکید بر مینا قرار دادن توحید می‌نویسد:

با تکیه بر توحید، اندیشه‌های بشری باید از زنگ خرافات و اوهام پاکسازی شود.^۲

در چنین حالتی است که می‌توان با دین به مقابله با مکتب فکری تعقل محور غرب شتافت.

اهتمام و دغدغه سید جمال در بیان اهمیت این اوهام‌زدایی به حدی است که با حمله شدید به برخی می‌نویسد: خداوند تعالی بیزار است از این اعمال جاهلیت و رسوم وحشی‌ها که بر آنها عمومه اسلام و دین نهاده‌اند.^۳

سید جمال با آماده‌سازی میانی فکری دینی می‌خواهد جامعه را بدان مسلح سازد تا بدین وسیله به مقابله با تمدن نوظهور غرب برود و برای این امر، چه اندیشه‌های بهتر و مناسب‌تر از احیای عقلانیت اسلامی؟ وی با بنیان گذاشتن جمعیت اتحاد اسلامی موجبات شکل‌گیری اندیشه پان‌اسلامیسم (یا اتحاد اسلام) و ناسیونالیسم را در کشورهای اسلامی فراهم آورد؛ مبارزه‌ای که دهه‌ها بعد ثمره آن رادنیای اسلام و کشورهای اسلامی با عبور از استعمار و امپریالیسم مشاهده کردند.

اتحاد تنها پیشنهاد سید جمال در حوزه اندیشه سیاسی اسلام برای مسلمانان نیست. وی چاره مقابله با غرب و درمان این عقب‌افتادگی را در یک دگرگونی بنیانی و اساسی در سلسله‌مراتب قدرت و هنجارهای اجتماعی می‌داند. به سخن دیگر، از نگاه متفکری چون وی تمام ارکان جامعه اسلامی نیازمند اصلاح بود. اساس این اصلاحات نیز مانند سایر میانی فکری سید جمال، قرآن است: اساس هر گونه فرم و اصلاح در قرآن ذکر شده؛ لذا بزرگ‌ترین مانع برای ترقی، همانا استبداد مطلق می‌باشد.^۴

عدالت و قانون مهم‌ترین قربانی استبداد مطلق در جوامع اسلامی این دوران به شمار می‌رفت؛ جایی که حاکمان جور با متمسک قرار دادن حق ظل‌اللهی برای خود، حقوق میلیون‌ها بنده و رعیت خود را پامال کرده، در سلسله‌مراتب پوسیده و فاسد قدرت خود، جامعه را در جهل غوطه‌ور ساخته و مانع از بیداری مسلمانان می‌شدند. همین عامل بود که این جوامع را در برابر ظواهر و اندیشه‌های غرب ملحد و مادی مضمحل می‌ساخت. در هر حال اجرای عدالت و مساوات در تمام طبقات ملت لازم است و الا دروازه وطن برای وارد شدن دشمن گشوده خواهد شد.^۵ مبارزه با جهل و جهل‌زدگی فصل الخطاب اندیشه بیدارگر سید جمال است؛ چرا که مولیدی چون استبداد و بی‌عدالتی و

بی‌قانونی از دامان آن برمی‌خیزد. تجاهل عاملی نبود که سید جمال آن را به عوامل خارجی نسبت دهد؛ بلکه آن را عاملی منبعث از رفتار منفعل ترکیب نامتجانس علما و زعمای درباری و عدم توجه به دانش‌های بشری می‌دانست؛ به طوری که می‌نویسد:

... باید فهمید جمیع این ترقیبات که در اروپا به ظهور رسیده، همه نتیجه علم است و اطلاع.^۶

این روشن‌بینی سید جمال بدون راهکار نمی‌ماند و همان‌گونه که از زندگی این مرد علم و عمل برمی‌آید، در پرداخت وی به مسئله مطبوعات جلوه می‌کند. سابقه مطبوعاتی وی در مرآت الشریق و قانون نشان می‌دهد که وی به این رسانه عمومی جهت آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی اعتقاد دارد. او در این باره می‌نویسد:

یکی از اسباب ترقی ملل اروپا، آزادی مطبوعات است که بدان وسایط، نشر محاسن و معایب مردم بلا استثنا مجاز است.^۷ با ذکر آزادی و اطلاع، قانون و عدالت، یازل تئوری‌های بیدارگر اسلامی قرن نوزدهم تکمیل می‌شود و وی با مانورهای سیاسی و حضور در دربار حاکمان جوامع اسلامی و همچنین قلم‌فرسایی در رساله‌های مختلف و مطبوعات، به تشریح آنها در میدان عمل نیز می‌پردازد و از این حیث با روشن‌فکران دینی پس از خود تمایز می‌یابد.

سید جمال الدین اسدآبادی محصول جبر تاریخی دوره‌ای است که گمان می‌رفت نقطه پایان حضور میانی توحیدی اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی جوامع اسلامی باشد؛ اما مجاهدت‌های این بیدارگر پر تلاش مانعی بر سر حصول تلاش‌های استعمار و امپریالیسم فکری و سیاسی گشت. پیروزی انقلاب مشروطه هر چند در بیان مورخین بی‌ربط یا حداقل کم‌ارتباط با تلاش‌های سید جمال است، اما تک‌تک واژه‌های این انقلاب بیدارگر نظیر قانون و عدالت، محصول تلاش‌های وی بود. نادیده گرفتن نقش او در تحلیل‌های جهت‌دار تاریخی، به نظر می‌رسد بیش از هر چیز، مولود ریشه اسلامی اندیشه وی باشد.

پی‌نوشت

۱. سید جمال الدین اسدآبادی، نیچریه یا مادیرگی، ص ۱۲.
۲. همان، ص ۷۵.
۳. محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق‌زمین، ص ۱۸۶.
۴. همان، ص ۹.
۵. همان، ص ۲۵۲.
۶. همان، ص ۶۹.
۷. همان، ص ۲۵۶.

رهبری انقلاب اسلامی ایران در این میان به ظرافت و لطافت بر دو نکته انگشت می‌گذارد؛ یکی سابقه غرب در خشونت‌ورزی، رفتارهای ضد اخلاقی و غیر انسانی، همچون برده‌داری‌ها و نسل‌کشی و جنگ‌های مذهبی، و دیگری واکاوی چرایی و پرسش از منافع و اهداف قدرت‌های غربی از این موج پر دامنه اسلام‌هراسی



آثار و نتایج احیای مکتب اجتهاد

سینا فیاض

پس از پیروزی مکتب اجتهاد و ضعف جریان اخباری‌گری، تغییرات محسوس‌ی در فضاهای علمی، فرهنگی و اجتماعی تشییع و به‌خصوص ایران پدید آمد. به‌طور کلی در سه عرصه علمی، اجتماعی و سیاسی می‌توان این آثار و نتایج را بر شمرد. مهم‌ترین آثار و نتایج احیای مکتب اجتهاد عبارت است از:

۱. در عرصه‌های علمی

الف) بار دیگر فضاهای علمی و روش علمی در حوزه‌های شیعه رونق گرفت و خون تازه‌ای در حوزه‌های علمیه عراق و ایران جریان پیدا کرد و بازار بحث و درس و اجتهاد گرم شد.

ب) علاوه بر حوزه‌های مطرح در دوران صفویه در ایران که به اصفهان، مشهد و شیراز محدود می‌شد، در دوره جدید (قرن ۱۳ و ۱۴ هجری) حوزه‌های مهم و تأثیرگذار دیگری در شهرهای بزرگی همچون تهران، قم، بروجرد، اراک و کرمانشاه تشکیل شد و طلاب فراوانی در آنجا به تحصیل علوم و معارف اسلامی مشغول شدند که نقش بسیار زیادی در ترویج علم و گسترش فضای علمی و فقهی و فلسفی شیعه داشت.

ج) از دیگر آثار پر بار علمی، تدوین و تألیف کتاب‌های فراوان فقهی، اصولی و فلسفی است که مهم‌ترین آنها موسوعه‌های عظیم فقهی همچون *ریاض المسائل*، *کشف الغطا*، *مستندالشیعه*، *مفتاح‌الکرامه*، *جواهرالکلام*، *مکاسب‌در فقه* و کتاب‌های بسیار عمیق اصولی همچون *قوانین‌الاصول*، *الوافیه*، *مفاتیح‌الاصول*، *هدایة‌المستترشدین*، *فصول*، *تجرید‌الاصول*، *ضوابط‌الاصول*، *قواعد‌الشریقه*، *اشارات‌الاصول*، *رسائل* و کفایه بود. هر یک از این کتاب‌ها و هزاران کتاب دیگری که در فقه و اصول تألیف شد، گنجینه‌هایی پایان‌ناپذیر از تحقیقات، نوآوری‌ها و استدلال‌های فراوان است که معرفی هر یک به نگارش مقالات متعددی نیازمند است.

د) یکی از ویژگی‌های مهم این دوران، جمع

میان علوم معقول و منقول است. به عبارت دیگر بیشتر فیلسوفان این دوره خود از فقهای برجسته بودند و بسیاری از فقهای برجسته نیز دستی در فلسفه و علوم عقلی دارند. این جمع میان علوم معقول و منقول، هم در رشد علم اصول و مبانی فلسفی و کلامی اجتهاد تأثیر بسیاری داشته و هم در کیفیت آثار دینی فلاسفه اسلامی و فهم منضبط آنها از قرآن و حدیث ثمربخش بوده است.

۲. در عرصه‌های اجتماعی

الف) هجرت طلاب به مراکز علمی همچون نجف، کربلا، سامرا و اصفهان، و کسب مقامات عالی اجتهاد، زمینه‌ای شد که علما پس از اتمام تحصیلات و رجوع به شهرها و روستاهای خود، به تبلیغ معارف اسلامی بپردازند. از این رو در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری در بیشتر شهرهای ایران و در بسیاری از روستاها، مجتهدان بزرگ و عالمان با‌اخلاص و خودساخته، مرجعیت دینی، فرهنگی و اقتصادی را به عهده داشتند. این گستره و نزدیکی تنگاتنگ مردم شهرها و روستاها با مجتهدان، از ویژگی‌های این دوران است که نه قبل از آن و نه بعد از آن، چنین سابقه‌ای نداشته است.

ب) حضور علما و مجتهدان در روستاها و شهرهای مختلف، موجب شد پایه‌های دینی مردم محکم‌تر شود که نمونه عینی آن گسترش فرهنگ وقف است. در دوران صفویه و پیش از آن، وقف عمدتاً به سلاطین و خانواده‌های ثروتمند محدود بود؛ اما در قرن سیزده و چهارده هجری، با نهضت وقف عظیمی مواجه هستیم که کودک و پیر، فقیر و غنی و سلطان و رعیت در آن شریکند و بیشتر مردم جامعه به روش‌های مختلف به این نهضت می‌پیوستند.

ج) گسترش فرهنگ عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام از دیگر نتایج حضور علما و مجتهدان در مناطق مختلف ایران اسلامی است که در این دوره به اوج خود رسید و سنت‌های مختلف عزاداری، موقوفات و نذرهای متعددی از سوی مردم پایه‌گذاری شد که امروزه نیز ادامه دارد.



اولین دیپلمات اسلام

سیره سیاسی اولین دیپلمات اسلام

سید مهدی موسوی

وقتی خبر شهادتش را در جنگ «موت‌ه» به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دادند، بسیار محزون شد و سخت گریست و در همان روز به خانه «جعفر بن ابی طالب» رفت و به همسر و فرزندانش دلداری داد.

جعفر در جنگ بار و میان در جمادی الاولی سال هشتم هجری فرمانده و علمدار لشکر اسلام بود و جانانه با دشمنان حق جنگید. ابتدا دست راستش را از بدن جدا کردند و سپس دست چپش را؛ اما او تا آخرین رمق در راه حق مبارزه کرد و به فیض شهادت رسید. طبق حدیث نبوی، پس از شهادت، دو بال از بال‌های عرشیان را به او هدیه دادند. به همین جهت او را «جعفر طیار» و «ذوالجناحین» نامیدند.

تنها اینجا نبود که جعفر خوش درخشید و مدال افتخار دریافت کرد. او از اولین کسانی بود که به پیامبر ایمان آورد و به سفارش پدرش ابوطالب رضی‌الله‌عنه به نماز جماعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی رضی‌الله‌عنه در خانه کعبه پیوست. او در مقام امیر مهاجران اسلام به حبشه رفت و در نقش سخنگوی مسلمانان در دربار پادشاه حبشه بسیار خوش درخشید و علاوه بر حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، نقش بسیار مهمی در ابلاغ پیام اسلام داشت و در طول اقامت چندین ساله در حبشه، توانست پادشاه آن دیار و جمع زیادی از مردم آن کشور را مسلمان کند.

اقدامات دیپلماتیک جعفر در حبشه

ماجرای آنجا آغاز شد که سران قریش و اهالی مکه از ترس گسترش انقلاب اسلامی پیامبر، بر پیامبر و مسلمانان سخت گرفتند و آنها را در شعب ابیطالب محاصره نظامی و تحریم اقتصادی کردند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تصمیم گرفت گروهی از مسلمانان را به کشور حبشه بفرستد تا همین مسلمانان اندک نیز از تحریم‌های اقتصادی و فشارهای امنیتی قریش در امان بمانند. این اقدام در چند مرحله انجام گرفت که مهم‌ترین آن، مهاجرت گروه ۸۶ نفره به رهبری جعفر بن ابی طالب رضی‌الله‌عنه بود که در آن موقع ۲۴ سال داشت.

این هجرت بر مشرکان مکه گران آمد و وقتی فهمیدند پادشاه حبشه به آنها اجازه اقامت داده است، «عمرو عاص» و «عمار ه بن ولید» را با هدایای فراوان

به دربار حبشه رهسپار کردند تا بتوانند نجاشی را قانع کنند که مهاجران را به آنها تحویل دهد. این دو تن ابتدا هدایا را به درباریان دادند و ضمن تطمیع آنان، خود به حضور پادشاه رفتند. در برابر شاه به خاک افتادند و هدایا را تقدیم داشتند. سپس عمرو عاص گفت: «پادشاه‌ها! گروهی از جوانان سبک‌مغز ما سر به نافرمانی بزرگان خود برداشته‌اند و خدایان ما را به باد دشنام و مسخره گرفته، و دم‌از آیینی می‌زنند که باین رسمی شما مابینت دارد. هم‌اکنون آنها در کشور شما به سر می‌برند. بزرگان ما از پیشگاه شاهانه‌استدعادرند آنها را به اتفاق ما برگردانید تا هر طور مصلحت می‌دانند با آنها رفتار کنند». درباریان نجاشی که از پیش آماده شده بودند، بر خواسته مشرکان مکه صحه گذاشتند و با نصیحت پادشاه، صلاح شاه و کشور را در این دیدند که مسلمانان را به نمایندگان قریش تسلیم کند.

نجاشی به آنها گفت: نه به خدای مرمدمی را که به من پناه آورده‌اند، و در کشور من سکونت ورزیده، و از میان پادشاهان جهان فقط مرا برگزیده‌اند، هرگز تسلیم دشمن نمی‌کنم. من آنها را می‌خوانم و آنچه را اینان می‌گویند، به اطلاع آنها می‌رسانم. اگر معلوم شد اینها راست می‌گویند، آنها را به ایشان تسلیم می‌کنم. ولی اگر وضعی برخلاف سخنان اینان داشتند، هرگز آنان را تسلیم نخواهم کرد.

مسلمانان به دربار نجاشی احضار شدند. قرار شد جعفر سخن بگوید. جعفر با لباسی زیبا و آراسته در جلوی جمعیت حرکت می‌کرد. مسلمانان به سالن مخصوص وارد شدند و بدون آنکه تعظیم کنند و به سجده بیفتند، ابتدا سلام کردند و در جایگاه مستقر شدند. در آن مجلس که اسقف‌های مسیحی نیز حضور داشتند، نمایندگان قریش هم احضار شدند.

نجاشی از سخنگوی مسلمانان پرسید: این افراد از سوی سران قوم شما آمده‌اند و راجع به شما چنین گفته‌اند. این چه دین است که نه شباهت به دین من دارد و نه همانند سایر ادیان است؟ جعفر، با منطقی محکم و زبانی رسا سخن آغاز

کرد و گفت: ای پادشاه! از اینان بپرس آیا ما بردگان ایشانیم؟

نجاشی، از عمرو عاص خواست تا پاسخ جعفر را بدهد.

عمرو عاص: نه! شما آزادگان بزرگوار هستید.

جعفر بن ابیطالب: آیا از ما طلبی دارید و برای مطالبه آن به سراغ ما آمده‌اید؟

عمرو عاص: نه! از شما طلبی نداریم.

جعفر بن ابیطالب: آیا کسی از شما را کشته‌ایم و ما را برای خونخواهی او می‌خواهید؟

عمرو عاص: نه!

جعفر بن ابیطالب: پس ما را برای چه می‌خواهید؟ تا نتوانستید به ما آزار رسانید. ما هم ناگزیر از آن شدیم که از شهر و دیار شما هجرت کنیم. چرا نمی‌گذارید در کشور بیگانه آسوده باشیم؟

عمرو عاص گفت: اعلی‌حضرتا! اینان با دین ما به مخالفت برخاستند و به خدایان ما دشنام دادند، جوانان ما را گمراه نمودند و اجتماع ما را پراننده ساختند. آنها را به ما بسیار تابه نزد کسان و بزرگانشان برگردانیم و اختلافات خود را با آنها از میان برداریم.

پس از آن جعفر لب به سخن گشود و تاریخچه جهالت اهالی مکه را بیان کرد و پس از آن از دین نجات‌بخش اسلام به سخن به میان آورد. جعفر آن چنان مسلط از معارف انسانی و فطری دین اسلام سخن می‌گفت که جو جلسه عطر آگین گشت و پادشاه را به شغف وامی‌داشت؛ چرا که جعفر به خوبی از روان‌شناسی پادشاه و

عقاید مسیحیت مطلع بود

و بر مشترکات فطری دین اسلام با سایر ادیان ابراهیمی تأکید می‌کرد. جعفر با معرفی آموزه‌های رهایی‌بخش اسلام و استفاده از مفاهیمی همچون پرستش خداوند یکتا، عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی به خویشان و همسایگان و پرهیز از ظلم و فحشا، فطرت

خداجوی نجاشی و بسیاری از اهالی حبشه را بیدار کرد. او همچنین هنرمندانه و با صدایی گرم و نوایی دلنشین، آیاتی را از سوره مریم قرائت کرد که راجع به حضرت عیسی علیه‌السلام بود؛ به نحوی که حضار، اعم از نجاشی و اسقف‌ها، همگی گریستند تا جایی که انجیل‌ها خیس شد.

به واسطه حکمت و عزتی که جعفر بن ابی طالب در مذاکرات از خود نشان داد، نجاشی به او رو کرد و گفت: به خدا آنچه تو گفتی و آنچه پیغمبر شما از جانب خدا آورده، از یک جاسر چشمه گرفته است. آنگاه نمایندگان قریش را مخاطب ساخت و گفت: بروید که به خدا هرگز اینان را به شما تسلیم نخواهم کرد و شما نیز به آنها دسترسی نخواهید یافت.

اگر «دیپلماسی هنر و مهارت پیشبرد و ارتقای منافع ملی از طریق مبادلات مستمر اطلاعات و ایجاد ارتباط پایدار بین دولت‌ها، ملت‌ها و افراد است»، می‌توان جعفر بن ابی‌طالب را که اولین دیپلمات و سخنگوی خارجی انقلاب اسلامی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، الگوی دیپلمات‌ها و سفرای جمهوری اسلامی ایران دانست تا بتوانند بر اساس منطق مستحکم، بیان نافذ، رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت و تأکید بر فطرت مشترک انسان‌ها، از حقوق جامعه اسلامی حمایت و دفاع کنند. همچنین در مسیر هدایت بشر به سوی حق و حقیقت، گام‌های مهم و تأثیرگذاری بردارند و اهداف و اقدامات خود را فقط به منافع مادی کشور محدود نکنند.

جعفر با لباسی زیبا و آراسته در جلوی جمعیت حرکت می‌کرد و به سالن مخصوص وارد شدند و بدون آنکه تعظیم کنند و به سجده بیفتند، ابتدا سلام کردند و در جایگاه مستقر شدند

- منابع**
- سیدهاشم رسولی محلاتی، تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - محمد ابراهیم آیتی، سیره سیاسی پیامبر اعظم، به کوشش مهدی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر، ۱۳۸۶.
 - سیدرضی سید نژاد، اسوه‌های جاودان: سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.



مروری بر اخلاق پرستاری

هانیه علی اصغری

در دنیای امروز، اخلاق کاربردی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند نظم و پیشرفت اجتماعی را برای مردم یک جامعه به‌ارمغان بیاورد. اخلاق کاربردی رویکردی به اخلاق است که در آن متناسب با هر حرفه‌ای، باید و نبایدهای اخلاقی برای فرد شاغل در آن حرفه، مورد بحث قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تعارضات اصول اخلاقی در هر حرفه نیز به ضرورت نیاز طرح می‌شود. در راستای این رویکرد به اخلاق، کتاب‌ها و پژوهش‌های زیادی با عناوین اخلاق پزشکی، اخلاق ورزشی، اخلاق تعلیم و تربیت، اخلاق نظامی و مواردی از این دست به رشته تحریر درآمده است. یکی از این عناوین، اخلاق پرستاری است.

اخلاق پرستاری، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که امور شایسته و ناشایسته در حرفه پرستاری را مشخص می‌کند و نیز به موقعیت‌های دشواری می‌پردازد که در آنها یک پرستار، در عمل به اصول اخلاقی دچار سرگردمی می‌شود. اخلاق پرستاری نقاط مشترک زیادی با اخلاق پزشکی دارد؛ از این رو برخی معتقدند تفکیک بین این دو گونه اخلاق، تفکیک سودمندی نیست. با وجود این، در کشور ما که بین شایستگی کاری و اجتماعی پزشکان و پرستاران تفاوت بسیاری وجود دارد، تمایز نهادن بین این دو گونه اخلاق اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

اگر به سنت اسلامی و ایرانی خودسری بز نیم و به زندگی و اخلاق پزشکان در تاریخ تمدن این سرزمین نگاهی بیفکنیم، درمی‌یابیم که مراقبت و پرستاری موضوعی مستقل و جدای از درمان نبوده است. طبیب، پرستار هم بوده؛ چرا که روند درمان بیمار، مستقل از مراقبت نبوده؛ بلکه چه بسا مراقبت مستلزم انجام اموری بوده که فقط از عهده خود طبیب برمی‌آمده است. علاوه بر این، مسئله دیگری که برای پزشکان این سرزمین اهمیت فراوان داشت، احوال روانی بیمار و آرامش او بود. آنچه در ادبیات فارسی از طبیب و ملاقات با او آمده، دال بر آن است که حضور و مراقبت خود طبیب از بیمار در آرامش او تأثیر فراوان داشته است. امروزه به تناسب تخصصی شدن امور مداوا و محدودیت وقت پزشکان، مراقبت از بیمار به پرستار واگذار شده است و طبابت و مراقبت از یکدیگر جدا شده‌اند.

آیا در فضای حرفه‌ای فعلی، می‌توان از اخلاق پرستاری منطبق بر روند درمان حکیمان گذشته سخنی گفت؟ هم‌ااری و هم‌نه! واقعیت این است که یکی از دشوارترین مشاغل بیمارستان که از قضای روزگار به نسبت زحمت، درآمد مالی فراوانی ندارد، شغل پرستاری است. گذشته از آنکه یک پرستار چه دشواری‌هایی را به سبب اقتضانات خاص این شغل باید تحمل کند، عدم تأمین مالی پرستاران موجب شده است تا بسیاری از مردم و حتی مسئولان سطح توقع خود را در برخورد با یک پرستار تقلیل دهند. اما از سوی دیگر، می‌توان با ترویج نگاه اخلاقی‌ای که از فرهنگ ما به جا مانده است، پرستاران را به تلاش در جهت آراسته شدن به فضائل اخلاقی، ترغیب نمود.

برخی از مؤلفه‌های اخلاق پرستاری که هم‌در اخلاق کاربردی کنونی مورد تأکید قرار گرفته و هم‌می‌توان شواهدی در فرهنگ دینی ایران برای آن یافت، دورنمای کلی‌ای از چند و چون این زمینه اخلاقی در برابر مآقرار می‌دهد.

«کرامت اخلاقی» یا شایستگی اخلاقی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که می‌توان در اخلاق حرفه‌ای از آن بهره برد. پرستاری که در درون خویش

احساس کرامت اخلاقی داشته باشد، هم در رفتار شخصی اش اصول اخلاقی را به کار می‌بندد و هم در برخورد با دیگران - به ویژه در برخورد با بیماران - با نگاه انسانی مواجه می‌شود و از این رهگذر برخوردی از سر بزرگواری و کرامت با آنها دارد. بدین ترتیب بسیاری از فضائل اخلاقی را در درون خود پرورش می‌دهد و رأفت و مهرورزی را در فرآیند درمان و مراقبت لحاظ می‌کند.

مؤلفه دیگری که در اخلاق پرستاری واجد اهمیت است، «رازداری» است. یکی از دغدغه‌های بیماران فاش نشدن اسرار بیماری‌شان است. فرد بیمار معمولاً احساس بی‌پناهی و سرگستگی دارد. یک پرستار ضمن امید دادن به بیمار، محرمانه اسرار او نیز است. بسیاری از خصوصیات شخصیتی بیمار در دوره بیماری برای پرستار آشکار می‌شود و او باید رازداری را به عنوان یک اصل همواره مدنظر داشته باشد تا مبادا با آشکار شدن اسرار بیمار، آرامش روانی و آبروی او در معرض خطر قرار گیرد. فاش شدن اسرار بیمار گاه منجر به حادث شدن خود بیماری و بروز مشکلاتی مضاعف برای بیمار می‌شود.

خصوصیت دیگری که در اخلاق پرستاری جایگاه ویژه‌ای دارد، «وظیفه‌شناسی» است. نگاه پرستار به این حرفه باید نگاهی وظیفه‌شناسانه باشد، نه منفعت‌طلبانه. او باید دائماً به لحاظ اخلاقی، در مرز ایثار حرکت کند و گذشت را پیشه خود سازد. هنگامی که خطری را در مسیر زندگی و سلامت یک بیمار مشاهده کرد، پیش از هر چیز باید به وظیفه پرستاری و مراقبت از بیمارش بیندیشد و در هنگام خطر کمتر باید به منافع فردی اش بیندیشد؛ زیرا حفظ سلامت و جان بیمار بر هر چیزی اولویت دارد.

ویژگی چهارم که در اخلاق پرستاری باید بدان اهتمام داشت، «همدلی» یا همدلی است. پرستاری که با بیمار همدل باشد، درد بیمار را در خود می‌داند و برای آرام ساختن یک بیمار و رهایی او از رنج مریضی، بهترین و دقیق‌ترین چاره‌اندیشی‌ها را می‌کند. اگر احساس همدلی وجود نداشته باشد، پرستار قدرت ایفای بهترین نقش را در فرآیند درمان نخواهد داشت و چه بسا اهتمام چندانی در جهت مرتفع ساختن درد مریض نداشته باشد. احساس همدلی پرستار و البته آرزای آن به بیمار، علاوه بر تسهیل و تسریع روند بهبودی بیمار، موجب آرامش وی نیز خواهد شد. بیمار همین که بفهمد طی فرآیند درمان یا دوران نقاهت، یک پرستار همواره به آرامی او می‌اندیشد و درد او را درک می‌کند، به لحاظ روانی نیز آرامش می‌گیرد.

آخرین خصوصیتی که در اینجا باید بدان اشاره کرد، «حسن خلق و گشاده‌رویی» است. پرستار باید تلاش کند تا مشکلات فردی خود را پشت در اتاق بیمار قرار دهد و با رویی گشاده با بیمارش مواجه شود. معمولاً دشوار است کسی که خود مشکلات شخصی فراوان دارد، بتواند با دیگران برخورد خوبی داشته باشد. از این رو بخشی از بار این مسئولیت به عهده مسئولان و رؤسای بیمارستان‌ها است تا با تدابیر ویژه تلاش کنند زندگی پرستاران زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای باشد.

امروزه بیشتر عالمان اخلاق تمسک به اصول اخلاقی صرف را برای داشتن جامعه‌ای اخلاقی کافی نمی‌دانند و معتقدند باید تلاشی در جهت برخورداری از روان آرام نیز صورت گیرد. بحث‌های اخلاقی در جهان کنونی با مباحث روان‌شناسی اخلاق به یکدیگر گره خورده‌اند و معمولاً توصیه‌های اخلاقی قرین با پدیده‌هایی نیز هست که روانشناسی اخلاق را در بر می‌گیرد.

آموخت. سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید».

این نور در بدو پیدایش حضرت آدم، در او به ودیعت قرار داده شد و آدم علیه السلام یگانه گوهر عالم هستی و یگانه در شاهوار صدف عالم کون و خزینه اسرار حضرت ربوبی شد. این ویژگی به مقتضای اصل وراثت، به فرزندان آدم انتقال یافت و در تمامی مردمان - هر کس به فراخور حال خود - و پیامبران - البته به طور کامل تر - طلوع و بروز نمود و با مراتب اختلافی که در آنان دیده می‌شده، هر یک مرکز تجلی آن نور به قدر استعداد و ظرفیت خود شدند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَع بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ؛^۱ برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم».

نویت به خاتم النبیین و سید المرسلین، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله رسید. آن نور به نحو تام و اتم طلوع نمود و به اصل وراثت تا به حال در اصلاب پدران که دوران کمون خود را طی می‌نمود، اینک به مرحله ظهور و بروز رسید و آن طور که باید و شاید بدون هیچ کمی و کاستی طلوع کرد.

پی‌نوشت

۱. به زبان ساده می‌توان کروموزوم‌ها را به بسته‌های مواد ژنتیکی تشبیه کرد که درون هسته سلول‌ها ذخیره شده‌اند.
۲. شیخ عباس قمی، تمه المنتهی، ص ۲.
۳. فاطر: ۴۳.
۴. بقره: ۳۱.
۵. همان: ۲۵۳.

راه‌وی نداد و او متوقف شد. علی علیه السلام از ضعف فرزندش سخت‌آزرده خاطر شد. نزدیکش آمد و با قبضه شمشیر به دوش فرزندش محمد کوبید و فرمود: «ادركك عرق من امك؛^۱ این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای».

وراثت یکی از سنن غیر قابل‌تبدیل و تغییر الهی است که در تمام شئون زندگی، بقا و ثبات خود را حفظ نموده و از همه مهم‌تر و بالاتر، بقا و ثبات آن در معنویات و اسرار الهی است. قرآن کریم درباره تغییرناپذیری سنن الهی می‌فرماید: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛^۲ هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی».

بنابر این قانون وراثت - که سنتی الهی است - همواره و در همه حال برقرار خواهد بود. بر همین اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مظهر تام و تمام تجلی پیامبران الهی صلی الله علیه و آله است که از طریق پدر بزرگوارشان عبدالله بن عبدالمطلب و دیگر اسلاف بزرگوارشان، این ویژگی به ایشان رسیده است.

خداوند تبارک و تعالی حضرت آدم علیه السلام را آفرید، او را به خلافت خود برگزید و قلب وی را مرکز ثقل تجلیات انوار جمال خود قرار داد؛ به طوری که بتواند به تمام اسرار عالم کون اطلاع یابد و از حقایق موجودات باخبر شود و پرده جهل را از جلوی چشمان خود کنار زند و از سر غیب مطلع گردد، با فرشتگان گفت‌و شنود داشته باشد و در حرم امن و امان الهی سکنی گزیند و دل او مرکز تجلیات اسماء و صفات حضرت معبود جل‌شانه شود. در قرآن کریم به صراحت به این نکته اشاره شده است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛^۳ و [خدا] همه نام‌ها را به آدم

وراثت اصل پذیرفته‌شده‌ای است که در تمامی موجودات - انسان و حیوان و نباتات - مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و آثار و نتایج مهمی از آن به دست آمده است. وراثت، عبارت است از انتقال طبیعی بعضی از صفات و ویژگی‌های زیستی، جسمی، ذهنی و اخلاقی از پدر، مادر و اجداد به فرزندان. طبق قانون وراثت بعضی از خصوصیات و صفات، بدون اراده‌انسان از طریق پدر و مادر به او منتقل می‌شود و سراسر زندگی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به آن دسته از عوامل وراثتی که داخل یک کروموزوم پنهان هستند، «ژن» گفته می‌شود.

دانشمندان با دقت و بررسی بر روی نسل انسان و همچنین از طریق آزمایش‌های مختلف بر روی حیوانات، اثبات کرده‌اند ویژگی‌های پدر و مادر در طفل به ظهور می‌رسد. فرزندان تنها از نظر رنگ پوست و کیفیت سازمان اعضا و جوارح و ترکیب استخوان‌ها از پدر ارث می‌برند، بلکه هر ذره‌ای از خون او مشابه با خون پدرش است؛ به طوری که طفلی که پدرش مشکوک باشد، از راه تجزیه خون او می‌توان پدرش معین نمود.

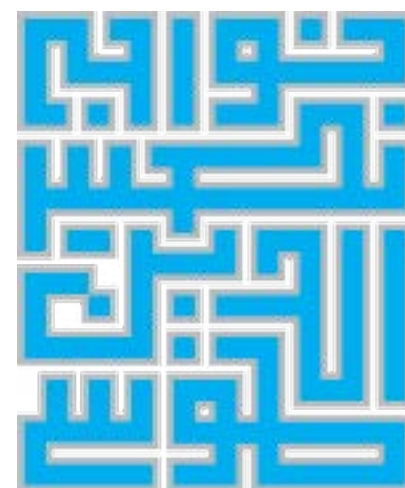
رفتار محمد حنفیه در جنگ جمل، گویای اهمیت قانون وراثت است. محمد حنفیه فرزند علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود و مادرش، کنیزی به نام خوله حنفیه است. در تاریخ نقل شده است که محمد حنفیه در جنگ جمل علمدار لشکر بود. علی علیه السلام به او فرمان حمله داد. محمد حنفیه حمله کرد، ولی دشمن با ضربات نیزه و تیر، جلوی او را گرفت. محمد از پیشروی باز ماند، حضرت خود را به او رساند و فرمود: «احمل بین الاینة؛^۴ از ضربات و تیر و سنان دشمن مترس و حمله کن!»^۵ محمد حنفیه قدری پیشروی کرد، ولی ضربات شمشیر پیاپی دشمنان اجازه پیشروی



بلانگشتری و من نگینم

به مناسبت پنجم اسفند؛ روز بزرگداشت خواجه نصیر الدین طوسی

محمدجعفر آبادی



سرانجام کار

برای گفتن از زندگی و شرح حالات حکیم خواجه ابو جعفر نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن، ملقب به «استاد بشر»، چه بسا بی‌راه نباشد از آخرین شاه‌کار و یادگار او سخن آغاز کنیم که نشان از کمال معرفت و حسن سلیقه ایشان دارد. به سراغ جمله‌ای برویم که وصیت فرموده بودند بر سنگ قبرشان حکاکی شود. به وصیت خواجه نصیر، در مشهد کاضمین پایین مرقد مطهر امام موسی کاظم علیه السلام دفن شد و بر سنگ قبرش نوشتند: «کَلْبُهُمْ تَابِطٌ ذِرَاعِيَهُ بِالْوَصِيدِ؛ سگشان بر آستانه [غار] او دست خود را دراز کرده [بود]». این جمله نشانگر کمال تواضع و ادب به محضر ائمه معصوم علیهم السلام است که استفاده از آن برای هر مؤمن ولی‌شناسی رشک‌برانگیز است.

صاحب کتاب اخلاق ناصری، چنان که از شهرتش مشخص است، در سرزمین طوس، مشهد الرضا، و در جوار بارگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام زاده شد. پدر او «محمد بن حسن» از فقیهان امامیه و از محدثان معروف طوس بود. مبادی صرف و نحو و اشتقاق و اقسام علوم ادبی و قرآن مجید را پدر به پسر آموخت. منطق و علوم عقلی را نیز خواجه نصیر نزد دایی خود تعلیم دید. این اخبار، همه نشان از آن دارد که مؤلف تجرید الاعتقاد در خانواده‌ای اهل علم و اجتهاد به دنیا آمده و رشد کرده است.

قضاوت‌های متناقض

درباره شخصیت مؤلف کتاب جواهر الفرائض قضاوت‌های مختلفی شده است. بعضی او را به غایت ستایش کرده و استادالبشر، محقق و یگانه دوران نامیده‌اند و برخی دیگر نیز در آن سوی بام از توهین و افترا چیزی کم نگذاشتند. ملحد، شیطان‌مبین، ضایع‌کننده خون مؤمنین و جادوگر، القابی بود که دشمنان خواجه به علت اختلافات سیاسی، کلامی و فقهی به او می‌دادند. بررسی و پاسخ‌گویی به این دست ادعاها به پژوهشی پر دامنه‌تر نیاز دارد؛ هر چند بعید به نظر می‌رسد مفید باشد. اما در عقیده و مذهب خواجه شک و شبهه‌ای نیست. همه مورخان و محققان بر این باورند که او به مذهب شیعه اثنی‌عشری معتقد بوده که آثار کلامی او نیز گواه محکمی بر این ادعا است. از میان آثار کلامی ایشان می‌توان به تجرید الاعتقاد، رساله الفرقة الناجیه و رساله فی حصر الحق بمقاله الامامیه که به فارسی نگاشته شده و نیز کتاب الاثنی عشریه و رساله الامامه اشاره کرد. به شهادت اهل نظر و آثار باقی‌مانده از خواجه و همچنین تعلیم و فقه جعفری، همه و همه ما را به این اطمینان در مذهب و مرام او می‌رساند. چه بسا منشأ بسیاری از مخالف‌خوانی‌ها و اتهامات به خواجه نزد مورخان سنی مذهب، همین اعتقاد مذهبی او باشد.

شب‌های الموت

زندگی نویسنده کتاب اساس الاقباس که اثر گران‌سنگ در منطق است، فرازونشیب‌های بسیاری داشته و دست‌خوش اتفاقات تاریخی بسیاری بوده است؛ چنان که آورده‌اند مدتی نیز در قلعه الموت فریبن در حصر بوده و هم‌انجا شرح معروفش را بر اشارات ابن سینا نوشته است. خواجه نصیر در مقدمه خود بر اشارات، ضمن تشریح وضعیت خود که حاکی از پریشانی، گرفتاری و غم و اندوه است، بی‌بی‌رامی می‌سراید که به شیوایی بیانگر وضعیت آن عالم وارسته است.

بگرذا کرد خود چندان که بینم



بلانگشتری و من نگینم

نگارنده کتاب اوصاف الاشراف در بسیاری علوم عقلی، نقلی و تجربی تبحر کافی داشت و در هر رشته‌ای گام نهاده بود. سرآمد عالمان زمان خویش بود؛ چنان که شهرت او در علم نجوم و ریاضیات، هلاکوخان مغول را به طمع انداخت تا خواجه را به کار گیرد. از آنجا که خواجه نصیر مدت‌ها در فکر تأسیس رصدخانه بود، از این اقبال هلاکوخان استفاده کرد و با پیگیری‌ها و تحمل دشمنی‌ها و حسادت‌ها، موفق به طرح‌ریزی بنای رصدخانه شد. ساخت رصدخانه مراغه که از افتخارات تمدن بزرگ ایرانی اسلامی است، پانزده سال از عمر خواجه را مصروف خود کرد. احداث این بنا در سالی به اتمام رسید که خواجه در آن سال (۶۷۲ه.ق) وفات یافته بود.^۴

مرد روزهای سخت

یکی از مسائلی که درباره جناب خواجه نصیر همواره مورد اختلاف و دست‌مایه قضاوت‌های مختلف بوده، مسئله وزارت او برای هلاکوخان است. هلاکوخان مغول به ایران حمله کرد و تمام سرزمین پهناور اسلامی را اشغال کرد. آیا وزارت و همراهی خواجه با هلاکو معاونت با حاکم غاصب و جائر بوده؟ بررسی‌ها و موشکافی ابعاد مختلف این تصمیم و حاشیه‌های این واقعه تاریخی، ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که این شاکر در فوات الوفیات آورده: خواجه، وزارت هولاکو را داشت بدون اینکه در اموال دخالتی کند؛ ولیکن چنان عقل او را ربوده بود و بر او مسلط شده که هولاکو سوار نمی‌شد و مسافرت نمی‌کرد و دست به کاری نمی‌زد، مگر وقتی که خواجه تعیین می‌کرد...»^۵

همیشه آسان‌ترین راه برای اهل زهد و علم در هنگامه بلاها و خطر‌ها، عزلت‌گزینی و گوشه‌نشینی است. ولی خواجه این عافیت را نخواست و قدم در میدان گذاشت. اینجا است که ارزش عمل و قدر از خودگذشتگی خواجه نصیرالدین طوسی مشخص می‌شود که در یک بزنگاه تاریخی که تیغ به دست

پ مثل پدر

علی صادقی سرشت

قبل از آنکه این مطلب را بخوانید، به این پرسش‌ها بر اساس دیدگاه خود پاسخ دهید: «پدر کیست؟»، «پدر شبیه کیست؟»، «تفاوت پدرها در چیست؟»، «خانواده بدون پدر شبیه چیست؟»، «نام پدر بر از نده کیست؟» و «اگر پدر هستید، نمره شمادر پدر بودن چنداست؟». حال که در ذهن خود پاسخ این سؤال‌ها را مرور کردید، با ما همراه باشید.

۱۰۰ درصد

اولین گام در پدر بودن اصلاح یک شناخت بسیار اساسی و مهم در تربیت فرزندان است. برخی پدرها فکر می‌کنند در برقراری رابطه با فرزند، فقط پنجاه درصد سهم آنها است و پنجاه درصد بعی سهم مادر است. برای آنکه مادرند و آنها هم باید سهیم باشند! اسفناک‌تر آنکه برخی پدرها بخش عمده همین پنجاه درصد را نیز بر گردن مادرها می‌اندازند! اما پدر و مادرها برای پدر و مادر بودن باید رابطه‌ای ۱۰۰ درصدی با فرزند خود داشته باشند. ۱۰۰ پدر و ۱۰۰ مادر روی هم می‌شود ۱۰۰ پررنگ تربیت!

قاب بدون عکس

لقب «پدر» به سبب رابطه‌ای است که بین شخصی با فردی دیگر به نام «فرزند» ایجاد شده است. این رابطه از جهت شناختی، احساسی و رفتاری تعریف خاصی دارد که اگر به آن توجه نشود، لقب «پدر» مفهوم حقیقی خود را از دست خواهد داد و قابی خواهد شد بدون عکس! نوشته‌های زیر یادآوری کوتاهی است برای پدرهایی که می‌خواهند قاب پدر در خانه آنها بدون عکس نباشد.

۱. تربیت معنوی

تربیت معنوی دو لازمه دارد: جذب، آموزش. جذب نیز دو لازمه دارد. جذابیت خود پدر (اساس جذابیت پدر در مهربانی و احترام‌گذاری به اعضای خانواده است) و جذابیت روش تبلیغ دین (برای مثال مناسب‌ترین شیوه برای ایجاد جذب در کودکان بر شمردن نعمت‌های الهی، نیکی‌ها و لطف‌های او در حق انسان‌ها و از جمله کودک است؛ نه اصرار در بیان مجازات گناهان در آخرت یا خشم خدا و امثال آن). صد البته در تربیت معنوی نباید از روزی حلال و تأثیر آن در روحیه معنوی فرزندان غافل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از حقوق فرزند را بر گردن پدر آن دانسته‌اند که جز از حلال او را سیر نکنند.^۱

پی‌نوشت

۱. کیهف: ۱۸.
۲. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ص ۱۸۴.
۳. علی‌اصغر حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، ص ۵۲۰.
۴. همان، ص ۵۲۴.
۵. همان، ص ۵۲۶.



۲. مدیری مقتدر

پدر، مدیر سهل‌گیر یا سخت‌گیر نیست. پدر، مدیری مقتدر است. مهربان، منظم و البته در زمان مورد نیاز، منعطف است. در تربیت هدف دارد و انتظارات خود از فرزندش را برای او روشن بیان می‌کند.

۳. امنیت‌بخشی

همان‌گونه که پدر، غذای مشکوک به فرزند خود نمی‌دهد و به‌او اجازه ورود به خانه‌های مشکوک از جهت امنیت را نمی‌دهد، نباید او را در فضای مجازی به حال خودرها کند. بدین منظور باید قبل از فرزندش با تکنولوژی‌های علمی-رفاهی مثل موبایل و رایانه و اینترنت، در حد امکان آشنا می‌شود (از طریق مطالعه یا مشاوره) و سپس اجازه ورود به اندازه، در سن مناسب و با شرایط امن را به فرزندش دهد. پدر نباید به بهانه تأمین رفاه، فرزند خود را بدون حساب و کتاب سر هر سفرهای بنشانند!

۴. پدر پدران

پدر یعنی الگوی پدر بودن. پسران، پدران آینده هستند. آنها برای پدر بودن باید یاد بگیرند که چگونه پدری باشند. بهترین معلم آنها در این امر، پدران آنها هستند و البته اگر پدری در این زمینه موفق نباشد، پسری تربیت خواهد کرد که با لوازم پدری کردن آشنا نیست.

۵. حمایت‌روانی

پدر از سرزنش، تحقیر، تبعیض، بی‌صدافتی، مقایسه و گوشه و کنایه زدن به فرزندش خودداری کند؛ زیرا می‌داند این کارها با حمایت روانی از فرزند منافات دارد. پدر، شخصیت فرزند خود را در حضور دیگران تضعیف نمی‌کند؛ چرا که همواره این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را در نظر دارند که یکی از وظایف پدر، حفظ جایگاه فرزند است.^۲

۶. اختصاصی

وقت گذاشتن برای تک‌تک فرزندان و زمینه‌سازی برای انس و الفت از طریق ایجاد رابطه با فرزند، یکی از وظایف پدر موفق است. البته افزون بر این رابطه خصوصی، لازم است پدر از طریق تشکیل جلسات مشاوره خانوادگی و شرکت دادن کودک در تصمیم‌گیری‌ها (در حد امکان به خصوص در هفت‌سال سوم زندگی) ارتباط خود و خانواده را با فرزند تقویت کند.

پی‌نوشت

۱. نهج الفصاحه، ص ۴۴۷.
۲. همان.



حق بامشتری است؟

به مناسبت گرامی داشت روز حمایت از مصرف کننده

علیرضا بشیری



موضوعی است که امروزه در دنیا نهادینه شده و هر صاحب اثر، تولید یا خدمتی می تواند بر اساس آن از حقوق خود دفاع کند. همین موضوع در مورد حقوق مشتری نیز وجود دارد و باید قوانینی حاکم باشد که بر اساس آن اگر حقی از او ضایع شد، بتواند حق خود را پیگیری کرده و طرف مقابل را مجازات کند.

دوم، حق انتخاب کردن است. ابتدایی ترین حقوق مصرف کننده این است که بتواند خدمت و کالا را از میان موارد متعدد انتخاب کند. انحصار در ارائه هر کالا و خدمت، از بین بردن حق مشتری محسوب می گردد و در مواردی که کالا یا خدمتی به صورت انحصاری عرضه می شود، مشتری مجبور به انتخاب آن است. در این گونه موارد، اغلب مشتری نمی تواند در باره کیفیت کالا یا خدمت خریداری شده اظهار نظر کند؛ چرا که انتخاب دیگری ندارد.

تولید کنندگان این گونه خدمات و کالاها، به دلیل انحصاری بودن بازار، معمولاً به دنبال ارتقای کیفیت محصولات خود نیستند و در بسیاری موارد، حتی به افزایش قیمت هم ورود پیدا می کنند؛ زیرا هیچ جایگزینی برای آنها نیست.

سومین حق، حق بهره مندی از کالا و خدمات مرغوب است. مصرف کننده حق دارد کالای سالم و مرغوب در اختیار بگیرد. استفاده از مواد اولیه نامرغوب در تولید کالا، بسته بندی نادرست و مواردی از این قبیل، موجب تضییع حقوق مصرف کننده می شود.

چهارم، حق استفاده از کالا و خدمات ایمن است. عرضه کنندگان کالا بر این اساس موظفند کالاهایی تولید کنند و در اختیار مصرف کننده قرار دهند که ایمنی آنها را به مخاطره نیندازد. این موضوع در تولید کالاهای الکترونیکی و دارویی اهمیت مضاعفی پیدا می کند.

پنجم، حق بهره مندی از اطلاعات کامل کالا است. عرضه کنندگان کالا و خدمات مکلف اند همه اطلاعات کالا، از مواد اولیه تا چگونگی استفاده از آن را در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. اطلاعات کامل شامل این موارد می شود: قیمت کالا، نام، نشانی و شماره تلفن و علامت تجاری تولید کننده یا وارد کننده،

وزن، درجه و کیفیت، محل تولید، تاریخ تولید، تاریخ انقضا، ترکیب ساخت، مواد اولیه و اجزای تشکیل دهنده، نوع رنگ، دستورالعمل های ضروری، خطرهای جانی و مشخصات فنی و استانداردها.

ششم، حق بهره مندی از ضمانت و خدمات پس از فروش را شامل می شود. تولید کننده نمی تواند خریدار را پس از فروش محصول به حال خود رها کند. امروزه خدمات پس از فروش به یک شیوه در تولید تبدیل شده است. با وجود این، افزایش دامنه خدمات پس از فروش، می تواند مشتری را به خرید کالا، بیشتر ترغیب کند. در برخی کشورها پیشرفته، بعضی محصولات با ضمانت تعویض در صورت معیوب بودن کالا یا نارضایتی بودن مشتری از خدمت ارائه شده و حتی بازگرداندن پول مشتری عرضه می شود.

هفتم، حق بهره مندی از قیمت واقعی است. این حق مصرف کننده است که قیمت واقعی محصول و نه بیش از آن را بپردازد. درج قیمت کالاها بر روی آنها بهترین روش برای اطلاع مشتریان از قیمت آنها است. با وجود این، هنوز هستند فروشندگانی که از این کار ممانعت می کنند و در شرایط مختلف، کالا یا خدماتشان را با قیمت های مختلفی می فروشند.

هشتم، نشان استاندارد است. برای هر کالایی استانداردهایی تعریف شده است. از اسباب بازی گرفته تا اتومبیل و هواپیما، استانداردهایی وجود دارد که در تولید محصولات باید مدنظر قرار گیرد. حتی در ترکیب آب استخرها نیز باید استانداردهایی رعایت شود تا مصرف کنندگان از این خدمت دچار ضایعات پوستی نشوند.

نهم، اطلاع از شیوه مصرف است. استفاده ناصحیح از برخی کالاها تبعات جبران ناپذیری دارد و تولید کنندگان موظفند تا شیوه صحیح مصرف را به طور کامل در اختیار مصرف کننده قرار دهند.

برخورداری از کالاها و خدمات عمومی به صورت یکسان برای همه افراد جامعه نیز از حقوق مصرف کنندگان است. بر این اساس نمی توان قشری از جامعه را از دسترسی به برخی خدمات یا کالاها منع کرد.

پرواز یا پرتاب؟

علی صادقی سرشت



گاه خطر آشکار است و گاه پنهان. خطر خطر پنهان بیش از خطر آشکاری است که همه قبولش دارند و برای رفعش متحدانه تلاش می کنند. یکی از خطرهای پنهان که به تدریج می توان از آن به عنوان یک معضل اجتماعی یاد کرد، بی توجهی به باید و نبایدهای مهدها است. متأسفانه گاه مشاهده می شود مهدهایی که باید محیطی برای اوج گرفتن کودکان از جهت اجتماعی و مذهبی باشند و در حقیقت فرودگاه پرواز باشند، زمینه ساز پرتاب هستند.

چهار سنی؟

کودکان در محدوده سه سالگی را می توان سه تا چهار ساعت در روز در مهد کودک گذاشت که با بالا رفتن سن، این ساعات نیز می تواند افزایش یابد. کودکی که در سنین زیر دو و نیم سال به مهد کودک فرستاده می شود، در معرض احساس طرد شدن از سوی مادر قرار دارد و حس طردشدگی و دوری از خانواده در شکل گیری شخصیت او تأثیر منفی می گذارد. بنابراین در خردسالی و بزرگسالی این کودکان ممکن است احساس خشم ورنجش و افسردگی ملاحظه شود. اگر به دلیل شاغل بودن مادر امکان نگهداری از کودک توسط او در سنین پایین وجود ندارد، نگهداری کودک توسط پدر بزرگ و مادر بزرگ بهتر از سپردن او به مهد کودک است.

اول دین بعد دنیا

قبل از آنکه به هر امکانات دیگر یک مهد توجه کنید، به خصوصیات اخلاقی و ویژگی های روانی مدیران و مربیان و نیز برنامه های یک مهد توجه کنید. مهد کودکی که با آموزش آوازهای غیر شرعی و رقص و روش های بازی با حیوانات لوکس! می خواهد فرهنگ مدرن را به ذهن و روان بچه های ما نفوذ دهد، مانند یک مکان خوش ظاهر بدباطن است که بیش از آنکه زمینه سازی کند تا فرزندان مادر درازمدت به سمت بهشت و رضای حق پرواز کنند، آنها را به ته چهنم پرتاب می کند!

بی قراری اولیه

در مورد کودکانی که نمی توانند در مهد بمانند، راهکار آن است که حضور در مهد کودک از ساعات کم، به تدریج و همراه با مادر شروع شود و هر روز نسبت به روز قبل، مدت تنها ماندن کودک بیشتر شود. به هیچ وجه مانند کودک در روزهای اول ورود به مهد کودک به صورت طولانی مدت و بدون همراهی پدر و مادر توصیه

نمی شود. اگر کودکی تا سه هفته نتوانست با مهد کودک سازگاری برقرار کند، باید از نگهداری او در مهد کودک صرف نظر کرد و راه دیگری برای مراقبت از او یافت.

بایدهای مهد کودک

۱. مربی مناسب: مراقبت کنندگانی که به دلیل علاقه نداشتن به کودک، مشغله و گرفتاری زیاد، عدم تأمین مالی و مسائل دیگر، به رسیدگی به نیازهای کودکان تمایلی ندارند، به جای اینکه فضای مناسبی برای رشد کودکان فراهم کنند، زمینه های ناهنجاری را در کودک به وجود می آورند و توانمندی ها و قابلیت های او را محدود و حتی نابود می کنند.

۲. همه جور بازی، همه وقت: مهد کودکی مناسب است که در طول روز، کودکان به انواع اسباب بازی های مختلف مانند بلوک های خانه سازی، بازی های تخیلی، کتاب های عکس، نقاشی ها، ابزار هنری و اسباب بازی های رومیزی نظیر لگوها و پازل ها دسترسی دارند و همه بچه ها مجبور نیستند که در زمان یکسان، کار یکسانی را انجام دهند.

۳. مربی همه و تک تک بچه ها: نیاز به محبت از طریق توجه کلی مربی به جمع کودکان تأمین نمی شود. از این رو مربی باید برای تک تک بچه ها وقتی اختصاصی قرار دهد و هر روز این نوبت ها را رعایت کند تا کودکان احساس کنند مورد توجه خاص مربی مهد نیز هستند.

۴. بازی، بازی، بازی: همان گونه که اشاره شد، این سن، سن بازی است و نه آموزش مستقیم و جدی. از این رو اگر هم آموزشی بخواهد صورت گیرد، باید در قالب بازی باشد.

۵. قفس نباشد: مهد کودکی مناسب است که در آن بچه ها هر روز امکان بازی کردن در فضای بیرون را داشته باشند. روشن است که در این هنگام نیاز است مربیان توجه بیشتری به کودکان داشته باشند.

۶. آی قصه، قصه، قصه: مربیان خلاق در قصه های خود از کودکان مهد برای ایفای نقش شخصیت های قصه استفاده می کنند که این کار، جذابیت قصه را برای کودکان افزایش می دهد.

۷. تفاوت ها مهم هستند: مربیان موفق، بین کودکانی که در آموزش جلوترند و آنهایی که به کمک نیاز دارند، تفاوت قائل هستند و با صبر و حوصله، با همه آنها در جهت رشد آموزشی و عاطفی شان همکاری می کنند.



من از سلاله درختانم

در ستایش درخت؛ به مناسبت ۱۵ اسفند روز درختکاری

محمد درودگری

در میان ضرب المثل های زبان فارسی، مثل پر کاربرد داریم که وقتی کسی علیه خودش اقدامی می کند، به او می گویند: «شاخه ای را می بری که روی آن نشسته ای». حالا شده حکایت ماو تمام شاخه های درختان. باید بگویم شاخه ای را می بری که به خاطرش زنده ای، درختی را قطع می کنی که نفس کشیدن به آن محتاج است. می دانیم که به هوای پاک، محیط پرطراوت و گیاهان نیازمندیم، می دانیم آینده خود و فرزندانمان به درخت ها محتاج است؛ ولی این دانستن را در همان حد نگاه داشته و برای آن اقدام عملی نمی کنیم؛ شبیه زنبورهای بی عسل.

به استقبال نوروز

در ایران عزیز ما، ۱۵ تا ۲۲ اسفندماه به عنوان «هفته منابع طبیعی» نامگذاری شده که نخستین روز این هفته، یعنی ۱۵ اسفند، «روز درختکاری» است. روز درختکاری از محدود روزهایی است که نشانه های اهمیت آن را در سطح شهرها و روستاها می بینیم. از دوران کودکی تا کنون، بارها دیده ام که مأموران شهرداری در تهران و شهرستان با یک وانت بار در سطح شهر و معابر، با توزیع نهال، افراد را ترغیب می کنند که آنها را در مقابل منزل خود



بکارند. حتی شنیده‌ام که در برخی روستاها نیز چنین آیینی مرسوم است که بسی موجب خرسندی است. کاشت درخت، سنت و سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. ایشان، هم خود درخت می کاشتند و هم دیگران را به این امر دعوت می کردند. عقل، که پیامبر درون انسان محسوب می شود نیز به هزار و یک دلیل، حکمش همین است. سرشماری نکرده‌ام و آمار دقیقی در دست ندارم که چند درصد مردم درباره درخت نگاه مثبتی دارند؛ اما حدسناخت متوسط از جامعه و اطرافیان خود، می توان ادعا کرد که بیشتر مردم به «فرهنگ درختکاری» نگاه مثبتی دارند و آن را لازم می دانند. چه بسا این ظرفیت وجود دارد که با فرهنگ سازی مناسب، این علاقه فطری، به رفتاری مستمر تبدیل شود.

خاطره‌ای تلخ

در کنار این قضاوت، وقتی به سطح شهر و مناطق اطراف آن رجوع می شود، آن گونه که باید، به «درخت» توجه نمی شود. مثلاً برای تعریض خیابان یا ساخت بنای تازه، اولین قربانی درخت است. یکی از تلخ ترین خاطرات نگارنده که در سال های دهه هشتاد اتفاق افتاد، این است که روزی در یکی از شهرهای اطراف تهران، برای پیاده روی به حاشیه شهر رفته بودم. در کنار خیابان چند نهال تازه کاشته شده بود. ظاهراً کسی این نهال های نو کاشته را شکسته و کمر آنها را خم کرده بود. هر چه فکر کردم نتوانستم کشف کنم این چه افتخار یا رفتار خاصی است که کسی از شکستن نهال لذت ببرد یا قدرتش را بیازماید؟! این دست نشانه ها جای نگرانی دارد و هشدار است برای شیوع بیماری خطرناک «درخت ستیزی».

در فضاهای روستایی نیز می توان علائم خطر را مشاهده کرد. یک به یک خانه های قدیمی خراب می شوند و به جای آن، خانه های چندطبقه سیمانی و آجری بنا می شود. بافت سنتی روستا که به دامداری و کشاورزی وابستگی زیادی دارد، به نفع ظاهر شهری تغییر می کند. حذف و نابودی درخت از سطح شهرها و روستاها و جنگل ها، چه خود آگاه چه ناخود آگاه، چه در شهر چه در روستا، باید به عنوان یک ردیله فرهنگی و اخلاقی شمرده شود، و بر معرفی به نام درخت کاری باید تأکید کرد. فراموش نکنیم نهی از منکر و امر به معروف، وظیفه ای است همگانی.

ایست!

امروزه بیشتر مردم سعی می کنند فضای بیشتری را به ساختمان اختصاص دهند و فضای سبز را محدودتر کنند. بهترین اقدام برای مقابله با این مسئله، قانون است. طبق قانون، چه در منازل شخصی و چه در مجتمع های مسکونی، سهم فضای سبز باید به خط قرمز تبدیل شود. ما نباید بخواهیم مسئولان هم نباید بگذارند که فضای بیشتری از حق قانونی را به ساختمان اختصاص دهیم و باغچه را از خانه خود حذف کنیم؛ چه در شهر و چه در روستا.

در این آشفته بازار شعارها و شتاب ها، هر فرد به عنوان ساکن زمین و کسی که قرار است تا آخر عمر خود تنفس کند و نسل های بعدی نیز به اندازه او حق بهره مندی از زمین داشته باشند، باید برای دغدغه های محیط زیستی اهمیت قائل شود. چه بخواهیم و چه نخواهیم، ابزارهای صنعتی و مدرن در حال گسترش است و جمعیت بشر رو به افزایش. چنانچه به صورت جدی به امر محیط زیست توجه نکنیم و برای تخریب طبیعت، حد و مرزی قائل نشویم، خطای بزرگی مرتکب شده ایم که هیچ گاه قابل جبران نیست و نخواهد بود.

هر که بامش بیش، درختش بیشتر

هر کدام از ما در زندگی خود اشتباهات و افتخاراتی داریم. خیلی کارها را انجام داده ایم و بسیاری کارها را نباید انجام می دادیم. در میان همه آنچه کرده ایم و نکرده ایم، از خود پرسیم: «من در زندگی خود چند درخت کاشته ام؟». اگر جواب قابل توجه داریم، خدا را شکر؛ باز هم این روند را ادامه دهیم و سعی کنیم این افتخار را پررنگ تر کنیم. اگر جواب خاصی نداریم، برای این مسئله فکری کنیم. همین امسال به هر بهانه ای یک درخت بکاریم.

در گذشته رسم بود به مناسبت تولد یک فرزند به نامش درختی می کاشتند. بزرگ که می شد، می گفتند این درخت هم سن تو است. سنت بسیار نیکو و پسندیده ای است که بین انسان و طبیعت پیوند احساسی ایجاد می کند. کاش دوباره این سنت حسنه احیا شود. بهانه های دیگری هم می توان طرح کرد. مثلاً به تعداد هر مشعل گازی که روشن می شود، درختی کاشته شود. یک خانواده چند ماشین و بخاری دارد؟ به همان تعداد خود را موظف بدانند که درخت بکارند. کاش نهادی مسئول بود که به ازای واگذاری هر مشعل گاز یا تحویل خودرو، از ماسند مالکیت یک درخت و افتخار کاشت آن را طلب کند.

حکمت منظوم

نگاهی اجمالی به شاعرانگی
حکیم ملاهادی سبزواری

محمد جعفر آبادی



درآمد

کارکردهای متفاوتی را برای شعر ذکر می کنند. برخی ذات هنر را مستقل از هر مسئله بیرونی می دانند و لذت بردن از یک اثر یا متن هنری را برای موجودیت آن کافی می دانند. برخی دیگر افزودن گزیننه های دیگر را مجاز دانسته، هم به لذت رسمیت می دهند و هم رسالت های فرهنگی اجتماعی را برای هنر لازم می شمردند. در میان پاسخ های این پرسش که «شعر به چه کاری می آید؟» یک پاسخ حول محور ابزار آموزشی است. ما می توانیم با استفاده از ظرفیت های زبان منظوم و شعر گونه، موضوعات مختلف را آموزش دهیم.

برای «شعر آموزشی» می توان مصادیق مختلفی، متناسب با رده های سنی برشمرد؛ مانند مباحث تربیتی که در مهد کودکها در قالب شعر آموزش داده می شود. گاهی با در کنار یکدیگر قرار دادن اصطلاحات عملی، می توان یک مطلب را به راحتی حفظ کرد. مثل بیت معروف: «حرف عله سه بودای طلبه / او و بیا و الف منقلبه». این شیوه آموزشی در گذشته رسمیت بیشتری داشت و در مباحث علمی بسیاری به کمک معلم و متعلم می آمد.

یکی از موفق ترین و ماندگارترین آثار منظوم

که با هدف آموزش، در قالب شعر تألیف شده، منظومه ملاهادی در موضوع فلسفه و منطق، اثر حاج ملاهادی سبزواری است که در دوره های مختلفی به عنوان متن درسی در مکتب خانه ها و مدارس علمیه خوانده می شد. شرح های بسیاری بر این کتاب نوشته شده و هنوز هم این کتاب برای محققان معاصر جذابیت های خاص خود را دارد. در این مجال و در سیر یادداشت های مربوط به عالمان شاعر، نگاهی خواهیم داشت به اشعار و آثار منظوم حاج ملاهادی سبزواری.

خانه دل حریم خلوت او است
جان کامل سریر حضرت او است
آدمی چون که معرفت اندوخت
قابل خلعت خلافت او است

روایت مختصری از زندگی

ملاهادی بن مهدی، معروف به حاجی سبزواری، نامدارترین و بزرگترین فیلسوف قرن سیزدهم هجری است که در زمانه خود از همه متفکران و عارفان پیش تر بود و چنان که در اخبار آمده، خاندان او همه در سبزواری اهل ثروت و شهرت و اعتبار، و مردمی خیر و نیکو کار بودند. ملاهادی در سال ۱۲۱۲ هجری قمری در سبزواری به دنیا آمد و در همان شهر در سال ۱۲۸۸ دیده از جهان فرو بست. پس از گذشت این فیلسوف بزرگوار، ساختمان آبرومندی بر روی قبر او بنا نهادند و صحن بزرگی مشتمل بر حجره های متعدد بر بنای مقبره افزودند.^۱

همت از مرد حق طلب می کن
همت مرد حق ز همت او است
به حقارت به ما مبین زاهد
سر «اسرار» از سریرت او است

حکیم ملاهادی سبزواری از هشت سالگی به دانش آموزی پرداخت. از دروس صرف و نحو عربی گرفته تا ادبیات و فقه و اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات، بهره مند گشت. از محضر بسیاری از عالمان و استادان زمان خود از

جمله آخوند ملاکاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول)، آقا سید احمد رضوی پیشاوری (متخلص به ادیب) و ده ها شخصیت وارسته و حکیم دیگر بهره برد. اهمیت ویژه شخصیت علمی او، تبحر در تقریر و تدریس فلسفه بود که بسیاری از طالبان علم را گرد خود آورد و منشأ خدمات بسیار گردید.

ایشان در عصر ناصرالدین شاه قاجار زندگی می کرد و چنان که در نقل ها آمده، بسیار دنیاگریز و به دور از جاه و مقام می زیست؛ چنان که نه در پایتخت و نه در زمانی که ناصرالدین شاه قاجار در سبزواری بود، به دیدن شاه نرفت و شاه قاجار شخصاً به دیدار ملاهادی رفت و در پایان دیدار، به اطرافیان خود گفته بود: «من عالمی به روحانیت حاجی ملاهادی در عمر خود ندیده ام». البته در باب اینکه جناب شاه با چه تعداد و کدام یک از علمای عصر خود نشست و برخاست داشته و چه میزان نظرش در سنجش روحانیت یک عالم دینی اعتبار دارد، نمی توان سخن دقیقی گفت. آنچه در اینجا قابل ذکر است، این است که شاه صاحب قران و شوکت و جاه، متأثر شده و تحت تأثیر حالات و عظمت روحی و روحانی جناب ملاهادی قرار گرفته است.

در باب شعر نیز چنان که در مقدمه این یادداشت آمد، اشعاری که ایشان در باب حکمت و فلسفه اسلامی سروده اند، با استقبال بسیار مواجه شده و سال ها مورد توجه طالبان حکمت و فلسفه بوده است. ایشان غیر از متون درسی منظوم، اشعار تغزلی نیز دارند که به شهادت پژوهشگران، اغلب غزلیات او رنگ و بوی اشعار «لسان الغیب» را دارد و به استقبال او رفته است. ایشان تخلص «اسرار» را برای اشعار خود انتخاب کرده و در اشعار خود به صنایع بدیعی، اعم از لفظی و معنوی بسیار نظر داشته است.^۲

بر دلم قهر و رضای تو لذید
بر تنم رنج و شفای تو لذید

همه اطوار تو زیبا و پسند
فرق سر تا کف پای تو لذید
خواه مهر از تو رسد خواه جفا
مهر تو نغز و جفای تو لذید
چه بسازی چه بسوزی سازی
چه ولا و چه بلای تو لذید
نسبتم را به سگ در گاهت
خواه لا خواه بلای تو لذید
گر برانی ز درت ور خوانی
خود تو دانی همه رای تو لذید

این حکیم مسلمان، بیش از بیست کتاب نفیس از خود به جای گذاشته است. یکی از این آثار گران قدر، کتاب منظومه او است. در بخش اول کتاب، بیش از هزار بیت شعر در حکمت سروده و در آن به بررسی مهم ترین مسائل فلسفه پرداخته است. در بخش دیگر آن دقیق ترین مباحث منطق را در سببیت به نظم در آورده است. ضمن اینکه دیوان او بالغ بر هزار بیت (غزلیات، رباعیات) است که بیشتر مضامین عرفانی دارد. با شعری از آن حکیم، این نوشته را به پایان می برم:

دل بشد از دست، یاران فکر در مانش کنید
مرهم زخم عجین از آب پیکانش کنید
شهبوارم می رود ای اشک، راهش را ببند
ای سپاه ناله زود آهنگ میدانش کنید
گر رود، از اشک سیل انگیز و آه شعله خیز
شور محشر می شود، یاران پیشیمان کنید
خسرو چابک سوارم عزم جولان کرده است
معشر عشاق، سرها گوی چو گانش کنید

طوطی گویای اسرار از فراقش تلخ کام
زان لب شکر شکن در شکر ستانش کنید

پی نوشت

۱. هادی قضایی، زندگی نامه شاعران و نویسندگان، ص ۲۸۷.
۲. علی اصغر حلبی، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۶۹۱.
۳. همان.
۴. هادی قضایی، زندگی نامه شاعران و نویسندگان، ص ۲۸۸.



نقد و بررسی شیپار ۱۴۳

سید روح الله داعی



شما نزدیک ترند» دومین فیلم سینمایی او بود. این فیلم داستان واقعی مادر شهیدی در منطقه ابرند آباد یزد است که به دلایلی داستان فیلم در کرمان از نظر بیننده می گذرد.

در تاریخ سینمای دفاع مقدس، قصه مادران رزمندگان جان بر کف، در فیلم‌های متعددی به تصویر کشیده شده است؛ فیلم‌هایی مانند گیلانه، ساخته رخشان بنی اعتماد با بازی بهت انگیز فاطمه معتمد آریا که رنج نگهداری از فرزند جاننازش و سختی‌های تکان دهنده این زندگی را به خوبی برای مخاطب باورپذیر کرده است و همچنین بوسیدن روی ماه، ساخته همایون اسعدیان که در مورد انتظار مادران شهدا است که آن هم فیلم تأثیر گذاری است.

فیلم شیپار ۱۴۳، داستان زندگی الفت (مریلا زارعی) را به تصویر می کشد که در حسرت و انتظار رسیدن فرزندش یونس، ملالت‌های بسیاری می کشد. این فیلم انتظار مادران و به طور کلی خانواده شهدا را روایت می کند. اگر در این روایت، مسیر طولانی و گاه ملال انگیزی از نظر مخاطب می گذرد، اما به خوبی رنج و غم پدران و مادرانی را به تصویر می کشد که سختی بزرگ کردن فرزندان رشید و شجاع را به جان خریده و جگر گوشه‌هایشان را برای حفظ مرزهای جمهوری اسلامی ایران، به جبهه‌ها اعزام کرده‌اند.

لفت زنی است در یکی از روستاهای کرمان که به سختی زندگی خود را می گذراند و پسرش یونس در معدن مشغول فعالیت است. عشق مادر به فرزندش را در جریان غذا بردن هر روزه برای یونس می بینیم. با آنکه مسیر، طولانی و صعب العبور است، اما به عشق دیدار پسرش این اتفاق هر روز رخ می دهد. هدیه‌ای که یونس به مادر می دهد، یادگاری ماندنی برای وی می شود و در طول پانزده سال انتظار و چشم‌براهی فرزندش، تنها مونس او این رادیو است که پس از ناامیدی از بازگشت فرزندش از جنگ، بدان گوش می دهد تا شاید اسم فرزندش را از رادیو عراق بشنود.

مریلا زارعی در این فیلم در گرمای نزدیک به پنجاه درجه کرمان، با داهان روزه، چنان این فیلم را با هنرمندی و مهارت بازی کرد که سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر زن سی و دومین جشنواره فیلم فجر را از آن خود کرد. خود او در مورد این فیلم می گوید: «نقش سنگین و استثنائی این بزرگ مادر را پذیرفتم. رویارویی من با این مادر در ماه ضیافت پروردگار آغاز شد و چه آغاز مبارکی بود. رمضان برایم نسیمی آورد از جنس همه مادران غیور سرزمینم. گرمای تابستان، کوره ذوب مس، تنفس در هوای سنگین فلزی».

روزی که از خواب برمی خیزد و با نامه یونس مواجه می شود که با سه رقیفش به جبهه رفته، استرس و نگرانی را در چهره‌اش می بینیم و شیدایی او در انتظار پانزده ساله‌اش برای بازگشت یونس، در جای جای فیلم، مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد. بازی تحسین برانگیز مریلا زارعی در این فیلم، در انتظار و دست و پنجه نرم کردن با وضعیت سخت زندگی در فراق عزیزش، شکستگی او در زمان فوت مادرش و تنهایی او و مقاومت و امیدواری‌اش تا رسیدن خبری از فرزندش یا برگشتن او، بسیار ستودنی و دیدنی است. در آن صحنه از فیلم که خواهر الفت برای عروس کردن دخترش (که نامزد یونس بوده) از او اجازه می گیرد، حس و حال الفت تکان دهنده است. در این مسیر طولانی کم کم تک تک امیدها و غلغله‌های



فیلم شیپار ۱۴۳، داستان زندگی الفت (مریلا زارعی) را به تصویر می کشد که در حسرت و انتظار رسیدن فرزندش یونس، ملالت‌های بسیاری می کشد. این فیلم انتظار مادران و به طور کلی خانواده شهدا را روایت می کند



وابسته به فرزندش از دست می رود. عروس شدن نامزد او گواه این مدعا است.

برای کاستن فضای غم‌انگیز فیلم، سکانس‌های تلفن خانه یک موقعیت طنز را با بازی پیرمردی غرغرو به عنوان مسئول تلفن خانه به وجود می آورد. بازی روان و کمیک پیرمرد مسئول تلفن خانه در آن موقعیت و تلفن زدن الفت برای صحبت با پسرش، لحظاتی شیرین را برای مخاطب رقم می زند. تلاش در داور الفت برای دریافت خبر از فرزندش و همچنین دلسوزی‌های دیگران برای دریافت خبری از یونس، بسیار دلنشین از آب درآمده است. لحظاتی از فیلم که سید (مهران احمدی) با داور بین به دنبال فرزندش در میان جنازه شهید می گردد، بسیار طبیعی است.

زمانی که به الفت خبر می رسد آزادگان عزیز به وطن برگشته‌اند، شادی و هلهله و داد و فریادش در کوچه برای مردم خوشحال کننده، اما برای مخاطب که فیلم را دنبال می کند، بسیار تأثر برانگیز است.



در صحنه تکان دهنده پابرهنه رفتن الفت برای خبر گرفتن از آزاده‌ای که با فرزندش در یک اردوگاه بوده، نهایت دردمندی وی را به تصویر می کشد و آنجا که اشتباه رخ داده‌رامی فهمد، فرو ریختن تمام امید این زن رنج دیده بسیار در دناک به تصویر کشیده شده است.

در روایت این فیلم، در کنار ماجراهای آن، شاهد ساخت یک مستندیم که با مصاحبه درباره شخصیت یونس، با بازی خاص مهران احمدی و مصاحبه با یک سرباز (با بازی جواد عزتی) تا پایان فیلم، قطعات پازل کنار هم چیده می شود و در نهایت، از طریق این سرباز، علت اصلی نامگذاری فیلم مشخص می شود.

در مسیر فیلم، مرتب قالی بافتن الفت را شاهدیم؛ اما این قالی تمام نمی شود تا یکی از سکانس‌های پایانی فیلم که جنازه یونس بر می گردد. در نهایت باقیچی کردن تارهای قالی، اتمام آن را مشاهده می کنیم.

در پایان فیلم، در سکانسی که الفت کفن کوچک فرزندش را در آغوش می کشد، در ذهن مخاطب

شباهت این کفن به قنداقه بچه تداعی می شود که این تصویر بلافاصله در فیلم نشان داده می شود. این تشبیه، زیبا و هنرمندانه به تصویر کشیده شده است. این روند، احساسات عاطفی یک مادر را در نهایت به شرایطی عارفانه و خدایی تبدیل می کند که بسیار دیدنی است.

در پایان، جمله‌ای از سرکار خانم زارعی در مورد این فیلم: «...چه باشکوه که با همت بلند همه یارانم در این کار، دست به دست دادیم تا این مادر رازنده کنیم. شیپار ۱۴۳ برایم آزمون صبوری بود و هست. خدا را شاکرم از این فرصت مغتنم و در پایان قدر دان خالق اثر، خانم نرگس آبیاری».

پی‌نوشت

۱. آگهی تبلیغاتی که ویژگی برنامه یا کالایی را به طور مختصر به نمایش می گذارد. معادل آن در زبان انگلیسی، تیزریاتریلر است.



خواننده محترم!
اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه‌جانبه نشریه خواهد بود.
برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده، بدون پاکت پستی و الصاق تمپر، در صندوق پست بپندازید.

فرم نظر سنجی ماهنامه مسجد شماره ۱۸۲

نام و نام خانوادگی :	تحصیلات آکادمیک :	تحصیلات حوزوی :
آدرس منزل :	پست الکترونیکی :	تلفن تماس (همراه) :
پست الکترونیکی :	مشخصات محل خدمت (مسجد) :	
نام مسجد تحت مدیریت :	آدرس پستی :	
تلفن تماس :		
در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید:		

تهران صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۱۹۷۷

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۱۸۹/۱۹۷۷ پرداخت شده است

لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید



۱ + ۱ = ۱

خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی

محمد حسنی



ازدواج یک نیاز فطری و حق طبیعی است که در همه ادیان تقدس خاصی دارد که به منظور تأمین نیازهای مختلف روانی-اجتماعی، بقای نسل و آرامش جسم و روان صورت می گیرد. البته راهی برای تکامل انسانها نیز محسوب می شود. به این معنا که خداوند متعال، برای آنکه انسان در مراحل مختلف زندگی به کمال خویش برسد، سازو کارهایی قرار داده که بدون آنها تکامل ممکن نیست و ازدواج، یکی از آن سازو کارهاست. شهید مطهری می گوید: «یک پختگی هست که این پختگی جز در پر تو از ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد نفس پیدا نمی شود، در نماز شب پیدا نمی شود، با ارادت به نیکان هم پیدا نمی شود؛ این را فقط در همین جا (ازدواج و

تشکیل خانواده) باید به دست آورد»^۱. ازدواج، سر آرامش و عاملی برای اطمینان و سکون است. در سایه ازدواج طغیانها و هیجانات درونی، جوشش های غریزه و التهاب ها مهار می شود و این امر مقدس، کشتی طوفان زده زندگی جوانان را از امواج خروشان غریزه طغیانگر به ساحل سعادت و نیکبختی رهنمون ساخته و روح پر تلاطم آنان را آرامش می بخشد. بنابراین، یکی اهداف ازدواج، تأمین وارضای نیازهای عاطفی و مقابله با بحران در این زمینه است و زن و مردی که با هم ازدواج می کنند، با محبت به یکدیگر هر یک محرم اسرار و پناهگاه عاطفی دیگری می شود. قرآن کریم می فرماید: «و جعل منها زوجها لیسکن الیها»^۲. علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید: هر یک از آن دو (زن و مرد) در حد خود و فی نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو واحدی تام و تمام درست می شود و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می کند و چون

بدان رسید، آرامش و سکون می یابد؛ چون هر ناقصی مشتاق کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است و این حالت همان شبقی [آرزومند گشتن به جماع، آزمندی به آرامش شدت شهوت] است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است.^۳ این مطالب پیش در آمدی است برای معرفی کتابی برای آنها که می خواهند یک آنها به اضافه یک همسرشان مساوی یک شود و یگانگی؛ نه آنکه دو شود و دوگانگی. کتابی ۲۳۲ صفحه ای که آقای حجت الاسلام دکتر محمدرضا سالار فری آن را با عنوان خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی نگاشته اند و انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آن را در سال ۱۳۸۵ چاپ نموده است.

پی نوشت

۱. به نقل از: صفورایی، کارآمدی خانواده از نگاه اسلام، (پایان نامه دکتری)، ۱۳۸۸، ص ۲۱.
۲. اعراف: ۱۸۹.
۳. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۵۳.



<p>برداشتن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می کنید</p> <p>آموزشی <input type="checkbox"/> مهارتی <input type="checkbox"/> ترویجی <input type="checkbox"/> فرهنگی <input type="checkbox"/> سیاسی <input type="checkbox"/> اجتماعی <input type="checkbox"/></p> <p>بیکبری کدام مطلب از سرویس های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می دانید</p> <p>آموزشی <input type="checkbox"/> مهارتی <input type="checkbox"/> ترویجی <input type="checkbox"/> فرهنگی <input type="checkbox"/> سیاسی <input type="checkbox"/> اجتماعی <input type="checkbox"/></p> <p>سیک نوشتاری و ویرایش مطالب</p> <p>عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>صفحه آرای را چگونه ارزیابی می کنید؟</p> <p>عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده اند؟</p> <p>خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>مسابقه پیامکی (با جایزه)</p> <p>بهترین مقاله: بهترین طرح صفحه: بهترین تیتر:</p>	<p>سطح علمی مطالب</p> <p>منبر: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>رواق: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>محراب: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>شبهستان: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/></p> <p>سطح کاربردی مطالب</p> <p>منبر: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>رواق: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>محراب: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>شبهستان: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>حجم مطالب در هر سرویس</p> <p>منبر: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>رواق: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>محراب: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>شبهستان: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>نوع موضوعات و عناوین در هر سرویس</p> <p>منبر: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>رواق: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>محراب: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p> <p>شبهستان: خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/></p>
---	---